۲۱

دو ماهه



علمی فرهنگی جهادی

سال چهارم، شماره سوم، رجب المرجب و شعبان المعظم ۱۴۳۸ هق
ثور و جوزا ۱۳۹۶ هش

- آن ابر مرد آشنا . . .
- افغانستان آزمونگاه اشغالگران
- مصاحبه اختصاصی مجله حقیقت با مولوی محسن هاشمی مسئول جهادی در ولایت لوگر
- مطبوعات غرب در مورد افغانستان چه میگویند ؟
- منصور، رهبری که برای دین خدا کباب شد !
- منصوري عمليا تو ته هيلي !
- ژورنالیست کیست ؟



دوماهه حقیقت علمی فرهنگی جهادی

سال چهارم، شماره سوم ، رجب المرجب و شعبان المعظم ۱۴۳۸ هق - ثور و جوزا ۱۳۹۶هـش * اپریل و مئی ۲۰۱۷ میلادی

فهرست مطالب

یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسنده گان دست باز دارد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندۀ آراء و نظریات نویسنده آن می باشد.

ادارۀ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را بدوش نمیگرد.

♦ **صاحب امتیاز:** کمیسیون امور فرهنگی امارت اسلامی افغانستان

♦ **مدیر مسئول:** احمد تنویر

♦ **دیزاین:** صابر بلوچ

♦ **هیئت تحریر:** حسن مبشر، سعید بدخشانی، سعادت کامران، جمال زرنجی، سید سعید، سمیع‌الله زرمتی

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com



اداره کابل و فروپاشی از درون

حکومتی که امریکا با جورآمد دو جناح مخالف بین اشرف غنی و داکتر عبدالله بر خلاف تمام قواعد و اصول سیاسی دنیا در کابل پایه گذاشت از همان ابتداء غلط و پر از مشکلات و چالش ها بود؛ و از بدو پیدایش تا هم اکنون ملت افغانستان و جهان، شاهد افتضاحات سیاسی، اداری، نظامی و ... آن بوده و روز به روز بر حجم مشکلات آن افزوده می شود؛ اما دود این جار و جنجال های جاه طلبان اداره کابل قبل از هر کسی به چشم ملت مظلوم افغانستان می رود؛ از همین رو، چقدر که سران اداره کابل وابسته، انفعالی و اثرپذیر باشند این به نفع اشغالگران خارجی بوده و بیشتر می توانند از آنها به نفع خود بهره گرفته و از متن قال مقال های سیاسی شان به اهداف استعماری خویش نزدیک تر شوند.

جای تاسف اینجاست که ملت قهرمان افغانستان با آنکه اکثریت قریب به اتفاق شان خوب می دانند که اداره کابل عاجزتر از درک شرایط و ناتوان تر از مهار بحران های موجود در کشور اند؛ ولی باز هم تعدادی متاسفانه فریب تعصبات قومی و لسانی را خورده و به حمایت از سران اجیر وحدت ملی پرداخته و آنها را منجی ملت و سرزمین خویش فکر میکنند در حالیکه این سران دست نشانده در طول حکومت داری خود نشان داده اند که تا چه حد در منجلاب فساد، نفس و شیطان، هوا و هوس، دشمنان خارجی و داخلی اسیر بوده و چگونه از سر تا پای دربست در خدمت دشمنان دین و ملت افغانستان اند.

از آنجا که اداره کابل (بنام وحدت ملی) به دست منحوس امریکا تاسیس شده، هیچ خیری در آن دیده نمی شود و شاید در دنیا تنها اداره ای باشد که با نام خود سنخیت و همخوانی ندارد؛ یعنی اداره کابل هر چیز باشد وحدت ملی ندارد چرا که سران این اداره فاقد ارزشهای ملی و یکپارچگی و وحدت اند و چنانچه که مشهود است همه تلاش های شان مبنی بر ایجاد شگاف های عمیق تر بین ملیت های مختلف افغانستان بوده و چون اهلیت ندارند اکنون کشور کاملا غیرمعیاری اداره می شود و این کار بیش از پیش باعث چالش های جدی قومگرایی و جناح بندی های سیاسی گردیده است و از آنجا که همه شان از بیرون و بیگانه دستور می گیرند مثل گرگ و گوسفند به جان هم افتاده و به حال خود هیچ رحمی ندارند و وقتی به خود رحم نکنند باز بر ملت چگونه ترحم می کنند؟

اختلافات فاحش سیاسی اداره کابل با افتضاحات گسترده اخلاقی و فساد اداری و ناسازگاری سران آن این روزها به اوج خود رسیده تا جایی که اراکین قدرت همه به دنبال لابی گری اند و هر کدام توسط دیگری با اتهام و فریب تا سرحد حذف از صحنه سیاست پیش می روند؛ مثلا: جنرال دوستم (یکی از مهره های فاسد اما مطلوب غرب) توسط گروه اشرف غنی، داکتر عبدالله توسط عطاءمحمدنور (از عناصر بسیار مطلوب غربی ها) احمد ضیاء مسعود توسط امرالله صالح و ... و این نشان می دهد که سران آن اداره، بی اراده از خود، توسط اشغالگران و در جهت سیاست مشهور آنها «تفرقه بیاندار و حکومت کن» کنترول می شوند و چنان این جماعت بی خاصیت و بی همه چیز به جان هم افتاده و دچار اضمحلال و فروپاشی از درون گردیده که اگر هر قسم جنایت و وحشتی را امریکایی ها در افغانستان مرتکب شوند از آنها هیچ کاری ساخته نیست چون نمی توانند و بی اختیارتر از آنند که کاری کنند.

اینجاست که لله الحمد تمام فرصت های پیش آمده به نفع امارت اسلامی، فرزندان اصیل و رشید مکتب اسلام و سرزمین افغانستان فراهم آمده که با توکل به الله متعال، با حکمت و تدبیر، پلان و تاکتیک و با همان غیرت و ایمان مثال زدنی شان مبنی بر تداوم مبارزه با اشغال و اداره دست نشانده کابل با فعالیت های بسیار خوب شان در میادین مختلف، هم به ملت عزیز افغانستان نزدیک تر شده و هم دشمنان خارجی و داخلی را به عجز واداشته و ثابت نمایند که تنها نمایندگان واقعی ملت خویش اند و با اهداف بسیار والایی که دارند اندکی از مواضع انقلابی خویش عقب ننشسته و تا آزادی کامل سرزمین شان و به دست آوردن عزت و استقلال آبرومند، همچنان و حتی قوی تر از قبل به جهاد مقدس خویش علیه اشغالگران خارجی و اداره دست نشانده در روشنی نصوص دینی انجام وظیفه کرده و تکلیف شرعی خود را به نحو احسن و مطلوب به جای می آورند.



سال ۱۳۹۶ هش پیروزی حق بر باطل

سعید بدخشانی

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (۸۱اسراء)

وبگو حق آمد و باطل مضمحل و نابود شد و باطل نابود شدنی است.

یکی از آرزوهای دیرینه انسان مؤمن ومجاهد، برچیده شدن بساط کفر، ظلم و بیدادگری از جامعه وتنفیذ احکام الهی، صلح، آرامش و اجرای عدالت در جهان میباشد.

این فکریه واندیشه هماهنگ باسرشت انسان است. به همین خاطر، هرگاه گروهی از مسلمانان به مبارزه با متجاوزین وحکومت های ظالم و جابر وقت پرداخته اند، بسیاری این مبارزه ها نتیجه اش پیروزی اهل حق بر باطل بوده و نصرت خداوندی شامل حال مجاهدان راستین و پاکباز اسلام شده است.

ممکن زعماء بسیار گروه های (که در راه راندن کفار از کشور های اسلامی و تطبیق نظام شرعی، مشاق و تکالیف طاقت فرسای را متحمل شده باشند و در این مسیر قشر متدین از جان های خویش گذشته اند، و هزاران جوان مبارز و شهادت طلب جان های شیرین شان را به جان آفرین سپرده اند) بتدریج از اهداف علیاء جهاد واسلام دور شوند، بلا تردید خداوند ذات توانا است گروهی نیک، صالح ومصلح دیگری را به عرصه وجود می آورد تا دین اش را در روی زمین حکم فرما بسازد.

نمونه بارز بر این امر قربانی های فراوان، رنج و درد ملت مجاهد افغان در مقابل تجاوز اتحاد جماهیر شوروی ورهبران جهادی سابق میباشد، که در کمتر از یک دهه قیام مسلحانه و جهاد خستگی ناپذیر مردم غیور کشور میلون ها انسان شهید، معیوب و مهاجرشدند و بالآخره طاغوت عصر را به زانو درآورده و از خاک بیرون ساختند.

ملت بیچاره و غم دیده ما در عوض این همه جانفشانی ها و در به دری ها خواهان برپایی یک نظام خالص اسلامی بودند، نه تنها که به آن هدف و مرام والای خود که (نظام شرعی)بود نائل نشدند، بلکه برعکس کشمکش ها، تنظیم جنگی ها و هرج و مرج در کشور آغاز گردید و رهبران جاه طلب بخاطر رسیدن به اهداف شخصی و تکیه زدن به اریکه قدرت، کشتار افغان ها و ویرانی شهرها را شروع کردند، و درسلسله جنگ های خانمان سوز داخلی اموال ودارای های مردم چور و چپاول و حتی زنان پاک دامن بی عفت و هتک حرمت شدند.

بنابرین در طول چندین سال مردم در تحت سیطره زورمندانی بوده اند که بنای حکومت آنها برپایه ظلم و فساد و نا امنی پایه گزاری شده بود.

چونکه مردم از جور واستبداد ظالمان بستوه آمده بودند و برای نجات خویش از این گرداب یأس و نا امیدی دست بدعاء بودند، که الله متعال حرکت اسلامی طالبان که متشکل از علماء، استادان و طالب العلمان مدارس دینی بودند را زیر قیادت مرحوم عالیقدر امیرالمؤمنین ملامحمد عمرمجاهد رحمه الله بمیان آورد و بساط نامیمون وحشت، سمت گرایی و قومیت را به وسیله این قشر پاک طینت برچید و حکومت امارت اسلامی در نود وپنج فیصد خاک کشور قایم، امنیت، عدالت، انصاف و شریعت غرّاء محمدی صلی الله علیه وسلم حاکم گردید.

اما کفر جهانی نظام شرعی که ممثل خلافت های اسلامی بود را تحمل نتوانست، و به بهانه های کاذبانه وبرخلاف قوانین پذیرفته شده بین المللی بر حکومت مشروع طالبان تهاجم نظامی نمود. و نیروهای امارت اسلامی بنا برهدایت امیرالمؤمنین رحمه الله پس از حدود دو ماه نبرد با لشکریان استکبار جهانی عقب نیشنی کردند.

مطابق بیان قرآن کریم به نقل از قول ملکه سبا:«ان الملوک اذا دخلوا قریه افسدوها وجعلوا اعزه اهلها اذله وکذلک یفعلون» پادشاهان هنگامی که وارد منطقه شوند، آن را به فساد می کشند و عزیزان آن را ذلیل می کنند، کار آنها همیشه همین گونه است.

پیمان ناتو پس از اشغال کشور، افغانان متدین، باعزت و با آبرو ر توهین، تحقیر، شکنجه، تعذیب، زندانی وذلیل ساختند، همینگونه در طول یک ونیم دهه هزاران خانم، کودک، ریش سفید وجوان را شهید، معیوب، معلول و قریه وخانه های مردم را با راهنمایی های جواسیس داخلی شان بمباران و به مخروبه مبدل ساختند، این جنایت کاران تاریخ حتی به مراسم عروسی و جنازه هم رحم نکردند و آنها را هدف قرار دادند.

پس از تجاوز وحشیانه آمریکایی ها برحریم کشور، طالبان پیکار خود در برابر نیروهای تا دندان مسلح غرب را آغاز نمودند که بالآخره به یاری پروردگار وپشتیبانی ملت مجاهد تمام اراضی افغانستان را بر کفار جهنم ساختند، وآمریکایی های مغرور وا تحادیون نا عاقبت اندیش وی را زمین گیر و به زباله دانی تاریخ انداخته و بار دیگر افغانستان را به گورستان امپراتوری ها بدل کردند.

در بسیاری از آیات قرآن کریم با قاطعیت تمام ، نوید تحقق پیروزی نهایی و فرا رسیدن روزی را می دهد که حق در سرتاسر جهان حکمفرما می شود و بساط حکومت های باطل برچیده می شود وصالحان وارث زمین می شوند.

بناءً وقتیکه ما به نبردهای سالهای اخیر اشغال متوجه می شویم، درمی یابیم که لله الحمد نظام اسلامی در حال گسترش و باطل در وضعیت فلاکتبار و درلبه پرتگاه قرار دارد.

اگر شما بر وضعیت جهادی سال۱۳۹۵ هجری شمسی نظر اندازی کنید خود درک می کنید که مجاهدین امارت اسلامی به پیشرفت ها وفتوحات قابل ملاحظه ای دست یافته اند و حتی دشمن از موفقیّت های سال گذشته مجاهدین انکار کرده نمی تواند.

لذا من با کمال اطمینان واعتماد بر الله بی نیاز گفته میتوانم که سال۱۳۹۶ ان شاءالله سال پیروزی نهایی کاروان حق بر باطل خواهد بود، چنانچه مفهوم آیه کریمه است که: بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد، پس در این هنگام باطل نابود می شود.

بناً غربی ها و جیره خوارانش بدانند که کامیابی نهایی از آن مسلمانان واقعی ومجاهدین مخلص وشجاع میباشد.

وماذلک علی الله بعزیز

پیمان ناتو پس از اشغال کشور، افغانان متدین، باعزت و با آبرو ر توهین، تحقیر، شکنجه، تعذیب، زندانی وذلیل ساختند، همینگونه در طول یک ونیم دهه هزاران خانم، کودک، ریش سفید وجوان را شهید، معیوب، معلول و قریه وخانه های مردم را با راهنمایی های جواسیس داخلی شان بمباران و به مخروبه مبدل ساختند، این جنایت کاران تاریخ حتی به مراسم عروسی و جنازه هم رحم نکردند و آنها را هدف قرار دادند.

یکی از آرزوهای دیرینه انسان مؤمن ومجاهد، برچیده شدن بساط کفر، ظلم و بیدادگری از جامعه وتنفیذ احکام الهی، صلح، آرامش و اجرای عدالت در جهان میباشد.



آن ابرمرد آشنا...

ابوصهیب حقانی

(یادبودی از ملا صاحب - رحمه الله -)

چهارم ثور (۱۳۹۲/۲/۴هش) برگی زرین و نو در تاریخ ماست روزی که مصادف با رحلت جانگداز رهبر عالیقدر امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد – رحمه الله – است؛ قائد پر افتخار و فرمانده دلیر اسلام، موسس امارت اسلامی افغانستان در چنین روزی داعی اجل را لبیک گفت و پس از عمری مبارزه و جانفشانی در راه دین حق، و گذاشتن میراث گرانبهاء و پر ارزش (امارت اسلامی) و تاریخ پر افتخار جهاد، جان به جان آفرین سپرد.
انا لله و انا الیه راجعون.

او رهبری عالیقدر، فرمانده ای دلیر، احیاءگر مجد و عزت اسلام، سمبل استقامت و بیداری، نماد وحدت و یکپارچگی، مردی از جنس عدالت و تقوی، علمبردار بیداری و رشادت، بت شکن دوران، کفرستیز زمان و بزرگمردی که با قیام خود یاد و خاطره خلفای راشد صدر اسلام را احیاء کرد؛ مردی که افتخار آفرید و سرزمین افغانستان را یکبار دیگر از ورطه ذلالت و سقوط تاریخی نجات بخشید.

آن ابرمرد آشنا ...
نام او آشناست به تمام اهل عصر، اسم او زمزمه ای زبان هر ایمانداری است که قلب اش برای اسلام و دین می تپد، او که غم و غصه ای جز اسلام نداشت، و جز به ذات الله متعال به هیچ کسی در بشر تن نداد.

آن ابرمرد آشنا ...
وقتی کلام پاک رب خود را تلاوت نمود و این آیه را «قُلْ إِنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ» در عمل مصداق بخشید که قیام، قربانی، زندگی و مرگ او فقط خالصانه برای الله و در رضای الله رب العالمین است و لاغیر.

آن ابرمرد آشنا ...
هر کسی که تاریخ خلفاء راشدین و جهانگشایان صدر اسلام را در کتاب های تاریخی خوانده بود؛ اما مصداق عملی اش را در زندگی خود ندیده بود وقتی به زندگی ملامحمد عمر مجاهد – رحمه الله – نگاه می افکند بدون

اغـراق نوعـی از زندگی عملـی آن بزرگمـردان – رضوان الله عنهـم اجمعیـن – در مـی یابد.

آن ابرمرد آشنا ...

سـاده زیسـت، بـی آلایش، عـاری از کبـر و غرور، بـدور از تشـریفات حکومتـی و شـاهی، خاکـی و متواضع، شکسـته و بـا وقـار، بـی تکلـف و عاجز؛ امـا در عیـن حال شـجاع و با غیـرت، رادمـرد و بـا هیبت، با جـلال و بزرگمنـش ملامحمد عمـر مجاهـد – رحمـه الله – بود که روز خـود را به خلق خدا و تحقـق عدالـت اختصاص داده و شـب خـود را در خلوت با ذات الهـی بـا گریـه و دعاء آراسـته و مزین مـی فرمود.

آن ابرمرد آشنا ...

وقتـی دنیـا صـدا بـه نابودی اسـلام و نظام اسـلامی کشـید و تهدیـد بـه اشـغال و حمله نمـود؛ بجـای ترسـیدن و لرزیدن، سـکوت و خموشـی؛ شـامخ تـر از کـوه ایسـتاد و زمانـی که دنیـای کفـر بـه تانـگ و تـوپ و تجهیـزات و ارتـش خـود مـی بالیـد او قـرآن شـریف به کـف گرفتـه و به داشـته های ایمانـی و قـدرت لایـزال الهـی تکیـه کـرده و چنـان بـا وقار در مقابـل طواغیـت عصـر قیـام نمود کـه کافه اهـل عزت و تقـوای بـر ایمـان آن مرد مومـن آفریـن گفته و بـر غیرت و مردانگـی اش تحسـین نمودنـد و کافـه اهل شـرک و کفر از عظمـت و هیبـت آن مـرد بـزرگ لـرزه بـر اندام شـده و مثل افعـی هـای زخمـی در خـود پیچیدند.

آن ابرمرد آشنا ...

کسـی کـه عـرب و عجـم مسـلمان بـه حکومـت او افتخـار، بـه عدالـت او تحسـین، بـه مبـارزه اش اعتراف، بـه تقوای او بـاور، به ایسـتادگی اش یقین، به نترسـی و غیـرت او تصدیق و بـه ایمـان و تـوکل او به خداونـد متعال یقین و بـاور کرده و بـر روح و روان او در حیـات و بعـد از ممات درود و سـلام فرستادند.

و اینـک کـه مبـارزه بـا کفـر صلیبـی بـه سـر منـزل مقصود رسـیده و بـوی نظـام عمـری به مشـام می رسـد واقعـا جای آن بزرگمـرد؛ یعنـی همـان ابرمـرد آشـنا بیـش از وقـت دیگـری خالـی احسـاس مـی شـود؛ اما با چشـمی اشـکبار و قلبـی حزیـن بـا افتخـار زمزمـه مـی کنیم:

روحـت شـاد ای مـرد بـزرگ کـه روحیـه امتـی را شـاد و بـه نسـل هـای آتـی به حیـث الگویـی از غیـرت و بـه نمـادی از ایمـان و مبـارزه تبدیـل گردیدی.

ساده زیست، بی آلایش، عاری از کبر و غرور، بدور از تشریفات حکومتی و شاهی، خاکی و متواضع، شکسته و با وقار، بی تکلف و عاجز؛ اما در عین حال شجاع و با غیرت، رادمرد و با هیبت، با جلال و بزرگمنش ملامحمد عمر مجاهد - رحمه الله - بود که روز خود را به خلق خدا و تحقق عدالت اختصاص داده و شب خود را در خلوت با ذات الهی با گریه و دعاء آراسته و مزین می فرمود.

او رهبری عالیقدر، فرمانده ای دلیر، احیاءگر مجد و عزت اسلام، سمبل استقامت و بیداری، نماد وحدت و یکپارچگی، مردی از جنس عدالت و تقوی، علمبردار بیداری و رشادت، بت شکن دوران، کفرستیز زمان و بزرگمردی که با قیام خود یاد و خاطره خلفای راشد صدر اسلام را احیاء کرد؛ مردی که افتخار آفرید و سرزمین افغانستان را یکبار دیگر از ورطه ذلالت و سقوط تاریخی نجات بخشید.





مصاحبه اختصاصی مجله حقیقت با

مولوی محسن هاشمی

مسئول جهادی در ولایت لوگر

تهیه و ترتیب: سمنگانی

❋ **اداره مجله:** جناب محترم مولوی صاحب در آغاز اگر خود را به خوانندگان عزیز ما معرفی بفرمایید؟

جواب: الحمدلله وحده والصلوة والسلام علی من لا نبی بعده و بعد، از اراکین مجله حقیقت سپاس گذارم که بندهء ناچیز را برای برنامه ای مصاحبه ها انتخاب نمودند و فرصت دادند تا در رابطه به وضعیت جهادی کشور به ویژه ولایت مردخیز لوگر گزارشات خود را خدمت مجاهدین و مردم دلیر و مجاهد پرور کشور تقدیم کنم .

به عنوان مقدمه باید عرض بکنم که در هر زمان، در هر نبرد و جهاد مسلحانه تنها به جنگ نمی توان اکتفاء و اتکاء نمود، بلکه باید از نوکهای قلم نیز اشکهای خون جاری گردد و سران انگشت ها طوریکه مشغول به ماشه های تفنگ است باید به جنبانیدن قلم نیز مصروف باشد، انقلاب گنگ همچون پهلوان گنگ است، هدف آن برای کسی روشن نمی باشد، اکنون باید در پاسخ به سوال شما خود را معرفی کنم .

من مولوی محمد محسن ولد محمد هاشم، ۴۸ سال پیش در ولسوالی فرخار ولایت تخار چشم به جهان گشودم و پس از گذشت آوان طفولیت به مدرسه رو آوردم، بنده در ماه میزان سال ۱۳۶۶ ه ش از راه های صعب العبور ولایت های بدخشان و نورستان برای فراگیری علوم اسلامی به پاکستان سفر نمودم و در مدارس مختلف آن کشور هر یک جامعه اسلامیه (اکوره ختک)، دارالعلوم حقانیه (اکوره ختک) ، ضیاء المدارس (پشاور) جامعه سراج الاسلام، دارالعلوم نعمانیه ، دارالعلوم زرگری (اورکزی) ، مدرسهء قاضیان (کوهات) زانوی تلمذ خم نمودم ، بنده با آغاز تحریک مقدس اسلامی طالبان شامل کاروانِ طالبان شدم و در دوران تحریک و امارت اسلامی افغانستَان در بخشهای مختلف ملکی و نظامی وظیفه انجام دادم، هرگاه افغانستان عزیز در اثر تهاجم صلیبی ها بهِ سرکردگی امریکا و ناتو مورد اشغال قرار گرفت و متعاقباً حرکت جهادی امارت اسلامی افغانستان بر ضد اشغالگران و مزدوران آنان آغاز گردید، بنده یکبار دیگر کمر همت بستم و مدت پنج سال به صفت مسئول جهادی ولایت تخار، مدت چهار سال به صفت عضو کمیسیون نظامی و مسئول حلقه ای مشرقی این کمیسیون مشغول خدمات جهادی بودم و اکنون مدتی می شود به حیث مسئول جهادی ولایت لوگر در خدمت مجاهدین غیور و مردم مجاهد پرور این ولایت قرار دارم .

❋ **اداره مجله:** مولوی صاحب محترم اگر در مورد فعالیت های جهادی مجاهدین در ولایت لوگر معلومات دهید بسیار خوش می شویم؟

جواب: ولایت لوگر یکی از ولایت های مرکزی افغانستان است و از دروازه های مهم ورودی پایتخت کشور محسوب

در هر زمان، در هر نبرد و جهاد مسلحانه تنها به جنگ نمی توان اکتفاء و اتکاء نمود، بلکه باید از نوکهای قلم نیز اشکهای خون جاری گردد و سران انگشت ها طوریکه مشغول به ماشه های تفنگ است باید به جنبانیدن قلم نیز مصروف باشد، انقلاب گنگ همچون پهلوان گنگ است، هدف آن برای کسی روشن نمی باشد

می گردد، اهمیت زیادی برای دشمن دارد و نیز کنترول آن از اهداف مهم مجاهدین قهرمان امارت اسلامی افغانستانَ به شمار می رود .

خوشبختانه باید بگویم که مجاهدین در مرکز و هر شش ولسوالی این ولایت همچون شیران غران بر دشمن یورش می برند، شما شاهد هستید که در روزهای پیش تر از اعلان عملیات منصوری دشمن در جنگهای پراگنده در ولسوالی های محمد آغه، برکی برک، چرخ و مرکز ولایت جز تحمل تلفات هنگفت جانی و مالی و تقسیم چند کمپل دیگر هیچ دست آوردی نداشتند، لله الحمد مجاهدین با کمال مردانگی و متانت حملات دشمنان را در ساحات متذکره دفع نمودند، دشمن زبون حال می داند که مجاهدین از چهار طرف مرکز ولایت راَ محاصره نموده اند و حتی مرمی های راکت مجاهدین به دفاتر و ساختمان های رژیم می رسد .

*** اداره مجله:** علاوه بر فعالیت های نظامی، راجع به سایر فعالیت های مجاهدین در عرصه های مختلف اگر لطف نموده به خوانندگان عزیز ما معلومات دهید؟

جواب: راجع به سایر فعالیت های مجاهدین در دیگر عرصه ها باید بگویم که مجاهدین همواره و با کمال جانفشانی در راستای تعلیم، تعمیر، برقراری امنیت، حل مسائل حقوقی و جنایی، نفاذ حدود و قصاص، جلوگیری از آدم ربایی، دزدی و سایر کارهای زشت، پاسداری از نوامیس ملی، حفظ جان و مال مردم و دیگر امور رعیت داری و حکومت داری مشغول اند .

*** اداره مجله:** مناسبات و تعامل مردم با مجاهدین و بالعکس رفتار و برخورد مجاهدین با مردم را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: این یک حقیقت است که مردم ولایت لوگر دین دوست، علم دوست و جهاد دوست هستند، سهم فعال آنان در جهاد سابق (بر ضد شوروی و کمونست های داخلی) و جهاد جاری نمایان گر این حقیقت است، در هر دو جهاد مردم از علماء کرام پیروی نمودند و اعتماد باهمی در میان مردم و مجاهدین موجود است، مردم این ولایت به شیوه های اخوت اسلامی آراسته اند و لله الحمد از همین جا است که پروسه ای اربکی سازی درین ولایت کم رنگ و ناکام است.

*** اداره مجله:** جناب مولوی صیب رمز موفقیت و پیشرفت مجاهدین را در چه می بینید؟

جواب: رمز کامیابی و سعادتمندی دنیا و آخرت در خدا پرستی ، خدا ترسی و رعایت حقوق الله و حقوق العباد نهفته است ، البته ، بیعت ، اطاعت ، وحدت صف ، وحدت کلمه از شرایط عمدهء آن است ، مجاهدین بکوشند خود را از امورات مادی دور نگهدارند ، هر مجاهد باید خود را عسکر راستین دین بپندارد و از هر نوع اختلافات ذات البینی پرهیز بکنند .

*** اداره مجله:** مولوی صاحب محترم آیا با فعالیت های فرهنگی امارت اسلامی افغانستان آشنایی دارید و فرصت پیدا می کنید تا انتشارات جهادی را ببینید؛ مثلا: مجله ها، ویب سایت ها، افلام جهادی و...؟

جواب: آری، الحمدلله، برادرتان با مساعی فرهنگی علاقه دارد و می کوشد همواره خود را از امورات جهادی، سیاسی، نظامی و پالیسی های امارت اسلامی افغانستان در همه ابعاد به ویژه امور اجتماعی آگاه بسازم، به همین هدف همیشه سایت الاماره، صدای شریعت و سرمقاله های مجلات را که پالیسی امارت اسلامی افغانستان را انعکاس می دهد مطالعه می نمایم، مصاحبه های صوتی سخنگویان رسمی امارت اسلامی افغانستان ذبیح الله مجاهد و قاری محمد یوسف احمدی را که از داعیه ای بر حق امارت اسلامی ترجمانی می کنند می شنوم .

*** اداره مجله:** بطور کلی کارکردهای مجاهدین در سطح کشور و همینطور اوضاع اداره کابل را چگونه ارزیابی می فرمایید؟

این یک حقیقت است که مردم ولایت لوگر دین دوست، علم دوست و جهاد دوست هستند، سهم فعال آنان در جهاد سابق (بر ضد شوروی و کمونست های داخلی) و جهاد جاری نمایان گر این حقیقت است، در هر دو جهاد مردم از علماء کرام پیروی نمودند و اعتماد باهمی در میان مردم و مجاهدین موجود است.

****

راجع به مجله ای حقیقت باید بگویم که این مجله در راستای پیش برد اهداف فرهنگی و تنویر اذهان خوانندگان اعم از دانشمندان و دانش آموزان، برادران و خواهران مسلمان مساعی قابل ستایش دارد و بخش مصاحبه ها و سرمقاله اش را مطالعه می کنم.

جواب: لله الحمد ، مجاهدین در سراسر افغانستان اتکاء بر قدرت کاملهء خداوند تعالی دارند و بر آن ذات برتر و غالب توکل دارند ، فتوحات و کامیابی های ایشان همچون لشکرهای اسلامی در ادوار گذشته است و با گذشت هر روز ساحات مفتوحه در ولایات و ولسوالی وسیع تر می گردد و مختصر اینکه امارت اسلامی افغانستان در ابعاد سیاسی ، نظامی ، رعیت داری ، حکومت داری و حل امور اجتماعی از ادارهء مزدور به مراتب سبقت دارد .

در مورد رژیم مزدور باید بگویم هر نظام که متکی به غیرالله باشد ، در ظاهر هر اندازه نیرومند باشد و لیکن در مقابل قدرت الهی صفر است ، نظام شیطانی دموکراسی غرب از بدو تاسیس متکی به قدرت های شیطانی غرب و ناتو بوده است و هنوز هم است ، وضعیت ادارهء غلام پس از عملیات موفق و کمرشکن فدایان سربکف امارت اسلامی افغانستان بر قول اردوی شاهین در بلخ نمایان می سازد که این نظام کفری شیوه های اخلاقی و عقیدوی ، پشتیبانی مردمی و به ویژه محبوبیت خود را نزد اردوی نام نهاد خود از دست داده است ، نیز فروپاشی نیروی نظامی دشمن و برکناری سران و قومندانان بلند رتبهء این رژیم فرسوده ، دلیلِ آشکارا و روشن بر نابودی و ناکامی رژیم است .

*** اداره مجله:** محترم مولوی صاحب مصاحبه هذا اختصاصی از طرف اداره مجله حقیقت است آیا شخصا با این مجله آشنایی دارید و اگر احیانا مطالعه می کنید کدام قسمت آن را بیشتر می پسندید؟

جواب: راجع به مجله ای حقیقت باید بگویم که این مجله در راستای پیش برد اهداف فرهنگی و تنویر اذهان خوانندگان اعم از دانشمندان و دانش آموزان، برادران و خواهران مسلمان مساعی قابل ستایش دارد و بخش مصاحبه ها و سرمقاله اش را مطالعه می کنم .

*** اداره مجله:** جناب مولوی صاحب در پایان اگر کدام گفتنی با خوانندگان عزیز ما و یا پیام ویژهء برای ملت شریف افغانستان داشته باشید بفرمایید ؟

جواب: پیام من به خوانندگان عزیز اینست که در هر جا به چیزی از نشرات فرهنگی امارت اسلامی افغانستان دست یابند باید استفاده بکنند ، زیرا در پخش آن از بیت المال پول صرف شده است و اهل قلم زحمت کشیده اند .

پیام من به هم وطنان گرامی ام اینست که جهاد جاری در افغانستان را نعمت بزرگ الهی بپندارند و از امارت اسلامی افغانستان سپاس گذار باشند و یک نگاه به جریانات سالهای ۲۰۰۳،۲۰۰۴،۲۰۰۵ بکنند که اشغالگران چه ظلم های نبود که دران سالها نکرده باشند، مردم کشور باید بر داعیه ای بر حق امارت اسلامی افغانستان لبیک گفته از مجاهدین حمایت بکنند .

*** اداره مجله:** با تشکر از شما که وقت گرانبهای خود را در اختیار مجله ای حقیقت گذاشتید .

جواب: در اخیر از ادارهء محترم و کارمندان این مجله سپاس گذارم که چانس مصاحبه را دادند و زمینه ای گفتگوی اختصاصی را مساَعد ساختند، به امید پیروزی کامل مجاهدین در پیش برد عملیات مبارک منصوری.



توجه امارت اسلامی به تعلیم و تربیه ستودنی است



انجینر عثمان

در صفحات اجتماعی که فرصتی مناسب برای ابراز وجود افکار و نظریات جریانات مختلف سیاسی است و هر کسی حتی حکومت کابل که تمام چینل های صوتی و تصویری افغانستان را در قبضه دارد باز هم سعی و تلاش می کند که ماهیت خود را صفحات اجتماعی حفظ کرده و نظر و آرای خود را بر سایرین بقبولاند ولی چیزی که موجب مسرت و خوشی است اینکه طالبان نیز از صفحات اجتماعی بهره وفور میگیرند و با استفاده از شبکه های اجتماعی فعالیت های خود را به جز کارهای نظامی در کارهای ملکی و مسلکی به رخ می کشند.

چندی قبل که صفحات اجتماعی را می پالیدم عکس هایی از امتحانات تعلیمی در ساحات تحت پوشش طالبان دیدم که از طریق افراد طالبان در فیسبوک و غیره به نشر رسیده بودند که بسیار بسیار وقت ما خوش شد و دلیل و حجت ما کامل گردید که طالبان جز کارهای نظامی به امور دیگر از جمله تعلیم و تربیه که امر مهم در یک نظام مستقل اسلامی پنداشته می شود توجه عمیق و دقیق داشته و از فعالیت در این قسمت هیچ کوتاهی نمی کنند.

تعلیم و تربیه رشد علمی و خرد جمعی را در یک سرزمین بالا می برد، مردم و اطفال آنها با سواد و فهمیده می شوند، با مردم فهمیده و با سواد به جای برخورد فیزیکی بسیار به راحتی میتوان از ابزار علمی کار گرفت و با استدلال و منطق قوی جهت های مخالف را توجیه کرد و آنها را از ریشه و اساس یک مبارزه طولانی مدت آگاه ساخت، ملت با هوشیاری بهتر سخنان یک آدم تحصیل کرده را بر یک کسیکه هیچ سواد ابتدایی نداشته باشد ترجیح داده و خیلی زودتر جانب مقابل هر چند که بخاطر عدم شناخت کافی قبلا موضع بد و نظر خوب نداشته باشد تغییر موضع داده و بخاطر تعلیم خوب و تربیه سالم فرد مقابل جذب گروه و اندیشه های او شود.

لذا توجه طالبان که بیشتر مصروف نبردهای سخت و جنگ های طاقت فرسا با دشمنان دین و سرزمین افغانستان اند هر چند که در کمیت و کیفیت شاید بخاطر مشکلات امنیتی که دارند مثل یک حکومت برحال فعالیت نداشته باشند ولی با آنهم همین قدر که فعالیت های تعلیمی آنها در رسانه ها و بالخصوص در صفحات اجتماعی که امروزه مخاطبین بسیار دارد حتی بیشتر از رسانه های تحت الحمایه حکومت، به مراتب تاثیرات خیلی مثبت خواهد گذاشت و توجه دوست و دشمن را به خود جلب کرده و دلیل و حجت بسیار خوب برای کسانی خواهد شد که بر اساس حس ایمانی و وجدانی و تکلیف شرعی که دارند از طالبان و ایده های آنها دفاع می کنند.

هم باور ما بر اینست که طالبان هنوز هم می توانند توجه بیشتر بر همچون فعالیت ها که در اصطلاح عمومی به کارکردها و یا رویکردهای غیر نظامی و یا کارهای ملکی تعبیر می شوند نموده و بیشتر سعی شود که اینگونه فعالیت های طالبان در چشم و دید مردم بیشتر قرار گیرند و به گمان ما ظرفیت صفحات اجتماعی و نوع فعالیت در آن گنجایش فعالیت های بهتر طالبان در زمینه های مختلف از جمله فعالیت های تعلیمی را داشته و چقدر که بیشتر بروزرسانی شود و یادآوری گردد به همان میزان سیل توجهات به طالبان و نوع نگرش آنها به فعالیت های غیرنظامی بیشتر می گردد.



موسی مهاجر

منصوري عملياتو ته هيلې!

د اشغال پر وړاندې جهادي مقاومت خپله اوږده دوره وهلې او اوس دا ځپانده خوښځت په خپلو تکاملي پړاونو کي دی ، د جهادي مبارزې يوه نوې څپه نن سهار د اشغالګرو او دهغوی دګوډاګيانو د څپ وهلو لپاره پيل شوه، د مقاومت دا نوی پړاو"منصوري عمليات" د هغه چا په نوم تفاولا ونومول شول، چي له الله تعالی سره په کړې وعده يې وفاء وکړه، په همدې وفاء کي د شهيدانو په کتار کي الله تعالی ته وړاندې شو او په خپل سپيڅلتوب سره يې د مومنانو د هغو محدودو اميرانو ډلې ته ځان ورساوو، چي له نورو اميرانو څخه په مرتبه کي ممتاز او د شهيدانو په نومونو ملقب دي.

شهيد اميرالمؤمنين ملا اخترمحمد منصور رحمه الله په خپل ژوند کي زيات برياليتوبونه لرل او هيلي هم دادي، چي د هغه په نوم نومول شوي کفرختمونکې منصوري عمليات به هم همداسي برياليي وي او لکه څنګه چي يې په ژوند کې افتخارات لرل، تر شهادت وروسته همدا افتخار ورته بسنه کوي چي د شهيدانو په وينو ترسره کيدونکي دا ستر عمليات د هغه په نوم شول او په دې ډول شهيداميرالمؤمنين له حقيقي ژوند وروسته د تاريخ يو ثابت او وياړلی باب پرانيزي.

پسرلنيو عملياتو ته خو هسي هرکال دښمن وارخطا وي او دغه عمليات هر يو په خپل نوبت برياليي شوي، خو منصوري عملياتو ته هيلې زياتې دي! څو څيزونه دي، چي د دې عملياتو کاميابي کره کوي.

لومړی، تر بل هر وخت طالبان د هيواد په زياته برخه واکمن دي، د خاورې په نسبت د طالبانو واک تر ۸۰ سلنې زيات دی او دښمن د هيواد په نژدې ۲۰ سلنه خاوره کي راګير دی، د مجاهدينو عمليات به هم د ټول هيواد پر ځای په همدې محدوده سيمه متمرکز وي او د پاشلو عملياتو پر ځای په خاصه سيمه کي عمليات زيات موثر وي.

دوهم، مجاهدينو په ډيری سيمو کي ځانونه د ولايتونو تر مرکزونو پوري ور رسولي، هلمند له مرکز پرته ټول فتحه دی، تيرکال د فراه، بغلان او غزني په ګډون د يوشمېر ولايتونو مرکزونه د مجاهدينو تر بريدونو او کلابندۍ لاندې وو، د کندز مرکز په دوهم ځل په بشپړه توګه فتحه شو، چي لومړۍ فتحه يې د شهيد اميرالمومنين رحمه الله په دوره کي وه، نو مجاهدين به په منصوري عملياتو کي په اطرافو د بوختيا پر ځای تر ډيره د ولايتونو په مرکزونو عمليات

شهید امیرالمؤمنین ملا اخترمحمد منصور رحمه الله په خپل ژوند کې زیات بریالیتوبونه لرل او هیلې هم دادي، چې د هغه په نوم نومول شوي کفرختمونکې منصوري عملیات به هم همداسې بریالي وي او لکه څنګه چې یې په ژوند کې افتخارات لرل، تر شهادت وروسته همدا افتخار ورته بسنه کوي چې د شهیدانو په وینو ترسره کیدونکي دا ستر عملیات د هغه په نوم شول او په دې ډول شهیدامیرالمؤمنین له حقیقي ژوند وروسته د تاریخ یو ثابت او ویاړلی باب پرانیزي.

د عسکرو د مرګ ژوبلې زیاتېدل، د پولیسو، اردو او اربکیانو له لیکو تېښته، په ډېری سیمو کې د اربکیانو او ملېشو له منځه وړل او یا ضعیف کېدل، د عسکرو له کمښت سره د رژیم مخ کېدل او د طالبانو له لوري په جګړو کې د نویو تکتیکونو کارول هغه لاملونه دي، چې د منصوري عملیاتو د بریالي کېدلو هیلې زیاتوي.

ترسره کوي او په ولایتي مرکزونو برید خپله یوه بریا ده او چې اطراف یې فتحه وي د مرکز فتحه کېدل هم اسانیږي.

دریم: عمري عملیات د منصوري عملیاتو لپاره د فتحې یوه دروازه بللی شو، په عمري عملیاتو کې دښمن سخت وټکیدو، د عمري عملیاتو په ترڅ کې د کابل د لسم ریاست برید، چې تر ۴۰۰ ډېرو کارکونکو ته پکې مرګ ژوبله واوښتله، د باګرام په منځ کې استشهادي برید، چې لسګونه امریکایي عسکر پکې ووژل شول ، تازه د شاهین په قول اردو برید چې تر ۵۰۰ زیات افسران او اجیر عسکر پکې ټپیان او ووژل شول او د تیر کال ۲۳ زرو وړو او سترو بریدونو چې ډېری یې د یادو عملیاتو په ترڅ کې ترسره شول د کابل ګوډاګی رژیم او نیواکګران زیات کمزوري کړل، چې په نویو منصوري عملیا تو کې به طالبان وکولای شي، چې ضعیف دښمن تر وروستي حده له منځه یوسي.

څلورم، جګړه په مورال او سالمه انګېزه پر مخ بیول کیږي، اجیر دښمن له صحیحي انګېزې بې برخې دی، د کفن، وطن، وظیفه او ... شعارونه په کمونیستي رژیمونو کې تر دې ډېر وو خو څنګه چې رښتوني نه وو، نوګټه یې ورته ونه کړه او مورال خو په دفاعي حالت کې چې تر زرګونو بریدونو لاندې وي او د واک ساحه یې هم د خپلو مرکزونو تر چاردېوالۍ پورې ترړلي وي هیڅ نه پاته کیږي، برعکس طالبان سالمه انګېزه لري، چې د اسلام دفاع، د اسلامي نظام حاکمیت او د هیواد ازادي ده او وروستیو پرمختګونو یې مورال نور هم لوړ کړی، نوځکه به د روانو عملیاتو په ترڅ کې طالبان جګړه په ښه ډول پر مخ بوځي.

پنځم، د کابل په دوه سري رژیم کې داخلي اختلافات خپل اوج ته رسېدلي، د غلامې ادارې د دواړو مشرانو اشرف غنی او عبدالله ترمنځ چې هر یو یې بېله پالیسي او جلاکتې لري اختلافات دې حد ته رسېدلي، چې په میاشتو – میاشتو مخامخ نه سره ویني اود یوه او بل پر ضد څرګندونې د مطبوعاتي کانفرانسونو له لارې کوي، اشرف غني له خپل لومړي معاون عبدالرشید دوستم سره هم په شخړه کې دی، په دې ډول دوستمي ملېشې او رژیم سره ګوته په ماشه دي، اشرف غني له احمدضیاءمسعود سره هم په ژور کړکېچ اخته دی او همدارازاو له نیمایي زیات وزیران یې اوامرو ته پاملرنه – نه ترسره کوي، عبدالله بیا په جمعیت کې له عطاءمحمد نور سره ژور اختلافات لري، چې د یوه او بل پر ضد پارونکې څرګندونې او دسیسې جوړوي، جمعیت او جنبش هم تر ډېره د جګړې په حالت کې دي او وخت ناوخته یې ترمنځ خونړۍ جګړې پیښیږي، دا او دې ته ورته نور اختلافات او د رژیم ترمنځ بې باورۍ ددې لامل کیږي، چې د کابل ګوډاګی رژیم کمزوری شي او دا مخالفتونه د جګړې پر لیکو مستقیمه اغېزه کوي، طالبان د یوه واحد او محکم صف په څېر کولای شي چې په داخلي اختلافاتو کمزوری شوی رژیم له منځه یوسي.

شپږم، د عسکرو د مرګ ژوبلې زیاتېدل، د پولیسو، اردو او اربکیانو له لیکو تېښته، په ډېری سیمو کې د اربکیانو او ملېشو له منځه وړل او یا ضعیف کېدل، د عسکرو له کمښت سره د رژیم مخ کېدل او د طالبانو له لوري په جګړو کې د نویو تکتیکونو کارول هغه لاملونه دي، چې د منصوري عملیاتو د بریالي کېدلو هیلې زیاتوي.

نوره به خبره منصوري عملیاتو ته پرېږدو، چې خپله دغه عملیات د خپل بریالیتوب ښکارندویي وکړي.



ن والقلم و ما یسطرون

ن و القلم!

حکمت الله بدری

قلم و هر آنچه که به خواندن و نوشتن متعلق است، از اهمیت خاصی در کلتور اسلامی برخوردار است. صاحب تفسیر طبری در تفسیر سوره القلم آورده است که حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرموده است اولین چیزی که آفریده شد قلم است. امام محمد بن جریر طبری به نقل از علما نوشته است که "ن" به معنای دوات است. در این صورت مشخص است که قلم و دوات با هم که باشند چیزی نوشته می‌توان کرد . اگر ما از اسلاف و گذشتگان خود چیزی می دانیم، اگر ذخیره ای کلان از احادیث گهربار آنحضرت صلی الله علیه وسلم به دست ما و اسلاف ما در قرون ماضی رسیده است، اگر تاریخ اسلام و مسلمین و دیگر ملل به ما رسیده است، اینهمه از برکت "قلم" و نوشتن است.

در آیه ۷۳ سوره توبه الله ذوالجلال خطاب به پیامبر برگزیده و محبوبش علیه الصلوۀ و التسلیمات می فرماید بر ضد کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سختی و درشتی کن. جهاد علیه کفار به چه صورت انجام می‌گیرد، این بر همگان روشن است. اما جهاد با منافقین چگونه می تواند باشد در حالی که منافقین در معاملات مثل مسلمین محسوب شده و با شمشیر با آنها جهاد نشده و نمی شود؟ مفسرین، از جمله کشاف، قرطبی و رازی رحمهم‌الله فرموده اند جهاد بر ضد منافقین با حجت و زبان است. این یک نکته بسیار مهم و دقیق است که نشان می دهد جهاد باللسان و جهاد بالقلم که یک قسم از همین جهاد است، مشروعیت دارد و حکم الله متعال است. بناء تمام فضایلی که برای جهاد بالسیف وارد شده شامل این قسم از جهاد نیز می شود. بلکه اقسام جهاد کامل کننده یکدیگر و ممد و معاون هم هستند.

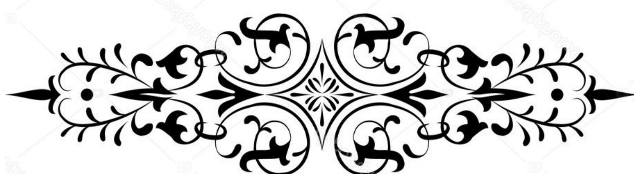
از سویی دیگر، خداوند متعال در سوره فرقان، آیه ۵۲ فرموده است: فلا تطع الکافرین و جاهدهم به جهادا کبیرا.

خالق کائنات و پروردگار خرد و کلان به قلم قسم یاد کرد تا آن را اکرام و اعزاز کند و اهمیت قلم را به ما نشان بدهد. خداوند به اولین مخلوقش قسم یاد کرد؛ آله ای که وحی به وسلیه آن نوشته شد و بعدها ذخیره احادیث به این وسیله جمع آوری شد. ذخیره کلان متون فقهی که در صدها جلد در اختیار مسلمین قرار دارد. به برکت همین قلم است.

این سوره مکی است و بدیهی است در آن زمان جهاد با سیف و سنان مجاز و مشروع نشده بود. علما فرموده اند این جهاد که علیه کفار بود، جهاد با حجت و برهان بود همانگونه که جهاد با منافقین بعد از هجرت به مدینه منوره به همین شکل بود. جهاد با استعانت از حجت و برهان که به ذریعه زبان و قلم صورت می گیرد، برای جواب دادن به شبهات و پروپاگاندای دشمن می باشد. در این نوع جهاد بسیار مهم، حجیت و حقانیت دین مبین اسلام تبیین می گردد. اگر مسلمانان از این جهاد در هر عصری از اعصار غفلت بورزند، یقینا کوتاهی بزرگی مرتکب شده و در بارگاه الهی مسئول خواهند بود.

خالق کائنات و پروردگار خرد و کلان به قلم قسم یاد کرد تا آن را اکرام و اعزاز کند و اهمیت قلم را به ما نشان بدهد. خداوند به اولین مخلوقش قسم یاد کرد؛ آله ای که وحی به وسلیه آن نوشته شد و بعدها ذخیره احادیث به این وسیله جمع آوری شد. ذخیره کلان متون فقهی که در صدها جلد در اختیار مسلمین قرار دارد، به برکت همین قلم است.

اکنون نیز همین قلم است که ندای هر مظلوم را ماندگار و همیشگی قرار می دهد. اگر صدای فریاد بلند شود و به چند گوش برسد، این قلم است که آن را برای همیشه بر جریده تاریخ ثبت می کند. به برکت همین قلم یک مجاهد می تواند غیرت برادران و خواهران ایمانی خود را به جوش آورد و خون آنها را گرم نگه دارد. به برکت همین قلم می توان دنیا را از خردترین واقعه و اتفاق با خبر کرد. دوری از قلم و به اصطلاح دنیای امروزی ارتباطات و رسانه ها به معنای نابود کردن هویت و آرمان های خود است. اگر مسلمانان از قلم دوری بجویند، دیگر مغرضان وارد میدان شده و طبق امیال و خواهشات خود از ما خواهند نوشت و چه بسا به تحریف تاریخ بپردازند و نسبت های ناروا به ما بزنند. یقینا این امر از سر سستی و غفلت خود ما خواهد بود که با دوری از میدان قلم و جهاد قلمی، دشمنان و بدخواهان را جری کردیم تا هرچه می خواهند علیه ما سپرد کاغذ کنند. علاوه بر این، چه بسا برادران و خواهران مظلوم ما در اطراف و اکناف جهان زیر بوت های دشمنان قرار دارند و کسی نیست که ندای مظلومیت شان را به دیگران برساند. عزت و دین شان لگدمال می شود و کسی نیست که خبری از آنها بگیرد و یا حتی برایشان چند کلمه دعا کند. اگر آژانس های خبری کدام خبر و راپور به نشر هم بدهند، خالی از اغراض و اهداف خاص آنها نخواهد بود. بدیهی است اگر مسلمانان بحیث یک ملت و امت وارد میدان شوند و طبق اصول و چوکات اسلامی و انسانی خبرها و راپورهای این مظلومان را به گوش جهانیان برسانند، بدون شک انسان های خالی از تعصب و مسلمانانی که ذره ای ایمان در دل دارند، به فکر آنها خواهند افتاد. اگر نصرت دیگری انجام ندهند، ضرور دعای خیر خواهند کرد. کلام آخر اینکه همین قلم است که حال از اهمیت و افادیت خود برای ما سخن می گو ید!





بدتر از بمب مادر امریکا!

محمود احمد نوید

خبری که در خروجی رسانه ها مبنی بر انداخت مهم ترین بمب نظامی امریکا پسا اتومی در ولسوالی اچین ننگرهار به امر مستقیم ترمپ، بر خلاف تمام منشورات ملل متحد و حقوق بشری انجام شد و جنایت تاریخی دگر به اسم امریکا در تجاوز آن کشور به افغانستان مسجل کرد هر چند حدود یک هفته ای از آن واقعه وحشت آفرین می گذرد ولی همچنان بحث ها و تحلیل های کارشناسی پیرامون ابعاد آن فاجعه بحث داغ رسانه ها و سرخط مهم ترین خبرهای روز است؛ اینکه امریکا بارها به ادعای مبارزه با خشونت و تروریسم در کشورهای خاورمیانه به جنایت و وحشت آفرینی مشغول است و اینکه بدون پایبندی به هیچ اصل و قانون بین الملل افسار گسیخته دست به هر خشونت و جنایتی میزند؛ با تکرار این حماقت جدید و وحشت تازه امریکا در اچین ننگرهار یکبار دیگر دنیا هویت واقعی سران جنایت پیشه و ددمنش آن را به چشم سر مشاهده و قساوت و بربریت این جنایتکاران بشر را به تماشا نشستند و دیدند که در دنیای معاصر بی منطق ترین، وحشی ترین، جنایکارترین و از همه مهمتر مادر تمام وحشت و ترور خود خود امریکاست و لاغیر!

جنایات روزانه و شبانه امریکایی ها به اسم تامین امنیت و یا احقاق حقوق بشری در افغانستان چیز تازه نبوده و نیست؛ و همانگونه که اولین جنایت شان نیست آخرین شان هم گفته نمی شود؛ اما وحشت امریکا با انداخت «بمب مادر» در اچین ننگرهار که بعد از بمب اتومی بی رقیب ترین بمب نظامی پنداشته شده در نوع خود چیز تازه ای بود که دنیای کفر و اسلام را سخت مات و مبهوت کرد؛ اینکه خدایا این امریکا تا کجا جانی و بدور از کمترین خوی و خصلت بشری است؟!

ولی آنچه در حقیقت از بمب مادر امریکا که در افغانستان مظلوم انداخت و به آزمایش گرفته شد دردناک تر بود؛ رذالت و پستی یکتعداد انسان های ضمیر مرده، خود فروخته، اجیر و ذلیل بود که به بدترین نوع تجاوز امریکا به افغانستان شاباس و آفرین گفته و به جای اعلان انزجار، پیام استقبال فرستاده و به بدذاتی امریکایی ها تحسین کردند؛ یعنی بدتر از از بمب مادر امریکا، آن وطن فروشانی بود که متعفن شدن خاک شان که حکم ناموس در عرف و عنعنات را دارد امریکا را بجای سرزنش، آفرین گفته و وحشت امریکا را اقدامی سترگ

دانشـمندان بـه بهترین شـکل ممکن مصـداق پیـدا میکند که بـا دیـدن این وحشـت امریکا و بـا آگاهی از تبعات بشـدت منفـی و آثار بشـدت مخـرب اسـتعمال «بمب مـادر» باز هم زبـان لال گرفتـه و راه مرگبـار سـکوت را در پیـش گرفتند. ایـن درد آور تریـن لحظـه ای حیات یک مومن واقعی اسـت کـه تهاجم سـنگین نظامی یک کشـور اشـغالگر کفری بالای سـرزمین مسـلمانان که به خاک اولیاء و شـهداء شـهره است انجـام مـی گیـرد ولـی کسـانی بـی وجـدان و بی غیـرت تر از وحشـیان امریکایـی پیـدا مـی شـوند کـه خوشـحال تر از ترمـپ از اسـتفاده اینگونـه تسـلیحات نظامـی در سـرزمین شـان افتخار مـی کنند.

بدتـر از بمـب ترمـپ، نطـق اشـرف و عبـدالله بـود کـه می خواسـتند خـود را بـی خبـر از قضیه نشـان ندهند فـوری در رسـانه هـا جـار زدنـد که بلـی مـا در جریـان اسـتعمال این بمـب توسـط امریـکا بودیم؛ امـا در حقیقـت که حتـی روح شـان هم شـاید تـا بعـد از انفجـار مثل سـایر ملـت از چنین حملـه ای آگاه نبـود.

بدتـر از بمـب مادر، سـکوت مرگبـار آن دسـت ملاهایی بود کـه بـه نطـق یـک عالـم دین بـر خـلاف مـزاج شـان صدها فتـوا را ردیـف کـرده و میزهـای مناظـره را مهیا می سـازند؛ ولـی در تجـاوز آشـکار و بـی نهایـت صریـح امریـکا در افغانسـتان دریـغ از یک آه آشـکار شـان از تـرس آنکه مبادا بـه خشـم امریکا گرفتـار آیند؛ افسـوس به اینها که از خشـم خـدا هـراس نداشـته و از ترس خشـم امریکا قبـض روح می شو ند!

بدتـر از بمـب مـادر امریـکا در افغانسـتان، نشـخوار غـلام صفتانـه رسـانه هایـی بـود کـه از قـول اداره کابـل، علیـه افغانسـتان بـه نفـع امریـکا از دسـتاوردهای آن بمـب تجزیه و تحلیـل کـرده و بـا بـکار گمـاردن چنـد تـن اجیر به اسـم کارشـناس سیاسـی و نظامـی، در صـدد توجیـه جنایـت ضد بشـری امریـکا بـر آمدند.

یعنـی واقعـا چقـدر این ملـت مظلوم افغانسـتان بـی کس و بـی سرنوشـت شـده که هـر کـس بـه خود اجـازه مـی دهد با سرنوشـت و زندگـی ایـن ملـت غریـب و بیچاره بـازه کرده و هـر غلطـی که دل شـان خواسـت انجـام بدهند و متاسـفانه چنـان بـازار غلامـی در آن گـرم و شـوق بردگـی زیـاد کـه یکتعـداد بـی هویـت، با خـوردن هر نوع شـلاق و سـیلی باز هـم بـا اکلیل گل به اسـتقبال کفـر رفته و در دامـن ناپاک و شـوم گـرگ، میش صفـت احسـاس امنیـت میکنند!

جنایات روزانه و شبانه امریکایی ها به اسم تامین امنیت و یا احقاق حقوق بشری در افغانستان چیز تازه نبوده و نیست؛ و همانگونه که اولین جنایت شان نیست آخرین شان هم گفته نمی شود؛ اما وحشت امریکا با انداخت «بمب مادر» در اچین ننگرهار که بعد از بمب اتومی بی رقیب ترین بمب نظامی پنداشته شده در نوع خود چیز تازه ای بود که دنیای کفر و اسلام را سخت مات و مبهوت کرد؛ اینکه خدایا این امریکا تا کجا جانی و بدور از کمترین خوی و خصلت بشری است؟ !

بدتر از بمب مادر، سکوت مرگبار آن دست ملاهایی بود که به نطق یک عالم دین بر خلاف مزاج شان صدها فتوا را ردیف کرده و میزهای مناظره را مهیا می سازند؛ ولی در تجاوز آشکار و بی نهایت صریح امریکا در افغانستان دریغ از یک آه آشکار شان از ترس آنکه مبادا به خشم امریکا گرفتار آیند؛ افسوس به اینها که از خشم خدا هراس نداشته و از ترس خشم امریکا قبض روح می شوند !

در امـر مبـارزه دروغیـن بـا تروریزم پنداشـتند؛ افسـوس بر چنیـن ذلیـلان که تجـاوز امریـکا به حریـم شـان را فخر می پندارنـد و الحـق کـه راسـت فرمـوده صـادق المصدوق – صلـی الله علیـه و سـلم – اذافاتـک الحیـاء فاصنع ماشـئت/ وقتـی حیـای شـان رفت بـی حیایی دیگـر هرگـز در هر نوع اش بـرای شـان عـار پنداشـته نمی شـود.

«شـیطان اخـرس» در چنیـن برهـه ای حسـاس بـه آن



مطبوعات غرب در مورد افغانستان چه میگویند؟

سمیع الله زرمتی

شانزده سال میگذرد که افغانستان زیر اشغال قوتهای غربی قرار دارد. ملت مسلمان افغانستان در مقابل یورشگران دست به سلاح زده و جهاد مسلح در تمام نقاط کشور جریان دارد. اشغالگران غربی و همسنگران داخلی شان روزانه در اثر حملات مجاهدین تلفات می بینند اما رسانه های داخلی و خارجی که وابستهٔ غربیها هستند سعی می ورزند تا چهرهٔ شکست خورده اشغالگران مخفی نگهدارند.

از همین رو با اینکه حکومت مزدور و بادران شان در هر ناحیه از شکست و ضعف رنج می برند باز رسانه ها کوشش میکنند تا ناکامی های حکومت به حیث کامیابی ها تلقی نموده و اذهان و افکار عمومی را تحریف نمایند.

اما چون آفتاب حقیقت پوشیدنی نیست حقائق جنگ افغانستان هم با تمام کوشش های که جهت مخفی نگهداشتن شان در رسانه های جهانی بازتاب پیدا میکند و ما روزانه شاهد اعترافات شکست دشمن در رسانه های غربی هستیم که در این جا بعضی از نمونه های اعترافات دشمن به استناد مطبوعات غربی حضور تان تقدیم مینماییم.

تحلیلگر امور نظامی «دانیل پتروس» در نشریه نیشنل انترست ضمن یک مقاله صراحتا به ناکامی امریکا در افغانستان اعتراف میکند و مینویسد: اگر تجربهٔ شانزده سالهٔ جنگ در این کشور برای ما چیزی آموخته باشد این است که حتی قدرتی مثل ایالات متحده امریکا نمی تواند ملتی را در قالبی که برای خودش ساخته بگنجاند و یا به جامعه ای مثل افغانستان مفاهیم و اصول دموکراسی تزریق کند.

نویسنده در ادامه مطلب از خستگی و بی میلی امریکایی ها در جنگ افغانستان حکایت دارد و می نویسد: ادارهٔ ترامپ به ندرت در مورد طولانی ترین جنگ تاریخ امریکا حرف زده است. رسانه‌ها هم کمتر به موضوعات افغانستان می پردازند؛ مردم عام هم یا علاقهٔ خود را نسبت به جنگ یک سره از دست داده و یا هم به این نتیجه رسیده اند که مسالهٔ پیچیده گی سیاست‌های درحال تغییر و جنگ بر سرقدرت در کشور به آن اندازه دشوار شده که برای درک آن به مدرک دکترا در جامعه شناسی نیاز است.

نشریه ای بنام «فارین افرز» به یک مشکل دگر اشاره کرده که غربیها را نسبت به همه مشکلات سراسیمه ساخته است. این نشریه در یک مقاله تحت عنوان (انگیزه حمله های خودی در افغانستان چیست؟) نوشته است: در ۱۹ مارچ، زمانی که یک سرباز افغان در پایگاهی در ولایت هلمند آتش گشود، در نتیجه ی آنچه که حمله سبز بر- آبی خوانده می‌شود سه سرباز امریکایی زخمی شده و یک کماندوی افغان کشته شد. این مورد دیگری بود که در آن یک سرباز ناراضی افغان اسلحه‌اش را نشانه رفت تا یا پرسونل ناتو یا نیروهای افغان را بکشد یا تلاش‌های جنگجویان طالبان را تسهیل کرد تا این کار را بکند. این گونه حملات خودی تهدیدی است که پیشرفتی را که پس از شانزده سال جنگ در افغانستان حاصل شده است، خنثی می کند.

باور عمومی بر این است که این موجی از حملات در تلافی تمام انواع نارضایتی‌های شخصی اتفاق می‌افتد که در اذهان تعداد خاصی از نیروهای افغان تشدید می‌شود. اما من در یک مطالعه انگیزه‌ای متفاوتی یافتم. حملات خودی به‌طور

فزاینده ای به تاکتیک جنگی ترجیحی طالبان تبدیل شده است، گروهی که به خوبی می داند چگونه از منابع محدود حداکثر استفاده را ببرد و دو ضعف در تشکیلات ملکی – نظامی ایالات متحده را می فهمد، بیزاری و نفرت عمیق از تلفات و نیاز باور به این که امریکایی‌ها دلایلی برای جنگیدن دارند. طالبان، به نوبت‌شان، توانسته‌اند فاصله بین نیروهای امریکایی و افغان ایجاد کنند.

تحلیلگر فارین افرز در ادامه به پس منظر این موضوع اشاره میکند و می افزاید: از سال ۲۰۱۷، تخمینا ۱۰۲ مورد حمله‌ی خودی مستند حداقل ۱۵۷ پرسنل ناتو را که عمدتا سربازان و قراردادی‌های غیرنظامی امریکایی بودند، کشته است و بیش از ۲۰۵ تن را زخمی ساخته است. قبل از سال ۲۰۰۸، دلیل کمتر از یک درصد تلفات کلی پرسونل ناتو در افغانستان حملات سبز بر آبی بود؛ با این حال، در سال ۲۰۱۶ این نسبت به ۱۲.۵ درصد افزایش یافت. حملات خودی یک پدیده ای پیچیده باقی مانده است، اما این حملات در جنگ مدرن تازه نیستند. همیشه تا حدودی عدم قطعیت وجود خواهد داشت اما مشکل اساسی فقط نارضایتی‌های شخصی نیستند، بلکه نفوذ طالبان نیز است. نواقص و کم کاری‌های عملیاتی خطرناک که در نهادهای امنیتی افغانستان نفوذ می کند، دخول/ نفوذ را ممکن ساخته است. مهم ترین آن‌ها خلاءهای رهبری قابل توجهی است که در نهادهای امنیتی در کابل و در هر شش قول اردو وجود دارد. نیروهای افغان فاقد قابلیت‌های حیاتی استخباراتی، نظارتی و شناسایی هستند که شدیدا بر موثریت جنگی آن‌ها تاثیر می‌گذارند. با وجود این حقیقت که مبارزه با ستیزه‌جویی یک تلاش استخبارات محور است، هماهنگی میان نیروهای امنیتی و استخباراتی افغانستان اندک است.

علاوه بر این، نهادهای امنیتی افغانستان به طور فزاینده ای سیاسی شده است. دخالت زورمندان سیاسی در امور امنیتی که ساختارهای فرمانده ای رسمی را نادیده می گیرد یک اتفاق معمول است.

روزنامه نیویارک تایمز که یکی از رسانه های مشهور و مطرح امریکا است ضمن یک مقاله از ناکامی حکومت اشرف غنی در عرصهٔ اصلاحات امنیتی و نظامی پرده برداشته است و می نگارد که با آمدن حکومت موجود فساد در تشکیلات امنیتی گسترده تر شده است . نیویارک تایمز بگونهٔ مثال از هلمند یادآوری میکند و مینویسد: ارتش امریکا سال گذشته بیش از ۱۰۰ میلیون دالر را صرف بازسازی قول‌اردوی ۲۱۵ میوند که با ستیزه جویان در حال بازخیز طالبان در ولایت جنوبی هلمند در حال نبرد است، کرد. قرار بود سربازان استخدام شده و آموزش ببینند و با تجهیزات جدید مجهز شوند. یک فرمانده جدید که رویایی و عاری از فساد جار زده شده بود، برای بازسازی و اصلاح این واحد گماشته شد؛ واحدی که صرف یک سال پس از به‌عهده گرفتن امنیت هلمند از ائتلاف ناتو به رهبری امریکا، در حال از هم پَاشیدن بود. میزان تلفات بی پیشینه و رهبری فاسد بود و بسیاری از سربازان صرف روی کاغذ وجود داشتند. اما با فرا رسیدن زمستان روشن شد که این برنامه موثر واقع نشده بود. طالبان در طول سال قلمرو بیشتری را تصرف کردند؛ طالبان اکنون عمدتا هفت ولسوالی از چهارده ولسوالی در هلمند را کنترل می کنند و به گفته ای مقام های محلی، برای کنترول پنج ولسوالی دیگر در حال نبرد هستند. تلفات در میان نیروهای حکومتی در این ولایت باردیگر رکورد را شکست.

و آن فرمانده جدید و پاک به اتهام دزدیدن غذا و تیل سربازان تحت محاصره‌اش دستگیر شد.

نیویارک در ادامه می نویسد: فساد شایع در رهبری امنیتی افغانستان یک مشکل کلان است، رهبرانی که از هرج و مرج نفع می برند حتی در زمانی که سربازان به طور بی‌سابقه می میرند. جنرال ریچارد قیصر، مسئول فرمانده هی مشترک انتقال امنیتی در افغانستان، با اشاره به تلاش‌ها برای اصلاح قول‌اردوی ۲۱۵ میوند، می‌گوید: «اغلب آن کارها به خاطر رهبری فاسد و بی‌عرضه به سرعت بی اثر شدند.» «وقتی آن‌ها به چرخه ی زمستان رفتند، قول‌اردوی ۲۱۵ میوند بسیار پایین بود و ما گفتیم ما دیگر این کار را نمی‌کنی».

نیویارک تایمز در یک مقالهٔ دیگر به حملهٔ قول اردو شاهین بلخ اشاره می کند و در مورد پیامدهای این رویداد مینویسد: تاثیر روانی این حمله، یکی از مرگبارترین حملات در ۱۶ سال جنگ، اکنون احتمالا ویرانگرتر از تعداد قربانیان آن خواهد بود. در حالیکه برخی از نجات یافتگان قول دادند انتقام خواهند گرفت، اما این حمله نه تنها در میان بسیاری از تازه سربازان بلکه در میان خانواده‌های آن‌ها نیز تخم ترس و خشم کاشته است، چیزی که ثبت نام [در صفوف نیروهای امنیتی] را بیشتر تهدید می کند و جنگ حکومت علیه طالبان را دشوارتر می سازد. روزنامهٔ نیویارک تایمز در همین تحلیل به قول زمامداران حکومت کابل مینویسد که در سال ۲۰۱۶ میلادی ۶۷۰۰ تن از نیروهای ارتش کشته شده و بیش از ۱۲۰۰۰ تن دیگر زخم برداشته اند که این ارقام تلفات نسبت به سالهای گذشته بی سابقه هستند.

همچنان دیگر مطبوعات غربی هم در خبرها، تحلیل ها و مقالات خود حکایت از ناکامی اشغالگران و مزدوران شان پرداخته است که مشت نمونهٔ خروار شان به شما تقدیم نمودیم.



ملت با ایمان از مرگ هراسی ندارد

ابو طیب جوزجانی

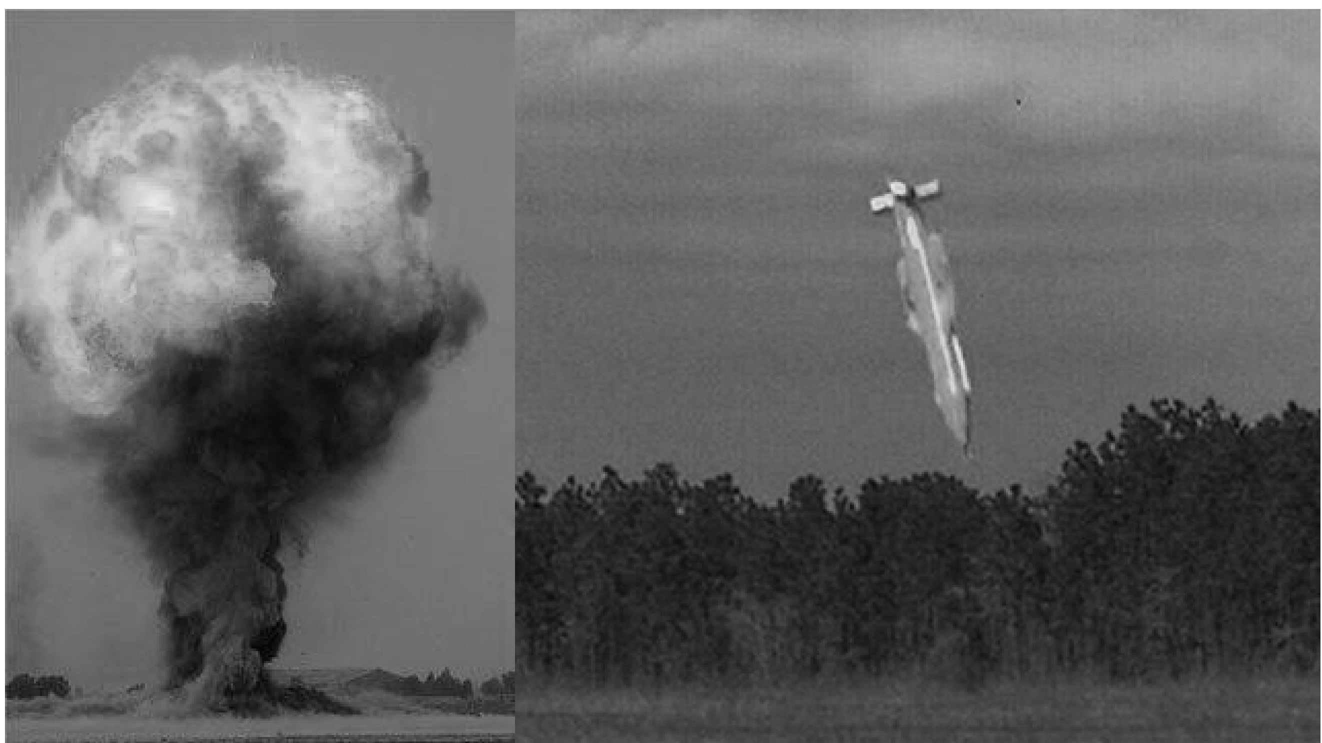
حملهٔ کورکور انه و بز دلانهٔ امریکا بالخصوص استعمال بزرگترین بم که آنرا مادر بم ها تلقی میکنند در خاک افغانستان نشان دهندهٔ بغض و کینهٔ فرعونیان امریکایی نسبت به خاک مسلمان ها و علاه بر آن دست زدن بر دکمهٔ قهر و غضب ملت مسلما ن افغان است امریکا علاوه بر استعمال بم، تبلیغات و شایعه پراگنی های زیادی را نیز براه انداخته است که گویا استعمال این بم یک آزمایش کامیاب بوده که در اثر آن تعدادی زیادی از داعشی ها را از بین برد ه است و بدین وسیله گمان میکند که علیه رقبای منطهٔ اش که روس ها و چینایی ها و کو ریایی شمالی است نیز یک مانوری را نشان داده به آنها تنبیه و گوشزد نمود که امریکا یک قدرت بزرگ ، یکه تاز ودارای اینچنین بم هاست و در وقت ضرورت اگر بخواهد در هر جایی استعمال نموده و در نتیجه بالای رقبای منطقهٔ خود فایز و بر اهداف خود نایل می آید.

تاریخ پر افتخار افغان ها بر این گواه ست که افغان های اصیل و متعهد به دین و وطن نه ترس و بیم از اینچنین بزرگنمایی ها ، نه هراس از آن و این بم ها دارد و نه غربیها امید داشته باشند که با چنین هرزه گویی ها این ملت بیدار و تا به فرق مسلح از حماسه ها ، را فریب داده از سفر میمونش که اعلای کلمهٔ الله ، بر افراشتن پرچم عدالت و داد رسی بحق مظلومین است باز گردانده و نه به این چنین بم و میزائیل وغیره سلاح های مدرن شان برای ادارهٔ غلام که مثل گرگ گرسنه در پی قدرت و چوکی است دوام ومشروعیت دهد چونکه در طول جنگ تقریبا یک ونیم دهه غربیها از هر طریق ممکنه چه با استعمال سلاح های پیشرفته و چه با کار برد طیاره های مدرن و چه با سرازیر نمودن جزو تام های عسکری و چه با تبلیغات زهر آگین وچه هم با گسیل نمودن پول های گزاف که افراد و اشخاص ضعیف الایمان را می خریدند کوشش نمودند جلو پیشروی کاروان جهاد را بگیرند بر نور وشعاع طاغوت سوز آن پردهٔ ایجاد نمایند اما نتوانستند چه جایکه بر اراده وتصمیم قاطع ملت غیورافغان رخنهٔ وارد نموده آن ها را متقاعد بسا زند بلکه هرچه حیله ومکر آنها زیاد تر می شد در مقابل عزم و قاطعیت و شور و ولولهٔ زمام داران پرچم اسلام همواره مستحکم تر و راسخ تر و در میادین جنگ ومبارزه بارز تر ونیرومند تر می گردید، به نصرت الله متعال در هر صحنه ومیدان سر بلند و قامتشان رسا ترگردید (ومکروا ومکر الله والله خیر

الماکرین) و دنیای امروز شاهد است حتی غربی ها و در رأس آن امریکا به این اعتراف دارند که نیمهٔ از خاک کشور بدست این سلحشوران است وهمواره وجب وجب خاک این سر زمین را از لوث متعفن و بد بوی خارجیان وهمچنان غلامان شا ن پاک نموده در حال پیشروی هستند و علاوه بر آن ضربات کو بندهٔ سیاسی که کمر دشمن را خم مینماید بر دشمنان وارد گردیده و می گردد.

در ردیف مبارزهٔ نظامی، شما امروز شاهد منفور بودن امریکایی ها در جهان امروزی هستید نه تنها در بین سایر ملت ها بلکه در بین ملت خود نیز شاهد اختلافات سمتی و نژ ادی و ..... میباشید و این نفرت ها زاده همان استراتیژی غلط غربیها و در رأ س آن امریکا است که در برابر ملت مظلوم افغان انجام داد و در مقابل، مجاهدین امارت اسلامی علاوه بر نیرو مند شدن توان و قدرت رزمی شان با گسترش روابط با کشور های منطقه مشروعیت سیاسی و اجتماعی را نیز کسب نموده در هر مجالسی و معرکه آزادانه از حق مسلم ومشروع خود دفاع مینمایند، پس ترامپ وسایر فر عون های دنیا این را بدانند که با هر ملتی مزاح اما با ملت افغان مزاح کردن عین دست زدن با دکمهٔ مرگ و نابودی است این دجالان زمان به شمول غلامان شان این را به یاد داشته باشند یکبار دیگر شهامت فطری افغان را نیازمایند و الا اگر با استفاده بم های مهیب شان در خاک افغان اگر قصد غارت داشته ها وارزش های مادی و معنوی افغان ها را داشته باشند همانا فریفتهٔ یک سراب بدون حقیقت گردیدند

اما نباید فراموش نمود کفار در هر دور تاریخ از مسلمانان در عرصهٔ نظامی وجنگ های رو در روی به شکست های پیهم مواجه شده در صفحهٔ یأس سر گردان گردیدند سپس درک نمودند که نسبت به تهاجم نظامی تهاجم بر فر هنگ و اندیشه های اسلامی پر اهمیت و کارا تر میباشد از اینرو تیر خصمانهٔ خود را به جانب افکار و اندیشه های اسلامی هدف گر فتند و در عین حال برای تحقق اهداف فر هنگی وسیاسی خود در کشور های اسلامی و جهت سیطره بر دنیای اسلام فر هنگ و ایدیولو ژی و تقالید مسلمانان را به بررسی و پژوهش گرفتند خلاصه در بدیل جنگ فیزیکی جنگ فکری را انتخاب نمودند بناء جهت از میان بر داشتن پدیده مثبت و نیکو از زندگی مسلمانان و منصرف ساختن آنان از التزام به مقررات اسلام در حال سعی و تلاش هستند و بدین وسیله توانستند عدهٔ از مسلمانان ضعیف را از مکتب معنوی اسلام دور نگه داشته به مادیا ت و عیش پرستی متمایل سازند از این جهت آن افراد واشخاص فریفته را در جهت اهداف شوم شان استعمال نمودند پس برای مسلمانان لازم پنداشته میشود که در هر سنگر داغ چه نظامی وچه فرهنگی آمادهٔ ایثار وقربانی باشند و خصوصا علمای حق این را فریضهٔ خود بدانند که با جوانان و نوجوانان ارتباط قایم نموده جهت تنویر قلب های شان و آگاهی از حیله و مکر های فرهنگی دنیای کفر سعی و تلاش خود را بخرچ دهند.



منصور؛ رهبری که برای دین خدا کباب شد!



احمد تنویر (مدیر مسئول مجله حقیقت)

ایام شعبان امسال یاد و خاطره رهبر عزیز عالیقدر منصور شهید – تقبله الله – را در ذهن ها و یادها تداعی می کند؛ رهبری که در چنین روزهای جام زرین شهادت را نوشیده و با افتخار در راه حق سبحانه و تعالی قربانی شد، کسیکه همه چیز خود را برای اعلاء کلمه الله، آوردن نظام مستقل شرعی، صلح و صفاء و زندگی خوش و با عزت برای امت مسلمه و افغانها گذاشته بود و از هیچ چیز حتی خون اش برای حق و دین او دریغ نکرد.

شهید عالیقدر منصور صاحب – تقبله الله – چنان شهادت با افتخاری را حاصل کرد که شاید در زندگی اندک رهبران سیاسی و تنظیم های مختلف اسلامی در سطح دنیا نصیب نشود کسیکه شب و روز در فکر خدمت به خلق خدا، نجات سرزمین اش از شر اشغال و تجاوز، ترقی و بهبود اوضاع و فعالیت های مختلف جهادی وقف کرده و گاهی آرام و قرار نداشت؛ چون فریاد و ناله های مظلومیت و بی کسی آحاد ملت خویش را از عمق وجود لمس و احساس می کرد و با زبان حال می فرمود: «چگونه آرام و قرار داشته باشم در حالیکه ملت مسلمان ما از دست طاغوتیان زمان و ایادی اجیرشان آرام و قرار ندارد.»

منصور، رهبر عالیقدری بود که شرایط را می فهمید، اوضاع را درک، حساسیت ها را احساس، مشکلات را سنجش، ناملایمات را دیده و همواره در فکر راه حل با عزت معضله افغانستان بود او در عین حال، چنان با غیرت بود که وقتی پای مسائل مادی و معنوی پیش می آمد به مراتب مثل استاد جلیل القدر خود (عالیقدر امیرالمومنین ملامحمد عمر مجاهد – رحمه الله –) معنی را بر ماده ترجیح داده و در مقابل سرسخت ترین دشمنان دین و ملت، از مواضع اسلامی و انقلابی به اندازه سر سوزنی کرنش نکرده و حاضر بود جان خود را فدا کند تا آرمان شهداء و آرزوی دیرینه ملت مسلمان (که همانا سربلندی اسلام و عزت و استقلال مسلمین است) بر آورده شود.

امیرالمومنین منصور شهید – تقبله الله – هرگز به دنبال آسایش فکری و آرامش مادی نبود او شیفته مسیری بود که منجر به رضای حق تعالی شود، تلاش می کرد، شب و روز نمی شناخت، زندگی شخصی اش را در اولویت نمی دانست، هم و غم او دنیا نبود، از سیاستی که موجب نارضایتی خدا و آزردگی خلق می شد کاملا متنفر بوده، با جرئت و شهامت، صبور و بسیار با حوصله و بردبار بود، از تفرقه به شدت متنفر و به وحدت، یکپارچگی و اتحاد بین مسلمانان فکر می کرد؛ و در عمل نیز ثابت کرد که تا چه حد حاضر است بخاطر دین خدا سختی ها، مشکلات و نارسایی ها را تحمل کند.

شهید عالیقدر – تقبله الله – از مرگ هراسی نداشت بلکه

همیشه تشنه شهادت بود با آنکه دشمنان او در دنیا (مخصوصا از وقتیکه با شخصیت والا و واقعی منصور صاحب آگاهی و از اهمیت منحصر به فرد وی در جماعت مجاهدین پی بردند) شب و روز وی را در هدف و کمین داشتند؛ اما ایشان با وقار و عزم راسخ و همچنین با توکل و یقین به ذات رب العالمین برای هر نوع قربانی بخاطر دین خدا آماده بود، او نبود که دنبال امتیاز باشد بلکه بزرگترین امتیاز را در این می دانست که رضای خدا حاصل شود و در این ره، از ملامت هیچ ملامت گری خوف و هراس نداشت.

شهید منصور صاحب – تقبله الله – طوری مدبرانه، مقتدرانه، حکیمانه و خردمندانه، امارت اسلامی افغانستان را قیادت می نمود که گویا برای قیادت ساخته شده بود و چنان با صلابت، درایت و شهامت ایمانی در جهت اهداف والای نظام مقدس جهادی گام برداشته و موثر واقع می شد که تمام مجاهدین در عرصه های مختلف با الهام از حیات و نشاط آن شخصیت والا، خود به خود قوت قلب حاصل کرده و اخلاصمندانه شوق و ذوق خدمت و فعالیت بهتر و بیشتر پیدا می کردند.

شهید عالیقدر – تقبله الله – پس از عمری طولانی جهاد و مجاهده، مبارزه و جانفشانی برای دین، سرانجام به آرزوی دیرینه اش نایل گردید و چنان شهادتی نصیب او شد که نصیب کمتر کسی از مجاهدین می شود او توسط سرسخت ترین دشمن اسلام؛ یعنی امریکای جنایتکار از طریق هواپیمای بدون سرنشین هدف قرار گرفت و جسد او در راه حق کباب شد.

سبحان الله ...

یکی از بزرگان جهادی پس از شهادت عالیقدر منصور صاحب – تقبله الله – تاثرات خویش را اینگونه بیان فرمودند: «وقتی بر جسد بی جان و کباب شده منصور صاحب حاضر شدم که چگونه پاها و سر و صورت او بخاطر دین خدا کباب شده غبطه خوردم و گفتم ایکاش خداوند متعال چنین شهادتی نصیب ما می کرد.»

او درست است برای دین خدا کباب شد و به آرزوی دیرینه اش نایل گردید؛ اما خبر شهادت او شاید تلخ ترین و سخت ترین خبری بود که مجاهدین امارت اسلامی و البته کافه مسلمانان جهان و بالخصوص ملت شریف و با احساس افغانستان پس از خبر رحلت جانگداز ملاصاحب (عالیقدر امیرالمومنین ملامحمدعمر مجاهد – رحمه الله –) شنیدند؛ و تحمل آن خبر واقعا که بسیار سخت و طاقت و فرسا بود.

«حسبناالله و نعم الوکیل»

لکن اگر منصور صاحب شهید رفت اما راه و آرمان او بر قوت خود باقی است و سربازان فداکار او برای هر نوع جانفشانی و

منصور، رهبر عالیقدری بود که شرایط را می فهمید، اوضاع را درک، حساسیت ها را احساس، مشکلات را سنجش، ناملایمات را دیده و همواره در فکر راه حل با عزت معضله افغانستان بود او در عین حال، چنان با غیرت بود که وقتی پای مسائل مادی و معنوی پیش می آمد به مراتب مثل استاد جلیل القدر خود (عالیقدر امیرالمومنین ملامحمد عمر مجاهد – رحمه الله –) معنی را بر ماده ترجیح داده و در مقابل سرسخت ترین دشمنان دین و ملت، از مواضع اسلامی و انقلابی به اندازه سر سوزنی کرنش نکرده و حاضر بود جان خود را فدا کند تا آرمان شهداء و آرزوی دیرینه ملت مسلمان (که همانا سربلندی اسلام و عزت و استقلال مسلمین است) بر آورده شود.

یکی از بزرگان جهادی پس از شهادت عالیقدر منصور صاحب (تقبله الله) تاثرات خویش را اینگونه بیان فرمودند: «وقتی بر جسد بی جان و کباب شده منصور صاحب حاضر شدم که چگونه پاها و سر و صورت او بخاطر دین خدا کباب شده غبطه خوردم و گفتم ایکاش خداوند متعال چنین شهادتی نصیب ما می کرد.»

قربانی آماده و حاضراند.

... و اینک پس از یکسال کاروان منصور شهید با عملیات جدید بهاری که به اسم گرامی او مسمی گردیده نشان از اخلاص و دلبستگی شدید پیروان راه منصور به آرمان او و سایر شهداء دارد که امید است ان شاء الله تعالی شاهد تحولات بسیاری در تمام عرصه های جهادی باشیم و (تحت قیادت جانشین والامقام و شخصیت عالی شیخ صاحب محترم حفظه الله و سایر عزیزان جهادی) پوزه استکبار جهانی و ایادی اجیر آن به خاک ذلت مالیده شده و نظام مستقل اسلامی، عزت و حاکمیت قرآن را در سرزمین شیران و شهداء را یکبار دیگر احساس کنیم و درفش کلمه توحید در نقاط مختلف افغانستان به اهتزاز در آید.

و ما ذلک علی الله بعزیز



مگر آن ها هرگز تروریست نیستند!

حبیبی سمنگانی

روز چهارشنبه (۲۲ مارچ) ، یک فرد مهاجم نخست چند تن رهگذر را روی پل تاریخی « ویست منستر » در کنار ساختمان پارلمان در لندن هدف موتر خود قرار داد و سپس ۱ تن پولیس را در نزدیکی پارلمان بریتانیا با ضرب چاقو به شدت زخمی ساخت ، آن فرد پولیس لحظاتی پس تر جان داد ، پولیس شهر لندن این را رویداد تروریستی خواند ، صادق خان ، شهردار پاکستانی تبار لندن در واکنش به این حادثه به رسانه ها گفت « ما این حادثه را تروریستی می دانیم ، مگر این که شواهد نشان بدهد که تروریست ها درین واقعه دخیل نیستند » ، هدف صادق خان ازین حرفها این بود که چون هویت حمله کننده هنوز روشن نیست نمی توان این حادثه را صد در صد تروریستی عنوان بدهیم ، بلی ، هرگاه مشخص شود که شخص متهاجم مسلمان بود پس بدون تردد این یک عمل تروریستی است و اگر مسلمان نبود نباید واقعه را تروریستی عنوان بدهیم ، زیرا شخص غیر مسلمان هرگز تروریست شده نمی تواند ، اما روز پنجشنبه ، خانم تریزامی « نخست وزیر بریتانیا » مشکل صادق خان و رسانه های لبرال و دموکرات غرب را حل نمود ، تریزامی خبر داد که فرد مهاجم یک مسلمان بریتانیای بود و روشن گردید که واقعه تروریستی بوده است .

مهم این نیست که واقعهء لندن را کدام گروه به عهده گرفت و آیا این یک کار درست بود یا خیر ، مهم تر اینست که از دیدگاه غربی ها و رسانه های آنان هر آن واقعهء که دست یک مسلمان دران دخیل باشد بدون چون و چرا تروریستی است و هر آن رویداد که عامل آن مسلمان نباشد هرگز تروریستی نیست ، به حرفهای روشن تر ، تروریست بودن ویژگی مسلمان ها است و تنها یک مسلمان می تواند تروریست باشد ، اما فرد غیر مسلمان امکان دارد آدم کش ، آدم ربا و آدم خور باشد ، دزد ، رهزن و شراب خور باشد ، مستبد ، متجاوز

، فاشیست و زورگو باشد ، ممکن هر چه باشد و لیکن تروریست شده نمی تواند ، هر جا از تروریست نام برده شود آن مسلمان است ، در سراسر جهان یک تروریست غیر مسلمان وجود ندارد ، بلی ، هیچ یکی از جورج بوش ، تونی بلیر ، ژاک شیراک ، آریل شارون ، بارک اوباما ، گوردن براون ، سرکوزی و ایهود اولمرت تروریست نبودند و حالا دونالد ترامپ ، تریزامی ، پوتن ، نتنیاهو و مودی هر اندازه جنایت بکنند تروریست شده نمی توانند ، ایشان اگر خواهان این لقب هستند در گام نخست باید مسلمان گردند .

سعید کواشی و شریف کواشی (دو برادر جزایری الاصل فرانسوی) هرگاه در واکنش به پخش کاریکاتورهای اهانت آمیز پیامبر اسلام (ص) بر دفتر مجله ای شارلی ایبدو یورش بردند علی الفور تروریست خوانده شدند ، زیرا آنان مسلمان بودند و از یک مسلمان بعید نیست که تروریست باشد ، اما یک سرباز امریکای « رابرت بیلز » نا وقت شب در قندهار بر خانه های غیرنظامیان یورش می برد و ۱۶ تن را که شامل زنان و کودکان بود تیرباران می کند هرگز تروریست نیست ، بلی ، وی مشکل روانی داشت و این کار را بدون کدام هدف تروریستی انجام داده است ، عمر متین (امریکای افغانی الاصل) بر باشگاه همجنسگرایان در ایالت فلوریدا یورش برد و چند تن را کشت ، وی بدون اگر و مگر به عنوان تروریست شناخته شد ، اما آن چهار تن عسکر امریکای که شب هنگام بر یک خانه در عراق یورش بردند ، دختر ۱۴ ساله را مورد تجاوز گروهی قرار دادند ، سپس همه اعضاء خانواده را به شمول آن دختر کشتند ، خانه را آتش زدند ، به قرارگاه خود آمدند و کباب مرغ خوردند هرگز تروریست نیستند ، زیرا عسکرهای صلیبی هرگز نمی توانند تروریست باشند .

دونالد ترامپ در نخستین سخنرانی خود پس از مراسم تحلیف ریاست جمهوری ، شعارِ مشهور انتخاباتی خود را که با تروریسم اسلامی می جَنگد تکرار نمود ، تنها ترامپ نیست که لاف از مبارزه با تروریسم می زند بلکه در سیاست امروزی جهان هر سیاستمدار خود را در صف مقدم مبارزه با تروریسم قرار می دهد و ممکن حقیقت نیز چنین باشد ، اما جالب تر اینست دانشمندان تا هنوز بر تعریف تروریسم موفق نشده اند ، بلی ، تا هنوز سازمان ها ، کشورها و دانشوران چنان تعریف کامل برای تروریسم پیدا نتوانسته اند که برای همگان قابل قبول و قناعت بخش باشد ، البته رسانه های لبرال و سیکولار در دو دهه اخیر برای مردم جهان چنان ذهنیت می دهند که اسلام و تروریسم با هم لازم و ملزوم هستند ، جز مسلمان ها دیگر مردم تروریست نیستند ، هر جا واژهء تروریسم به زبان آید نام اسلام نیز شامل بحث می شود ، ترامپ گر چه خود را مخالف با رسانه های مشهور غربی جلوه می دهد ، ترامپ بارها گفته است که رسانه های همچون سی این این ، بی بی سی و ای بی سی دروغگو و توطیه گر هستند و لیکن در مورد تروریسم وی نیز تحت شعاع این رسانه ها قرار گرفته است .

ترامپ در نخستین روزهای ریاست جمهوری خود ورود اتباع ۷ کشور مسلمان نشین را به امریکا ممنوع اعلان نمود و گویا قاطعیت و جدیت خود را برای مبارزه با تروریسم نشان داد ، ترامپ هرگز لازم ندانست تا از ورود بودای های میانمار به امریکا نیز جلوگیری بکند ، زیرا بودای ها مرتکب هر اندازه وحشت و جنایت گردند و کرامت و حرمت بشریت را به تمسخر بگیرند و ده ها هزار مسلمان روهنگیای را آتش بزنند نمی توانند تروریست بشوند ، مسیحیان اگر به رهبری هتلر ، موسولینی ، جورج بش ، اوباما و ترامپ ملیون ها انسان را قتل عام بکنند ، یهودیان اگر هزارها فلسطینیان را تیرباران بکنند و دهریان اگر صدها هزار انسان ها را قربانی نظام کمیونستی بسازند نمی توانند تروریست بشوند ، زیرا تروریست شدن ویژگی مسلمان ها است ، برای تروریست بودن یک فرد مسلمان این هم کفایت می کند که به تندروی متهم گردد ، بلکه این هم بسنده است که در یک خانوادهء مسلمانِ دیندار متولد شده باشد و یا هم به مسجد و مدرسه رفتَ و آمد داشته باشد .

ترامپ از تروریسم اسلامی نام می برد ، مگر آیا در قاموس سیاستمداران دموکرات ، رسانه های لبرال و مدعیَان حقوق بشر چیزی به نام تروریسم صلیبی ، تروریسم یهودی ، تروریسم بودای و......... هم وجود دارد ، ایشان می گویند مسلمان ها به بنیاد مذهب و عقیده دیگران را می کشند ، اما آیا واقعیت این نیست که : یهودیان اسراییل به همین اساس هزارها تن فلسطینیان را تیرباران نمودند ، مسیحیان صربستان و کرواسی به همین اساس دست به نسل کشی مسلمان های بوسنیا زدند و بیش از صد هزار مسلمان را در دهه نود میلادی قتل عام

کردنـد ، بـودای هـای میانمار از ۵ سـال به این سـو هر روز ده هـا تن مسـلمان های روهنگیـای را زنده در آتش سـوزان مـی اندازنـد ، اکنـون سـوال اینسـت کـه آیـا تا هنـوز حتی بـرای یکبـار هـم اصطـلاح تروریسـم صلیبـی ، یهـودی و یا بودای را کسـی شـنیده اسـت ؟ ، پس از تلاش و جسـتجوی بسـیار در سـایت هـای معلوماتـی مشـهور جهـان (همچون ویکیپیدیـا وغیـره) ایـن حقیقـت را خواهیـم دریافت که جز تروریسـم اسـلامی دیگر هیـچ نوع تروریسـم وجود نـدارد ، تنها مسـلمان هسـتند که تروریسـت هسـتند .

بـه تاریـخ ۱۳ اپریل سـال جـاری ، امریـکا مادر بمـب ها « جـی بی یـو ۴۳/بـی » را بر ولسـوالی اچین ولایـت ننگرهار پرتـاب نمـود ، ایـن بمـب در سـال ۲۰۰۳م توسـط ارتـش امریـکا سـاخته شـد و ۹۸۰۰ کلـو (حـدود ۱۰ تُـن) وزن دارد و اکنـون بـرای اولیـن بـار در افغانسـتان آزموده شـد ، تنـش هـای نظامی درمیـان امریـکا و کوریای شـمالی درین روزهـا بسـیار بـالا رفتـه اسـت ، کوریای شـمالی بـا وصف تهدیـد هـای پیهم امریـکا و غرب بمـب های هسـته ای خود را ۵ بـار آزمایـش نمـود و حتـی خبـر داد کـه « آزمایـش موشـکی اش را هفتـه وار ، ماهانـه و سـالانه ادامـه مـی دهـد » ، نیـز بـرای امریـکا هشـدار مـی دهـد کـه آمـادهء هـر گونـه جنـگ اسـت ، امـا امریـکا مادر بمـب هـا را در خاک کوریـای شـمالی آزمایـش نکـرد ، زیرا مـادر بمب هـا برای نابـودی تروریسـت هـا ایجاد شـده اسـت و کوریای شـمالی چون مسـلمان نیسـت تروریسـت هم نیسـت ، امریکا خاک افغانسـتان را بـرای آزمـون مـادر بمـب هـا انتخـاب نمود و بالواسـطه کوریـا را تهدیـد کـرد ، گویا یک تیر و دو شـکار ، از یـک سـو افغـان های مسـلمان و تروریسـت کشـته می شـوند و از سـوی دیگـر کوریـای شـمالی درس مـی گیرد .

رسـانه های غـرب از بزرگی و سـنگینی مادر بمـب ها حرف مـی زننـد ، آن هـا خبـر مـی دهند کـه ایـن بمب چـه اندازه وزن دارد ، طـول و ابعـاد ایـن بمـب چـه اندازه اسـت ، نرخ آن چنـد ملیـون دالـر اسـت ، چطـور پرتـاب می شـود ، آیا مشـابه ایـن بمب در جهان وجـود دارد و ... هـدف آن ها تنها و تنهـا مرعـوب سـاختن مسـلمان ها اسـت ، گویا مسـلمان هـا بـه ویـژه افغـان هـا دیگـر نبایـد بـه مبـارزه و مقاومـت ادامـه بدهنـد ، از مخالفت بـا امریکا باید خـود داری بکنند و بـدون چـون و چرا آمادهء تسـلیم بشـوند ، بلی ، رسـانه های لبرال و سـیکولار که خود را پاسـداران حقوق بشـر جلوه می دهنـد هرگـز ازیـن واقعیـت تلخ حـرف نمی زننـد که هدف از پرتـاب مادر بمب ها کشـتار دسـته جمعی اسـت و قوانین بیـن المللـی اسـتفاده از چنیـن بمب هـا را هرگز اجـازه نمی دهـد ، بـرای رسـانه هـای غـرب این هـم اولویـت و اهمیت نـدارد کـه قربانیـان مادر بمـب ها چه کسـانی هسـتند و چه تعـداد غیرنظامیـان در اثـر آن جـان باختنـد ، امریـکا حتـی بـرای اردوی مـزدور تـا یـک هفتـه اجازه نـداد که بـه محل حادثـه برونـد ، چـه جـای کـه رسـانه هـا واقعیـت هـا را از نزدیـک به چشـمهای خـود مشـاهده بکنند .

نقـش رژیـم مـزدور کابـل در واکنش بـه پرتاب مـادر بمب هـا بسـیار ننگیـن و شـرمناک بـود ، از یک سـو یـک مقام ارشـد نظامـی رژیم شـکایت دارد کـه « ما در گذشـته و حالا در تاریکـی قـرار داشـته ایـم و تـا کنـون نتوانسـته ایـم بـه منطقـه ای کـه بمـب پرتـاب شـده اسـت برویـم » ، وی می افزایـد « مـا خـود نمـی دانیـم کـه ایـن مـادر بمـب هـا چه پیامدی داشـته اسـت » ، اما از سـوی دیگر ذبیح الله زمری « عضـو شـورای ولایتـی ننگرهار » بـه فارن پالیسـی می گوید « ایـن یـک اقـدام موفـق بـود ، از این اقدام خرسـند اسـت ، زیـرا دریـن حملـه بـه ملکـی ها آسـیب نرسـیده اسـت » ، بیشـتر مقامـات بلنـد رتبـه و سـخنگویان رژیـم از پرتـاب مـادر بمـب هـا اسـتقبال گـرم نمودنـد و کسـانی همچـون داود اسـاس « مشـاور ریاسـت اجرائیـه » اگر نقد داشـتند از سـمت برکنـار شـدند و یـا هـم همچون کـرزی خایـن لقب داده شـدند ، وزارت اطلاعـات و فرهنـگ رژیم حتی هشـدار داد کـه ایـن بمـب در هماهنگـی بـا مقامـات امنیتـی رژیـم پرتـاب شـده اسـت و هیچ رسـانه دولتـی و غیـر دولتی نمی توانـد بر خـلاف پالیسـی دولت حـرف بزند ، « صابـر مهمند » سـخنگوی ایـن وزارت کسـانی را کـه پرتـاب مـادر بمب هـا را هـدف انتقاد قـرار دادند اخطـار داد که مـورد پیگیری قـرار مـی گیرند .

حاصـل اینکـه برای جهانِ لبرال و سـیکولار این مهم نیسـت کـه چنـد تـن افغـان توسـط مـادر بمـب هـا جـان باختند ، چـون مسـلمان هـا همه تروریسـت هسـتند و تروریسـت ها بایـد کشـته شـوند ، مهم بـرای لبرالان و سـیکولران اینسـت کـه یک تن پولیـس در نزدیکی پارلمان بریتانیا کشـته شـده اسـت ، بیاییـد مـا هـم با اهـل غـرب ماتـم بگیریم ، باید با رسـانه هـای غـرب همنـوا شـویم و نعـره بزنیـم « مـرگ بر مسـلمان هـا ، مسـلمان هـا بسـیار ظالـم هسـتند ، حتی یک تـن پولیـس را با ضـرب چاقو کشـتند » .



اسلامي امارت یوازې د الله تعالی په مرسته جنګیږي

أبوعابد

د افغانستان اسلامي امارت چې یو دیني او جهادي حرکت دی له لومړۍ ورځې یې په قول او عمل کې ثابته کړې چې یوازې د الله تعالی په نصرت نازیږي او د الله تعالی په ځمکه د الله تعالی نظام غواړي. د همدې هدف په لاره کې اسلامي امارت د خپلې واکمنۍ په مهال پس له څو پیړیو یو ځل بیا د الله تعالی نظام د افغانستان په پاکه خاوره نافذ کړ. د اسلامي امارت شرعي عنوان یې راژوندی کړ. سیاست یې ددین تابع وګرځاوو. شرعي قضا یې جاري کړه. د امر بالمعروف و نهی عن المنکر شرعي وظیفه یې په احسنه طریقه را ژوندی او ددې قرآني حکم د تعمیل لپاره یې ځانګړی وزارت تأسیس کړ. دغه راز یې شریعت په ټوله معنی عملي کړ او د بدعاتو، انحرافاتو او ناروا رسومو مخنیوی یې وکړ.

اسلامي امارت دغه درنه وظیفه په داسې حال کې ترسره کړه چې ورسره د هیڅ هیواد یا تنظیم کومک نه و، علاوه لا داچې ټوله بې دینه نړۍ یې په مقابل کې ولاړه وه او په هر ګام یې ورته خنډونه اچول. مګر بیا هم اسلامي امارت په خپله شرعي تګلاره کې بریالی و او همدا بریا یې د الهي نصرت څخه د برخمن کیدو نغد ثبوت بلل کیږي.

اسلامي امارت له لومړۍ ورځې په دې عقیده لري چې د الله تعالي په دین اعتصام، د الله تعالی نه کومک غوښتل او د خپل مؤمن اولس ملاتړ ددې لپاره کافي دی چې په برکت یې مجاهدین شرعي ارمانونو ته ورسیږي. د جهاد او اسلامي نظام په لاره کې له کفري هیوادونو څخه دکومک اخیستل، یاد هغوی په مرستو اتکاء که څه هم ظاهري اسباب د جنګ په برابر کړي مګر په حقیقت کې د جهاد برکت له منځه وړي، د جهاد غایې ته زیان رسوي او د الله تعالی د نصرت د قطع کیدلو سبب ګرځي. لکه موږ چې د پخواني جهاد په وخت کې ولیدل چې د هغه وخت مجاهدین د امریکایانو په کومک نازیدل او په پای کې د جهاد کومه دپام وړ ثمره په لاس رانغله . بلکې همدې د نړیوالو مرستو، وسلو او پیسو مجاهدین دنیاپرست اموخته کړل، له مجاهدینو یې اصلي هدف چې د الله تعالی رضا وه هیره کړه. په مادیاتو مصروف شول او په پای کې د مادیاتو په شوق کې په خپل منځي جنګونو واوښتل او د ټول ملت د جهاد ثمره یې په اوبو لاهو کړه.

اما د افغانستان اسلامي امارت چې د تیر جهاد تجربه یې په مخکې پرته ده. تل خپل هدف ته متوجه دی او همیشه هڅه کوي چې د انحراف او ناکامۍ له اسبابو ځان لري وساتي. نو ځکه خو یې تر اوسه نه له کوم کفري هیواد څخه په جهاد کې د مرستې غوښتنه کړې او نه هم په دې اړه کوم ادنی ثبوت پیدا شوی دی.

خو دا چې اسلامي امارت د نړۍ له ډیر ستر کفري ایتلاف سره په جګړه بوخت دی نو په دې مبارزه کې یو ارام

چاپیریال او د سیمې په سطحه د دښمنیو کمولو ته ضرورت لري. اسلامي امارت ددې لپاره چې له غربي کفارو سره په خلاص مټ مقابله وکړای شي. او په راتلونکې کې د سیمې او ګاونډ هیوادونو له ضرر څخه په امن وي همیشه د سیاسي استازو له لارې هڅه کوي چې د سیمې له هیوادونو سره لیدل کتل وکړي او د هغوی د خصمانه موقف د نرمولو او غلط فهمیو د لرې کولو هڅه کوي.

د سفیرانو او استازو په واسطه له نورو مسلمانو یا نامسلمانو هیوادونو سره اړیکي، له هغوی سره مکاتبه او د خپلو اهدافو د حصول په لاره کې له هغوی سره مذاکرات شرعا مشروع عمل دی. له صدر اسلام نه بیا تر اوسه پورې ټولو اسلامي حکومتونو مختلفو هیوادونو ته سفیران لیږلي او په بیلابیلو سیاسي،تجاري او نورو موضوعاتو یې ورسره مذاکرات کړي دي.

دا چې په دې وروستیو کې اسلامي امارت د جهادي او نظامي بریاوو تر څنګ په سیاسي برخه کې هم په نړیواله کچه د پام وړ بریالیتبونه ترلاسه کړي. د نړۍ ډیر اولسونه یې له خپلې داعیې خبر کړي او د سیاسي کلابندیو ځنځیر یې مات کړی دی. نو د اسلامي امارت نړیوال دښمنان یې سخت پارولي دي نو ځکه یې په دروغو تبلیغات پیل کړي چې د روسیې، ایران، چین او پاکستان په شمول ځینې هیوادونه له طالبانو سره کومک کوي نو ځکه طالبان دومره ځواکمن شوي دي.

په دې لړ کې غربي مطبوعات په خاص ډول د روسیې نوم ډیر اخلي او وایې چې له اسلامي امارت سره مرستې کوي. مګر اسلامي امارت ددغو تبلیغاتو په ځواب کې د یوې رسمي اعلامیې په صدور سره وویل چې اسلامي امارت یوازې د الله تعالی په نصرت او کومک ویاړي او له بل هیڅ هیواده یې کومک نه دی ترلاسه کړی.

په دې اړه د اسلامي امارت لخوا په رسمي نشر شوې اعلامیه کې راغلي دي(له تیرې څه مودې راهیسې ځینې کړۍ د رسنیو له لارې ادعا کوي چې د روسیي هیواد له اسلامي امارت سره نظامي مرستې کوي. اسلامي امارت دا ادعاوې په کلکه ردوي، اسلامي امارت له روسیې هیواد څخه هیڅ ډول نظامي او یا لوژیستیکي مرستې نه دي ترلاسه کړي. اسلامي امارت په تیرو شپاړسو کلونو کې ثابته کړې چې د الله تعالی په نصرت او د مؤمن اولس د هر اړخیز ملاتړ په برکت له اشغالګرو سره بریالی او پایدار مقاومت کولای شي.

البته یوه خبره باید څرګنده وي چې اسلامي امارت د افغانستان د خلکو په استازیتوب دخپل هیواد او اولس د ملي منافعو او آرام راتلونکي لپاره د ګاونډیو هیوادونو او ګنو نوروسیمیزو هیوادونو سره ښې اړیکې غواړي او په دې برخه کې له اړوندو جهاتو سره سیاسي تفاهم یوه ملي اړتیا بولي، خو هیڅکله به داسی څه ونکړی چی له اسلامی او ملی ګټو سره ټکر ولري.

اسلامي امارت د خپلې بشپړې واکمنۍ په مهال هم د سیمې او نړۍ له هیوادونو سره د اړیکو او تفاهم هڅه کوله د نړۍ له هیوادونو سره دغه ډول اړیکي د هیچا په ضد او دهیڅ لوري په زیان نه دي؛ بلکې د افغانستان خلک او دا جګړه ځپلی هیواد د دا ډول سالمو اړیکو پراختیا او تقویې ته اړتیا لري، ځیني استخباراتي رسنۍ د اشغالګرو په اشاره داسې تبلیغات کوي چې عامه ذهنیت پرې خراب او داشغال دوام ته زمینه مساعده کړي، خو زموږ مجاهد ولس به هیڅ کله ددوی په منفي تبلیغاتو تیر نه وځی.)

اسلامي امارت لکه څنګه چې په رسمي کچه د روسیې او نورو هیوادونو د مرستو افواهات رد کړي په عمل کې هم داسې اثار او شواهد نه دي لیدل شوي چې ثابته کړي چې له اسلامي امارت مجاهدینو سره کوم بهرني هیواد مرسته کړي وي.

څکه موږ وینو چې مجاهدین په هماغو زړو وسلو او خودساخته ابزارو ددښمن مقابله کوي. هماغه د فقر او غربت ژوند یې دی.په هماغو ژیړو ډبو او خودساخته باروتو د امریکایانو او د هغوی د ملګرو ټانګان الوځوي.نه خو د مجاهدینو په وضعیت کې د وسلو، امکاناتو او لوژیستیک له اړخه کوم څرګند تغیر لیدل شوی او نه هم کوم بهرني وسائل . د مجاهدینو په لاس کې یوازیني پرمختللي وسائل هغه امریکایي ټوپک او دوربینونه دي چې له یرغلګرو یې په غنیمت نیولي دي.

په داسې حال کې دغه افواهات په بشپړه توګه بې اساسه دي. اسلامي امارت هماغه واقعي امارت دی چې د الله تعالی په نصرت اتکاء لري او همدا الهي نصرت دی چې په برکت یې امارت ورځ تر بلې د فتحو او بریاوو پر خوا مزل لنډوي.



افغانستان آزمونگاه اشغالگران

موفق افغان

افغانستان در گذشته ها بنام قبرستان اشغالگران مشهور بود اما شانزده سال می شود که در پهلوی بودن قبرستان به آزمونگاه اشغالگران نیز مبدل گردیده است. مجلهء عربی الصمود که از طرف امارت اسلامی به نشر می رسد در شمارهء ماه اپریل سال ۲۰۱۷ خود شمار حملات مجاهدین تلفات وارده بر دشمنان اشغالگر را ذکر کرده مینویسد که در ده سال گذشته حدود ۴۸ هزار عسکر اشغالگر در افغانستان کشته شده اند. این مجله می افزاید که از سال ۲۰۰۶ تا اوائل اپریل ۲۰۱۷ میلادی مجاهدین امارت اسلامی ۱۰۳۹۲۷ حمله بر دشمنان داخلی و خارجی انجام داده اند. این در حالیست که اشغالگران تلفات ناشی از جنگ شانزده سالهء خودرا ۳۵۳۰ تن اعلام داشته اند. در پهلوی پنهان کردن آمار دقیق اشغالگران افراد به اصطلاح ملکی، قراردادی و عساکر مرتزقه یی را که مستقیما مربوط وزارت دفاع این کشورها نمی گردند شامل این آمار نساخته اند.

از سوی دیگر به روز پنجشنبه ۱۳ اپریل امریکا بزرگترین بم جهان را که جی بی یو ۴۳ و یا هم مادر همهء بم ها نام دارد و دارای ۹ متر طول و تقریبا ۱۰ هزار تن وزن میباشد بر ولسوالی اچین ولایت ننگرهار تجربه کرد. ظاهراً این بم بر مواضع داعش در این منطقه پرتاب گردید مگر تلفات و خسارات ناشی از این پرتاب نشان می دهد که هدف اصلی داعش نه بلکه تجربهء این بم جدید بوده است که بجز افغانستان شاید جای دیگری ممکن نبود به این آسانی میزبان این بم می شد.

پرتاب مادر بم ها اگرچه اولین تجربه و آزمایش اشغالگران در این کشور نبوده است مگر باز هم واکنش های تند و تیزی را در افغانستان با خود داشت. نه تنها امارت اسلامی افغانستان این عمل وحشیانه را تقبیح کرد بلکه گروههای خورد و ریزهء دیگر و حتی اعضای پارلمان قلابی ادارهء اجیر این عمل را اجرامی و افغانستان را آزمونگاه اشغالگران خواندند. ادارهء اجیر کابل با کمال بی شرمی از این جنایت بزرگ باداران خود که عواقب خیلی وخیم امنیتی و صحی را در منطقه با خود خواهد داشت استقبال کرد و حزب حکمتیار که در این روزها در تلاش پیوستن به ادارهء پوشالی و متزلزل کابل می باشد یگانه تنظیم سیاسی است که در این حادثه منهج ۱۶ سالهء سیاف را اختیار کرده و سکوت در این موضوع مهم و حیاتی کشور را به مصلحت تلاش های اخیر خود دانست.

حامد کرزی رئیس پیشین ادارهء اجیر کابل و یکی از مهره های غلامی و نشانه های بردگی از جمله کسانی بود که واکنش خیلی شدید در مقابل این عمل نشان داد. وی اعلان کرد که چنانچه شوروی سابق را از کشور خارج ساخته است!!! امریکائیان را نیز اخراج خواهد کرد.

این اولین بار نبود که افغانستان منحیث لابراتوار و یا آزمایشگاه برای تجربهء خطرناکترین اسلحهء اشغالگران اختیار گردیده بود، بلکه از ۱۶ سال به اینسو این کشور در مقاطع مختلف زمانی مورد آزمایش های مختلف سیاسی، دینی، اجتماعی و نظامی قرار گرفته است.

اختیار افراد برده صفت، فروخته شده و بی صلاحیت برای مدیریت سیاسی این کشور، روی کار آوردن یک ادارهء مفسد و متشکل از فاسدترین افراد و گروهها، تقسیم وزارت ها و مناصب دولتی بر کشورهای اشغالگر سپس افراد و گروههای

حقیقت اینست که مردم و ملت مسلمان افغانستان فریب این ادعاهای دروغین و کاذبانه را نمی خورند. آنان می دانند که مدافع حقیقی این کشور همان فرزندان اصیل هستند که از آغاز اشغال و هجوم صلیبی ها بر کشور، جان و مال خودرا فدا کرده و در دفاع از حریم کشور، عزت، آبرو و ناموس آن قیام کردند و تا کنون لحظه یی آرام نه گرفتند.

مرتبط به آنان و تقسیم ناموزون قدرت میان اقوام و اقشار کشور از جمله نابسامانی های سیاسی یی بود که توسط اشغالگران در این کشور مورد آزمایش قرار گرفت.

از نگاه دینی و اجتماعی نیز از این کشور بارها همچو آزمایشگاه اشغالگران استفاده صورت گرفته است. ترویج دموکراسی در مجتمع سنتی افغانستان، خرید چند تن از منتسبین به علم و استفاده از آنان در تأویل و تحریف احکام شرعی، توهین و استهزا به ارزش های دینی و اسلامی، ترویج بی دینی، دعوت به نصرانیت و ارتداد، زیر پا کردن مقدسات دینی همچو مساجد، مدارس و نسخه های قرآن کریم از جمله تجربه های دینی توسط اشغالگران در این کشور بود که از آغاز جنگ صلیبی تا کنون جریان داشته است. انتشار فحشاء، رسانه های مبتذل، تفکیک و پارچه ساختن ساختار خانوادگی در این کشور، کشانیدن پای دختران به دفاتر، موسسات، مراکز و پایگاههای نظامی اشغالگران، انتشار بی سابقهء مواد مخدر، رشوت و غیره فساد و بد اخلاقی در کشور باعث درهم خوردن نظام اجتماعی این کشور گردید.

دشمنان اشغالگر به این اکتفا نکردند بلکه تجربه های نظامی نیز در جریان شانزده سال گذشته در کشور داشتند که این تجربه ها بدون اندک عکس العمل و واکنش ادارهء اجیر کابل، قدرتمندان، گروههای سیاسی و مدنی و غیره انجام یافت.

در اولین روزهای اشغال افغانستان بزرگترین بم های موجود در آن وقت را که ۷۰۰۰ پاوند وزن داشت بر ملت مظلوم و بیچارهء افغان پرتاب کردند. علاوه بر آن طیاره های B۵۲، بم های کلستر (خوشه یی)، بم های لیزری و کیمیاوی را برای اولین بار علیه انسان در این کشور تجربه کردند. آنگاه نه تنها مدعیان رهبریت افغانستان این جنایات باداران خود را پذیرفتند و از آن استقبال کردند بلکه برهان الدین ربانی مدعی جهاد و هجرت از دوستان خارجی خود خواست که بم های بزرگتر بر مردم کشورش بریزند زیرا این بم ها به گفتهء وی بسنده نیست. حامد کرزی نیز که در آن زمان منحیث رئیس ادارهء موقت بود کوچکترین عکس العمل در مقابل این عملکرد وحشیانهء باداران خود نشان نداد.

سوال اینجاست که این معترضان بر تجربهء اخیر اشغالگران در افغانستان در آن زمان وقتی که نشه در قدرت و کرسی بودند، ملت و کشور به یاد شان نیامده بود تا جنایات باداران خود در حق ملت مظلوم آن را احساس کنند؟ آیا همین ها نبودند که بارها جهت مشروعیت بخشیدن باداران خود تلاش ها به خرچ دادند و ملت را فریب دادند؟ آیا همین ها تفاهمنامه های امنیتی با کشورهای خارجی امضا نکردند که بر اساس آن، امروز آنان آزادانه حریم این کشور را پامال می کنند؟ آیا همین مزدوران بی ضمیر نبودند که مدال ها و نشان های غازی ها و مجاهدین افغان را به سینه های باداران خود می کوبیدند؟ و صدها سوال دیگر که نشاندهندهء این حقیقت است که این مزدوران در آن زمان که ظاهرا توان ممانعت این جنایات و گرفتن دست باداران خودرا داشتند یا سکوت اختیار کردند و یا در این جنایات شریک شدند اما امروز که نشهء قدرت از سر شان پرید و ناتوان تر از یک فرد عادی در کشور زندگی به سر می برند متوجه این کشور شدند و دانستند که باداران شان اشغالگر اند؟

حقیقت اینست که مردم و ملت مسلمان افغانستان فریب این ادعاهای دروغین و کاذبانه را نمی خورند. آنان می دانند که مدافع حقیقی این کشور همان فرزندان اصیل هستند که از آغاز اشغال و هجوم صلیبی ها بر کشور، جان و مال خودرا فدا کرده و در دفاع از حریم کشور، عزت، آبرو و ناموس آن قیام کردند و تا کنون لحظه یی آرام نه گرفتند. ملت مسلمان می داند که امروز اگر مزدوران نیز حقیقت باداران خودرا درک کرده اند نتیجهء قربانی های فرزندان صدیق و قهرمانانی است که در شانزده سال گذشته شب را با روز یکجا کرده و نگذاشتند که اشغالگران نفس آرام گیرند و به کمک و توفیق خداوند متعال اکنون نیز همین فرزندان، اشغالگران را اجازهء بقا در کشور نداده و آنان را مجبور به فرار از کشور خواهند کرد نه مزدوران و اجیرانی که هنگام صدور بیانه های نیز از منبرهای اشغالگران استفاده می کنند و مصارف دسترخوان و لباس تن شان نیز تا کنون از جانب سفارت های همین اشغالگران تأمین می گردد.

تاریخ سرشار از استقامت و پایداری !



قاضی عبید

زعما ، أمرا و بزرگان ما از ستاره های درخشان و روشن آسمان جهاد و مبارزه میباشد ، تاریخ زرین اسلام یکبار دیگر در صفحات خود کارنامه های پر افتخاری از مبارزه ، قربانی ، جانفشانی ، استقامت ، تقوا و مردانگی فرزندان اصیل خود را به ثبت رسانید ، که برای نسل های بعدی مثال زنده یی را میتواند پیشکش نماید ، مثال که در قرن بیست و یک کسی نظیر آنرا ندیده است .

بلی در قرن بیست و یکم!

در دل یک قرن ، جنگیدن با دو ابر قدرت جهانی و به زانو درآوردن آن ، آنهم با دست خالی ، کاریست سخت و طاقت فرسا ، تحمل سختی ها و دشواری ها ، مقابله با ظالمان و زورگویان ، دفاع از مظلومان و مستضعفان، عزم متین ، ایمان راسخ ، استقامت و پایداری کامل میخواهد ، رهبران و بزرگان ما با عهد و پیمان که بسته بودند وفا نموده ، قافله جهاد را با وجود وعده ها و وعید های آن تا آخر همراهی نموده و عزم شان متزلزل نگردید .

الله متعال با بخشیدن چنین رهبران قامت استوار و قاعدین مدبر بر ما منت گذاشت ، رهبران که تا آخرین لحظه حیات شان پایدار مانده ، بخاطر دفاع از دین و عقاید پاک شان مشکلات ، سختی ها ، سردی و گرمی روزگار را در برابر سهولت ، آسایش و راحتی ترجیح داده ، از امارت، صدارت ، وزارت و ریاست گذشته در دشوار ترین شرایط در پهلوی ملت خود قرار گرفتند .

از نمونه های زنده و واضح آن امیرالمؤمنین ملا محمد عمر مجاهد (رحمه الله) را میتوان یاد آور شد ، امیر که از بدو تاسیس امارت اسلامی تا آخرین لحظات عمر مبارک خود جز وفاداری ، اخلاص ، ایمان داری و صبوری چیزی دیگری به میراث نگذاشت ، برای شاگردان و رهروان پس از خود مردانگی و ایستادگی آموخت ، در حساس ترین و خطرناک ترین شرایط که دنیا عزم شان را جهت ریشه کن نمودن اسلام و مسلمین جزم نموده بودند ، عالی قدر امیرالمؤمنین راه مقاومت و مبارزه را در پیش گرفت .

بلی راه مبارزه !

مبارزه ای که از اول تا آخر آن لب به شکایت نکشود، تمام سختی های راه را تحمل نموده ، همواره یاران خود را به صبر و استقامت توصیه می نمود ، جز پروردگار به کسی سرخم نکرده و از هیچ یکی خواستار کمک نشد ، عزیز ترین دوستان و بهترین همسنگران خود را از دست داده ، اما صدا بلند نکرد .

واقعا چنین رهبری ستودنی می باشد !

باید افتخار رهبری فرزانه و امیر با صلابتی چون ملا محمد عمر مجاهد را داشته ، از آن به نیکی یاد کرد ، در وصف آن سخن گفت و راه آنرا سرمشق زندگی خود قرار داد .

ولی از سوی دیگر تاریخ ما شاهد کسانی نیز میباشد که از ادامه سفر باز مانده ، در نیمه راه خسته و مانده شدند ، همت شان را از دست داده ، ضعیف و ناتوان شدند ، در دام دشمن گیر افتاده ، از مقاومت و مبارزه دست کشیدند ، زندگی راحت ، قصر های مجلل ، آسایش و آرامش دنیا را بر سختی ها و تکالیف آن بهتر شمرده ، از کوه ها بسوی شهر ها آمدند ، امید ملت را به یأس و ناامیدی مبدل نموده با خون شهید و عرق مجاهد خیانت نمودند ، زیرا راه جهاد راه سختی هاست ، راه تکالیف و مشقت هاست ، راه قربانی و فداکاری هاست ، قدم گذاشتن و تا آخر ماندن در این راه ایمان قوی و همت بلند میخواهد و بس.



ژورنالسیت کیست؟

عبدالله احمدزی

امروزه بسیار شنیده می شود که بزرگترین دستاورد حکومت شانزده ساله افغانستان همین رسانه ها و مطبوعات اند،از زبان بسیاری از معتقدان دموکراسی می شنویم که ژورنالیزم بعد از قوه های مقننه،قضائیه و اجرائیه چهارمین قوه ی یک حکومت به شمار می رود،از همین رو در ترمیم و تخریب نظام و دولت سهم عمده و بارز را دارا می باشد،ما به مسلک ژورنالیزم احترام داریم اما قبل از آن باید یک تعریف بجا و مناسب از ژورنالیزم را داشت،این که ژورنالیزم چیست و ژورنالست کیست در این مقاله ی مختصر به توضیح ان می پردازیم:

در جریان تهیه گزارش، گزارشگر و خبرنگار نقش بسیار حساس و مهمی برعهده دارد. هم اوست که می‌تواند حاصل تلاش و کوشش خود را با بهترین و جذابترین شکل و محتوا به خواننده ارائه کند و نیز این خطر وجود دارد که با سهل‌انگاری، اهمال‌کاری، بی‌مسؤولیتی، ضعف، بی‌تجربگی و ناپختگی و عدم تسلط بر موضوع، بذر در شوره‌زار بپاشد و دست آخر نه او و نه مخاطبانش، هیچ حاصلی نبرند،چیزیکه متأسفانه در زیر چتر اداره کابل بسیار دیده می شود.

گزارشگری، مرحله والای روزنامه‌نگاری است و کسی می‌تواند این مسؤولیت را برعهده گیرد که از سد تهیه خبر، مصاحبه و مقاله‌نویسی گذشته باشد و واجد خصوصیات مختلف فردی، مهارتی و علمی باشد، خصوصیاتی که اطلاق عنوان «روزنامه‌نگار» را به او در خور و زیبنده می‌سازند. به‌طور کلی گزارشگر باید چشمی به تیزی چشم عقاب داشته باشد تا در عمق موضوع نفوذ کند. او کسی است که حواس پنجگانه خود را به مخاطب قرض می‌دهد، یعنی به جای او می‌بیند، به جای او می‌شنود، به جای او می‌گوید، به جای او لمس می‌کند و... بنابراین باید با همان صداقت گزارش را بازگو کند که اگر خود مخاطب هم در صحنه گزارش حاضر بود به همان صورت می‌دید و حس می‌کرد و همان برداشت و دریافت را داشت. به همین دلیل است که گفته می‌شود، گزارشگر باید بی‌طرف و عاری از پیشداوریهای شخصی و سلیقه‌های فردی به سراغ موضوع برود و در تمام مراحل گزارش این موضوع را رعایت کند،نه اینکه شرایط سخت و ناگوار افغانستان را نادیده بگیرد و بالای ارزش های اسلامی و اجتماعی مردم تمسخر کند.

در واقع می‌توان گفت که در گزارش، «منِ شخصی» گزارشگر حضور ندارد یا کمتر حضور دارد و این «منِ اجتماعی» اوست که نقش اساسی را ایفا می‌کند یعنی همهَ چیز را از زاویه مصالح و منافع اجتماعی دیدن و نه از پشت عینک تار سلیقه‌ها و خیال‌پردازیهای شخصی نگاه کردن.

به‌طور کلی گزارشگر وظیفه «بازگویی» واقعیتها را برعهده دارد و نه ساختن آنها را. بنابراین گزارشگر باید خصلتها و ویژگیهایی را دارا باشد که برخی از آنها در شخصیت و طبیعت او نهفته‌اند. و پاره‌ای دیگر با آموزش و تجربه قابل یادگیری و اکتسابند.

شاید نخستین نیاز هر گزارشگر، حشر و نشر و آمیزش داشتن و جوشیدن با مردم و حضور فعال و مؤثر داشتن در بطن جامعه است. گزارشگر نمی‌تواند و نباید منزوی، گوشه‌گیر، بی‌تفاوت، کم‌حرف، خجول و غیراجتماعی باشد، زیرا در این صورت قادر نخواهد بود نیازها، مسائل، خواستها و داوریهای جامعه و مردم خود را بشناسد و متناسب با آنها به مسؤولیت و رسالت اجتماعی خود عمل کند. اگر نقش مشاهدات و تجربیات اجتماعی و عمومی گزارشگر را در تمامی مراحل تهیه گزارش از زمان دریافت موضوع تا تحویل گزارش به‌عنوان یک عامل درجه اوّل در تعیین چگونگی گزارش بشناسیم باید گفت که این مشاهدات و تجربه‌ها فقط منحصر به دوره کوتاهی که صرف تهیه گزارش می‌شود،

نیست. گزارشگر برای نوشتن گزارش می‌تواند و باید از همه تجربه‌ها و مشاهدات گذشته و حال خود تا آنجا که در خدمت گزارش قرار می‌گیرد استفاده کند و بنابراین باید به‌طور مداوم در جریان آموزش و نیز حفظ پیوند اجتماعی با همنوعان و مسائل اجتماعی محیط خود و در مقیاس بزرگتر، جامعه جهانی، باشد.

فرهنگ اسلامی، برجسته‌ترین «منشور ارتباطات» را به جامعه جهانی عرضه کرده است، آنجا که در قرآن می‌خوانیم: «فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» (بشارت ده به بندگانی که همه حرفها را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کند). این منشور می‌تواند اساس کار روزنامه‌نگاران، و از جمله گزارشگران، باشد. گزارشگر باید در هنگام تهیه مواد و عناصر گزارش، به منابع مختلف و متنوعی که می‌توانند مورد استفاده باشند، مراجعه کند، اطلاعات و مطالب مختلف را از آنها بگیرد و بعد در جریان پالایش آنها که از طریق فرآیند «حذف و انتخاب آگاهانه» با معیارهای اصیل اجتماعی صورت می‌گیرد، اطلاعات و مواد مناسب را با هم تلفیق و ترکیب کند و در نهایت، مخاطب یا خواننده را صالح برای «انتخاب احسن» بداند. نه اینکه او را منفعل و چشم‌بسته فرض کند که مدام باید برایش تعیین تکلیف کرد و به او گفت که «به چه فکر کند، نه اینکه چگونه فکر کند». یعنی که باید امکان تصمیم‌گیری، ارزیابی و داوری و نیز نتیجه‌گیری صحیح، منطقی، واقع‌بینانه و منصفانه را با ارائه اطلاعات و واقعیتهایی که در جریان تحقیق خود کشف کرده، فراهم سازد. بنابراین گزارشگر باید معلومات عمومی خود را گسترش دهد و بداند که اطلاعات مورد نیاز را باید از کجا به‌دست آورد. گزارشگر باید پیوسته مراقب باشد تا همه چیز را ببیند و در همه‌جا سروگوش آب دهد. سخن محکم، متین، مستدل و از روی خیرخواهی و دلسوزی بگوید، دارای فکر روشن، بیان روشن و دقت و انصاف باشد، به حق و حقیقت و مسؤولیت الهی و اجتماعی خویش اعتقاد و ایمان داشته باشد و مردم را به آنچه درست یا نادرست است آگاه کند. باید در کلیات ذهن خود، بشر را معزز و محترم بشمارد، هنر و توانایی گذشتن از سلیقه‌ها و گرایشهای شخصی را داشته باشد، خودمحور و خودخواه نباشد و در گزارش تا جایی حضور داشته باشد که به پیشبرد و انتقال مفاهیم و اطلاعات کمک کند، نه آنکه حضورش در گزارش مصداق این مفهوم باشد که «تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز».

برخی از ویژگیهای دیگر که در تکامل شخصیت و مسؤولیت یک گزارشگر دخیلند و از اهمیت خاص برخوردارند عبارتند از:

۱. داشتن ذهن حساس و تأثیرپذیر؛

۲. داشتن شخصیت منسجم، مستحکم و شکل‌گرفته و نفوذناپذیر و احترام‌برانگیز؛

۳. مرعوب نشدن، داشتن شهامت و جسارت و شجاعت؛

۴. تسلط کامل بر نثر و زبان و برخورداری از قدرت نویسندگی؛

۵. داشتن ذهن تحلیلگر و نقاد؛

۶. قدرت تسلط بر خود، اعتماد به نفس، احساس مسؤولیت پایبندی به عدالت، انصاف و انسانیت، و واقع‌بینی؛

۷. الله عز و جل را در نظر داشتن و برای او و به منظور رشد و تعالی خود و نوع بشر کار کردن؛

۸. امانت‌داری، حفظ اسرار خصوصی دیگران و وفای به عهد در عین رعایت ملاحظات و مقتضیات حرفه‌ای؛

۹. داشتن قدرت انتخاب و حذف آگاهانه و قدرت درک و ربط دادن و تلفیق و جمع‌بندی مطالب و نتیجه‌گیری منطقی و عادلانه.

۱۰. داشتن قدرت تفکر و اندیشه و ذهن باز و دورنگر و ژرف‌اندیش.

بسیاری از این خصلتها و ویژگیها را دین مبین اسلام و قرآن مجید نیز توصیه کرده است. کما اینکه خداوند در قرآن کریم، چند چیز را از موجبات و علل خطاها و گمراهیها ذکر می‌کند. از جمله:

۱ تکیه بر ظن و گمان به جای علم و یقین (عدم عینیت)

۲ میلها و هواهای نفسانی (پرهیز از گرایش‌های شخصی

۳ شتابزدگی (بدون تحقیق و اطمینان نوشتن و فاقد صبر و حوصله بودن

۴شخصیت‌گرایی (در مقابل ضرورت پرداختن به واقعیتهای اجتماعی و حداقل حضور گزارشگر در گزارش.

این بود صفات یک ژورنالست خوب و ماهر،جای بسا تأسف است که در سرزمین مان،چنین افرادی را کمتر می توان دریافت.

در جریان تهیه ی گزارش یک ژورنالست باید کدام نکات را مد نظر بگیرد؟

زندگی یک گزارشگر با گزارش، از زمانی آغاز می‌شود که موضوع گزارش او تعیین می‌شود، و آنگاه خاتمه می‌یابد که گزارش آماده برای چاپ را تحویل می‌دهد. در طول این مدت، او مدام به موضوع گزارش خود، ظرفیتهای آن، چگونگی تهیه مواد خام، منابعی که به آنها دسترسی دارد یا ندارد، جر و بحث هایی که باید انجام شوند، طرح کلی گزارش، چگونگی تنظیم و نگارش آن و میزان و نحوه استفاده از هریک از اجزا و عناصر گزارش در ترکیب‌بندی نهایی گزارش و... فکر

می‌کند، شب و روزش را با این دغدغه‌ها می‌گذراند و پیوسته در کار پیرایش گزارش خود و حذف و انتخابهای لازم است. به همین دلیل گفته می‌شود که گزارشگر باید باحوصله، صبور، پرتحمل و دارای اعصاب قوی و قدرت تفکر باشد.

گزارشگران باتجربه در هر مرحله از تهیه مواد خام گزارش خود به این می‌اندیشند که اگر در این مرحله بخواهند گزارش خود را بنویسند، چه عناصری در اختیار دارند، چگونه آن را شروع خواهند کرد و به چه صورت ادامه خواهند داد. بدین ترتیب گزارش در مراحل مختلف شکل‌گیری، صورتهای مختلفی به خود می‌گیرد تا آنکه در انتها پس از کامل شدن اطلاعات و مواد به‌دست آمده، شکل نهایی خود را پیدا می‌کند. گزارشگر در هر مرحله باید فکر کند که تا اینجا چه دارد و چه ندارد و دنبال چه عناصر دیگری باید باشد و چگونه می‌تواند بیشترین خدمت را به جامعه و مردم خود بکند. با این توصیف باید گفت که دغدغه‌های گزارشگر، تمامی ندارند. چه با تحویل یک گزارش باید خود را برای پرداختن به موضوع و گزارش دیگر آماده کند و به همین دلیل دست‌کم گوشه‌ای از ذهنش مدام به مسأله‌ای مشغول است و نمی‌تواند خود را لحظه‌ای فارغ‌البال حس کند.

زبان و متن یک گزارش باید چگونه باشد؟

زبان گزارش، ویژگیهای خود را دارد. در عین‌حال ذوق، هنر و توانایی گزارشگر می‌تواند همواره این زبان را گسترش دهد. آنچه یک گزارشگر در مورد نثر و زبان گزارش باید بداند و رعایت کند این است که:

۱. نثر گزارش، محدویتهای نثر خبر و دیگر مقوله‌های روزنامه را ندارد؛

۲. زبان گزارش زبانی گسترده است زیرا از زبان خبر عمیق‌تر است و به خاطر داشتن امکان بیشتر در توضیح و تشریح و توصیف واژه‌های تخصصی جذابتر است، و در گستره رویدادها، حرکتها، خواستها و موضوعها، روشن‌تر و زنده‌تر بازسازی می‌شود و از طرفی واژه‌ها، در مقایسه با زبان خبر، بار اجتماعی بیشتری پیدا می‌کنند؛

۳. زبان گزارش باید طبق عرف ژونالستیکی آن جامعه باشد و از سوی دیگر برای جذب ذهنیت ها در آن کار صورت گرفته باشد؛

۴. گزارشگر باید تغییرات، دگرگونیها و فرسایش زبان را در طول زمان مدنظر داشته باشد و هم در استفاده از تحولات زبان، مهارت و توانایی داشته باشد و هم خود موجد تحولات تازه در نثر و زبان و کاربرد واژه‌ها باشد و ظرفیتهای زبان را گسترش دهد؛

۵. پرهیز از کلیشه‌گرایی، توجه به نوآوری و خلاقیت در نثر و زبان و استفاده از واژگان، عبارتها و اصطلاحهای مناسب. باید توجه داشت که این نوآوری صرفاً به معنای خلق واژه و تعابیر تازه نیست بلکه عمدتاً می‌تواند در کاربردهای تازه‌ای که گزارشگر به نثر و زبان می‌بخشد و آنها را از قالبهای کلیشه‌ای و سنتی خود جدا می‌کند، تجلی یابد. هنر گزارشگر در این است که از واژه‌های ظاهراً معمولی، ترکیبها، عبارتها و تعبیرهای تازه و بکر بسازد که هم جاذبه و گیرایی داشته باشد، هم نامأنوس و دور از ذهن نباشد و هم پرمعنی و نغز باشد؛

۶. توجه به بار معنایی و مسؤولیت و ظرفیت واژه‌ها و عبارتها و اینکه هر تعبیر و جمله و واژه در بافت مطلب، چه بار مفهومی را به دوش می‌کشد، از جمله وظایف گزارشگر است. او نباید حتی کلمه‌ای را بدون آنکه نقش و وظیفه‌ای در گزارش برعهده داشته باشد به‌کار برد بلکه باید آنها را آگاهانه و با دقت و وسواس انتخاب کند و با ظرافت و مهارت آنچنان با هم جفت‌وجور کند که هر تغییری در ساختار آن، به استحکام و صلابت آن لطمه بزند. از اینرو هیچ مفهوم یا جمله‌ای نباید بی‌هدف در گزارش به‌کار گرفته شود؛

۷. لفاظی و ثقیل‌نویسی در گزارش جایی ندارد. گزارش باید ساده امّا جذاب، پرصلابت و روان با مخاطب حرف بزند. «ساده‌نویسی» در گزارش یک اصل غیرقابل انکار است. این ساده‌نویسی به معنای استفاده از نثر محاوره‌ای، شکسته‌نویسی و سست بودن جمله‌ها و عبارتها چه از نظر ساخت و چه به لحاظ مفهوم و محتوا نیست. ساده‌نویسی در گزارش و به‌طور کلی در روزنامه‌نگاری به معنای «شکستن مفاهیم پیچیده و قابل فهم و درک کردن آنها برای خواننده» است؛

۸. استفاده از برخی صنایع ادبی همچون «ابهام و ایهام»، پاره‌ای استعارات به‌منظور بیان غیرمستقیم واقعیتها و نیز برخی از ضرب‌المثلها و گاه استفاده بجا از جمله قصار یا مصراع و بیت (البته در موارد خاص) اگر آگاهانه و هنرمندانه و در حد لازم صورت گیرد به لطف و گیرایی گزارش کمک می‌کند؛

۹. زبان هر گزارش باید با اقتضای موضوع و محتوای آن تناسب داشته و همخوانی داشته باشد. یک گزارش تحقیقی-اجتماعی یا گزارش هنری، علمی-تخصصی، توصیفی-تشریحی، خبری و... باید نثر و زبانی متفاوت نسبت به بکدیگر داشته باشند. به عبارت دیگر، زبان هر گزارش باید ظرفیت کشش آن موضوع و ارتباط برقرار کردن با مخاطب را داشته باشد.

پایان.

همراه با مبارزان قلم به دست در صفحات اجتماعی (۲)



اسدالله مبارز

اشـاره: بـدون تردیـد امـروزه یکـی از از ابزار مهم رسـانه ای و رسـاندن پیـام و گفتمـان هـای متنـوع سیاسـی و اجتماعی در صفحـات اجتماعـی از جملـه فیسـبوک در افغانسـتان طرفدارهـای بسـیاری دارد؛ و از آنجا که یکـی از پایگاه های معلوماتـی مـردم بخاطـر سـهولتی کـه در موبایـل هـا اسـت فیسـبوک بـوده و اینکـه خبـر شـویم در صفحـات اجتماعی راجـع بـه مجاهدیـن عمومـا چگونـه نـگاه هایی وجـود دارد و ملـت عزیـز مـا چـه نظریاتـی دارنـد؛ اداره مجلـه حقیقت بـر آن شـد تا یک سلسـله نـو در عنـوان فوق بگنجانـد و در هـر شـماره حسـب توفیـق و فرصـت، نظرها و پوسـت های قیمتـی دوسـتان مخلـص در صفحـات اجتماعـی را انعکاس دهـد؛ ان شـاء الله ایـن مجموعه مورد پسـند شـما خوانندگان عزیـز واقع شـود.

ابوالولید افغانی

در ارتبـاط موضـوع افغانسـتان آزمونـگاه اشـغالگران مـی نو یسد :

ایـن اولیـن بـار نیسـت کـه اشـغالگران افغانسـتان را برای تجربـهء بزرگتریـن بـم خـود اختیـار میکننـد. افغانسـتان قبـل از ایـن نیـز منحیث لابراتـوار و تجربـه گاه اشـغالگران در میادیـن مختلـف سیاسـی، نظامـی، دینـی و اجتماعـی قـرار گرفتـه اسـت و زمامـداران خائنـی که اکنون سـخن از تمامیت ارضـی کشـور و خـروج اشـغالگران میزننـد از آن اسـتقبال کردنـد.

راشد مبارز

در موضوع ملا محمد عمر مجاهد ۴ ثور می نویسد:

بـدون اغراق مـلا عمر مـرد تکرار نشـدنی تاریخ افغانسـتان بوده!

سـایر رهبران جهـادی افغانسـتان ثابت کردند کـه هر کاری که کردنـد برای چوکـی کردند

چـون اینهـا همـه چیـز شـان را حتـی دیـن، خـاک، ناموس، عـزت و آزادی شـان را در قبـال چوکـی فروختنـد!

ولی ملا عمر چوکی اش را فدای دینش نمود!

بخاطـر حفـظ عـزت، آزادی، تمـام قـدرت ومنصبـش را قربانـی کـرد!

الله جل جلاله بیامرزدش!

زخمی زخمی پروان

در موضوع هشت ثور می نویسد:

۸ ثـور روزی اسـت کـه روس هـای متجـاوز از خـاک پاک افغانسـتان اخراج شـدند اما مدعیـان دروغین جهاد با دنیای غـرب بـه سـر پرسـتی امریـکا معامله کـرده و معنـی و مفهوم ایـن روز مقـدس را از بیـن بردند.

امید هراتی

در موضوع جنایات اداره اجیر کابل می نویسد:

ای ملت به خواب رفته چه وقت بیدار میشوید؟!

همـه روزه جنایـت، تعدی، تجـاوز، بیدینی، ظلـم و بیعدالتی، فسـاد، فقر و نابسـامانی های روز افزون!!!!!

> کفار کشور تان را اشغال نمودند!

> قرآن تان را در بگرام به آتش کشیدند!
> دین را تمسخر نمودند!
> جوانان تان را روزانه یا با درون میکشند، یا در میله های زندان میبندند یا با خود کافر میسازند!
> خواهران و مادران تان را روزانه بی عفت، بیعزت، بی حیا و بی حجاب مینماید !
> اطفال تان را با برنامه های اغواگر و مکارانه رسانه ای خود شیطان پرست و شهوت پرست تربیه میکنند!
> محافل خوشی و غم تان را با خاک و خون یکسان میکنند !
> و حتی جنازه های تان را بمباران کردند!
و از همه دار و ندار تان علیه خودتان کار گرفتند!
ولی شما تا حال هم در خوابید !!!
....> آخر چوقت بیدار میشوید؟؟؟
> چوقت بیدار میشوید تا از دین، جان، مال، ناموس، عزت، و وطن و برادران و خواهران مظلوم تان دفاع کنید؟؟!!
حسبنا الله ونعم الوکیل.

قاضی عبید امارتی

در ارتباط نام علمیات بهاری امسال به عملیات منصوری می نویسد:
اعلان عملیات بهاری بنام «عملیات منصوری» در هشتم ثور که مطابق با روز پیروزی ملت مجاهد پرور افغانستان بر علیه شوروی سابق میباشد ، از بینش سیاسی و دیپلوماسی قوی امارت اسلامی نمایندگی میکند.

زبیر نظامی

به ارتباط موضوع «ای ملت بیدار شوید» می نویسد:
ای ملت خواب برده بیدار شوید تا بکی درخواب غفلت بسر میبرید اشغالگران جنایتکار بم های مدرن خودرا در کشور خود میسازند ولی به بهانه گوناگون بر سر ما مسلمین میریزند بر خیزید برای جهاد آمده شوید در



صف فرزندان راستین و مدافعین واقعی دین اسلام نمایان شوید تا آمریکا را مانند روسیه روی سیاه از کشور خود بیرون کنیم.

ادریس عبدالله

راجع به موضوع فرق ملاهای درباری با علمای حقانی در افغانستان می نویسد:
علماء سوء در تجمعات خود در کابل و جاهای دیگر به مقابل چند پول ناچیز چهره های منفور خود را به نمایش می گذارند.
آیا تجاوز وحشیانه‌ای کفار و اجیران را بالای ملت مظلوم افغانستان نمیبینند؟
آیا صدای دختران و زنان اسیر در زندانها وحشی کفار و اجیران را نمیشنوند؟
آیا استهزاء و تمسخر کفار، دموکرات‌ها، کمونیستها، و دهریان افغانی و خارجی را نمیبینند؟
آیا تجاوز کفار و دشمنان را بالای زنان، دختران، خواهران، مادران مسلمه و محجبه نمیبینند؟
آیا ظلم کفار و نوکران را بالای مسلمانان نمیبینند؟
آیا بمبارد های کورکورانهٔ وحشیان عصر را نمیبینند؟
آیا واقعا اینها کور و کراند که نه میبینند و نه میشنوند؟
نه خود جهاد و قتال میکنند و نه دیگران را میگذارند ؟
مجاهد را تروریست مینامند و جهاد را جنگ مینامند!
إسلامیت و دیانت را عقب گرایی و افراطی نام گذاری میکنند !
حسبناالله ونعم الوکیل.



سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم (قسمت۱۰)

تالیف: جنرال شیث خطاب

مترجم: راشد شهامت

۲ ـ سازماندهی نوین.
رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) در راه نفوذ از مدینه منوره تا بدر سازماندهی ای را به کار بست که با سازماندهی عملیات صحرایی عصری امروز هیچ تفاوتی ندارد.
لشکرآن حضرت صلی الله علیه وسلم متشکل از مقدمه ، ساقه و عقبدار بود و برای دستیابی به اطلاعات لازم از گزمه ها وگشتیهای شناسایی استفاده می کرد. این روش واسلوبها امروزه نیز در شمار درست ترین سازماندهیها برای حرکت در صحراست .
در جنگ بدر مسلمانان با شیوه صف می جنگیدند در حالی که جنگ مشرکان به شیوه جنگ و گریز بود. در اینجا لازم است ، برای شناخت مهم ترین عامل پیروزی مسلمانان ، تفاوت این دو شیوه را بیان کنیم .
شیوه جنگ و گریز چنین است که پیکار گران ومبارزین اعم از تیراندازان ، شمشیرزنان و نیزه داران ، پیادگان و سواره ها، یکباره و با تمام قدرت به دشمن حمله می کنند. اگر دشمن در مقابل تهاجم آنها از خودش پایداری نشان دهد یا خود احساس ضعف کنند، عقب می نشینند و پس از تجدید سازمان ، دوباره حمله می کنند و آنقدر کار حمله و عقب نشینی را ادامه می دهند تا به پیروزی برسند یا شکست بخورند.
اما جنگ به روش وشیوه صف چنین است که پیکارگران ومبارزین با توجه به تعدادشان در دو یا سه صف و یا بیشتر سازماندهی وتشکیل می شوند. به منظور جلوگیری از تهاجم سواران دشمن ، صف اول از نیزه داران تشکیل می گردد و به منظور جلوگیری از تهاجم دیگر نیروهای دشمن ، تیراندازان در صفهای بعدی قرار می گیرند.
همه صفها تحت فرمان فرمانده خود در جایگاههای خود ثابت می مانند تا اینکه از شدت جنگ و گریز دشمن کاسته شود... پس از آن ، صفها یکی پس از دیگری پیشروی سوی دشمن را آغاز می کنند.

از گفتار فوق روشن می شود که شیوه صف نسبت به شیوه جنگ و گریز پیشرفته تر بود. به این ترتیب که نیروها را در عمق سازمان وتشکیل می داد و فرمانده همیشه یک نیروی احتیاطی در اختیار داشت که در موارد پیش بینی نشده ، مثل جلوگیری از تهاجم دشمن ، اجرای کمین و پشتیبانی از جناحهایی که از سوی سواران و پیادگان دشمن تهدید می شد وارد عمل می کرد؛ و در هنگام مقتضی برای دستیابی به پیروزی از صفهای احتیاطی بجای مانده بهره می جست .

روش وشیوه صف به فرمانده اجازه می داد که نیروها را بطور کامل کنترل کند و نیروی احتیاطی نیز در اختیار داشته باشد. این روش و شیوه برای تهاجم و دفاع بطور همزمان کاربرد داشت . در حالی که در شیوه جنگ و گریز فرمانده بر نیروهای زیر فرمان خود تسلط کامل نداشت و برای حوادث پیش بینی نشده نیروی احتیاطی در اختیار او نبود.

به کار بستن روش و شیوه صف در جنگ بدر به وسیله رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ، یکی از مهم ترین عوامل پیروزی مسلمانان بود. تاریخ نظامی حاکی از آن است که سرّ پیروزی فرماندهان نظامی بزرگ گذشته مانند اسکندر و آنیبال و فرماندهان معاصر مانند ناپلئون ، مولتکه ، رومل و رونشتد این بود که در جنگ از شیوه ها و سلاحهای ناشناخته استفاده می کردند.

پیش از آغاز جنگ، رسول الله(صلی الله علیه وسلم) از نیروهایش دید و هنگامی که متوجه شد فشردگی صفوف موجب زحمت افراد گشته است ، خود ایشان صفها را تنظیم فرمودند.

پس از آن برای نیروها سخنرانی و آنان را به جهاد تشویق وتحریض کرد و فرمان داد که در هنگام تهاجم دشمن صفوف خود را حفظ و در جای خود استوار بمانند و تیرهایشان را به سینه دشمن نشانه بگیرند. همچنین فرمان داد، جز با اشاره آن حضرت صلی الله علیه وسلم دست به تهاجم وحمله نزنند. هنگامی که سران قریش به خاک افتادند و از شدت تهاجم دشمن کاسته شد، به مسلمانان فرمان پیشروی داد و پس از آنکه مشرکان رو به هزیمت وشکست نهادند فرمان تعقیب آنان را صادر فرمود.

رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) در هنگام دفاع ، تهاجم و تعقیب چنان بر صفوف سپاه مسلّط بود که هیچ یک از مبارزین جز به فرمان او گام پیش ننهاد و هیچ گونه اقدام جنگی بدون اجازه آن حضرت صورت نگرفت .

به این ترتیب ـ همچون شیوه های نوین جنگی عصر ما ـ تسلط بر نیروهای خویش را تاءمین کرد و تدارک لازم را دید. خلاصه آنکه رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) در جنگ بدر شیوه نوین وجدیدی را به کار بست و در نتیجه به پیروزی رسید.

۳ ـ ایمان استوار:

پاسخ مهاجران و انصار را در هنگام مشورت با رسول خدا(صلی الله علیه وسلم) درباره جنگ با مشرکان دیدیم . با آنکه مسلمانان می دانستند قریش از نظر نیرو و تجهیزات بر آنها برتری دارند و شمار نیروهایشان سه برابر آنهاست تا آخرین لحظه پایداری کردند. با وجودی که کاروان قریش از چنگ آنها گریخته بود؛ و هیچ گونه انگیزه مادی نداشتند عازم جنگ گردیدند.

مسلمانان هدفهای مشخصی را دنبال می کردند که نسبت به آنها معرفت و ایمان داشتند. هدف آنها کسب آزادی کامل در راستای تبلیغ و حمایت از اسلام و اعلاء کلمۀ الله بود.

این در حالی بود که قریش ، بر طبق اظهارات یکی از رهبرانشان یعنی ابوجهل جز اینکه شتر بکشند، غذا بخورند، شراب بنوشند، آوازه خوانها برایشان برقصند و اعراب آوازه آنان را بشنوند و برای همیشه از آنان حساب ببرند، انگیزه دیگری نداشتند.

اما آیا می شود نام اینها را هدف گذاشت ؟ آیا اینها چیزی جز نابخردی ، غرور و عصبیت جاهلی است ؟

در این جنگ پدران رویاروی فرزندان و برادران رو در روی یکدیگر قرار گرفتند و اختلافهای اصولی و اعتقادی خود را با شمشیر حل کردند. برای نمونه ،حضرت ابوبکر(رضی الله عنه) در لشکراسلام و پسرش یعنی عبدالرحمن همراه مشرکان بود. عتبۀ بن ربیعه با قریش بود و فرزندش ، ابو حذیفه(رضی الله عنه) در جبهه اسلامی می جنگید.

هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم، درباره سرنوشت اسیران با حضرت عمر(رضی الله عنه) مشورت کرد، او چنین گفت : (دوست دارم که فلان کس ـ یکی از نزدیکانش ـ را به من بدهی تا گردن بزنم و عقیل را به علی (کرم الله وجهه) بسپری تا گردن بزند و فلان برادر حمزه را به وی بدهی تا گردن بزند، تا خداوند بداند که ذره ای از محبت این مشرکان را در دل نداریم ؛ و اینان پهلوانان ، پیشوایان و رهبران آنها هستند.

آیا انگیزه چنین گفتاری چیزی بجز استواری اعتقاد و عظمت ایمان بود؟ آیا افراد بی اعتقاد، و کسانی که جز



خواسته های جاهلی ، خودخواهی و جاه طلبی در دلشان نیست ، می توانند همانند این افراد دارای یقین ثابت و اعتقاد استوار بجنگند؟

۴ ـ روحیه عالی

رسـول الله(صلی الله علیه وسلم) پـیـش از جـنـگ و در اثنای نبرد به یارانش جُرئت بخشید و عزم و اراده آنها را اسـتـوار سـاخت ، تا به برتری شمار و تجهیزات قریش اعتناء نکنند. روحیه عالی تنها منحصر بـه بـزرگـسـالان و مبارزین نبود، بلکه کودکان جنگ ندیده و پیکار نکرده نیز از روحیه ای عالی برخوردار بودند.

عـبـدالرحمن بن عوف (رضی الله عنه)می گوید: (در جنگ بدر به صف ایستاده بودم که متوجه شدم در چپ و راست من دو جوان کم سن و سال قرار دارند. گویی از حضور آنان در کنار خودم احساس ناامنی می کردم . نـاگـهـان یـکـی از آنـان دور از چـشـم دوسـتـش بـه مـن گـفـت : (ای کاکا! ابـو جـهـل را بـه مـن نـشـان بـده .) گـفتم : (می خواهی با او چه کنی ؟) گفت : (با خدا عهد کرده ام که اگـر او را ببینم [با او بجنگم و در این راه] یا او را بکشم یا خود کشته شوم . جوان دیگر نیز دور از چـشـم هـمـراه خـود سـخـن او را تـکـرار کـرد. آنـگـاه مـن ابوجهل را به آن دو نشان دادم و آن دو مانند دو باز شکاری به او حمله کردند و او را کشتند.) این دو قهرمان خود نیز در جنگ بدر شهید شدند. آنان عَوف و مُعَوّذ، فرزندان حارث خزرجی انصاری بودند و مادرشان عفراء نام داشت .

هنگامی که روحیه نوجوانها چنین عالی باشد، روحیه مردان چگونه است ؟

جـنگها در همه روزگاران تاریخ ثابت کرده است که تا هنگامی که رزمندگان از روحیه بالایی بـرخـوردار نـبـاشـنـد، تـنـهـا تـجـهـیز خوب و سازماندهی منظم و نیروی انسانی فراوان برای دستیابی به پیروزی کافی نیست .

سـربـازان ایتالیایی در جنگ جهانی دوم از سازماندهی و تسلیحات ممتازی برخوردار بودند و شـمار آنها نیز بسیار بود. اما هیچ کدام اینها سودمند نیفتاد زیرا که روحیه ها شکست خورده بود. از ایـنـرو در جـنـگ مـشـتـرک بـا آلمـانـهـا سـر بار آنان بودند. بطوری که متفقین هرجایی را که سـربـازان ایـتـالـیـایـی حـضـور داشـتـنـد، از نـظـر نـظـامـی بی اهـمـیـت و غـیـر قابل اعتناء تلقی می کردند.

از مـهـم تـریـن دلایـل پـیروزی مسلمانان در جنگ سرنوشت ساز بدر، مجهز بودن آنان به روحیه بالا بود.

جـنـگ بـدر، نبرد سرنوشت ساز میان دو عقیده بود و در پی آن ، اعتقادی که شایستگی جاودانگی را داشت بر اعتقادی که سزاوار نیستی و نابودی بود پیروز گشت.

ادامه دارد ...



قاری اسحاق موحد

مدو جذرهای اختلافات مسئولین ادارهٔ ع و غ

در آخرین سالهای حکومت کرزی فعالیت های مجاهدین سیر صعودی خود را می پیمود و هر روز دامنهٔ فتوحات از قریه ها به ولسوالی و مسافت های نزدیک ولایات می رسید. کشته شدن ده ها فرد بلند پایهٔ دولتی، کشته شدن و اسارت صد ها فرد نظامی، از دست دادن صدها وسایط نقلیه و از دست دادن هزاران میل اسلحه و ضمنا فرار عساکر مزدور از صف اردو و پولیس. چیزیکه متولیان اصلی ادارهٔ کابل را بیشتر از متولیان فرعی و درجه دوم آن وارخطا و پریشان ساخته بود.

بعد از این همه رویداد ها غربی ها بر آن دیدند تا ضمن اجرائ پروسهٔ جعلی و بی معنای انتخابات دامنهٔ اختلافات قومی و زبانی را گسترش دهند، و اجرای این کار در روی کار آوردن دو سر در بدنهٔ حکومت خیلی سهل و آسان به نظر می رسید، همان بود که دو نفر به اسم عبدالله و اشرف غنی را با جعل کاری و تقلب به زعم اینکه هر دو رای مساوی گرفته اند، روی کار آوردند و بر چشم ملت مظلوم، ستمدیده و در عین حال غافل خاک پاشیدند.

اگر چند اختلافات قومی و زبانی در زمان حکومت کرزی به شد ومد خود موجود بود و هر روز گسترده تر میشد و حتی قصدا به خاطر ایجاد چنین فضا پلان سازی و کار می شد، طوریکه اختلافات و جنگ و جدل ها روی نام های پوهنتون ها میان محصلین رخ داد و در جریان این عمل شنیع ده ها محصل کشته وزخمی شدند و ضمنا ماه ها محصلین از درس و تعلیم محروم بودند، (چیزیکه غربی ها برای ما میخواهند). این جنجال ها در حلقهٔ محصلین باقی نماند، بلکه به پارلمان، خانهٔ ملت (به زعم متولیان رژیم مزدور) هم تاثیر خویش را افگند و وکلاء انتصابی هم به خاطر این مسائل به سر و پوز یکدیگر کوبیدند و چپلک ها و بوتل ها نثار یکدیگر کردند.

روی هم رفته اختلافات قومی و زبانی میان ملت ها به نفع حکومت ها بوده و رژیم های استبدادی در هر جای دست به چنین اعمال شنیع می زنند، تا ملت با هم

بجنگـد و مسـتبدین آرام زندگـی کرده و به عیش و عشـرت بپردازنـد. امـا ایـن عمـل در کشـور مغصوبۀ افغـان چاه کن را بـه چـاه انداخـت و این بـلا دامنگیـر متولیـان فرعی رژیم و دزدان حرفـه ای گردیـد. چـه بسـا کـه دزدان به هـم افتند و صاحـب مـال گریزد.

بـا سـر کار شـدن ادارۀ ع و غ بـه وسـاطت شـیطان بـزرگ (جـان کیـری)، آنهـم کـه بـا مشـکل پـس از انجمـاد و یخ زدگـی بـه فعالیت آغـاز کرد، اختلافـات میان متولیـان امور اوج گرفـت، و رقابـت میـان ریاسـت اجرائیه تحـت رهبری عبـدالله و رئیس جمهور تحت ادارۀ اشـرف غنی شـروع شـد. چیزیکـه منجـر بـه از دسـت دادن وظایـف اکثریـت افـراد گماشـته شـده در رده هـای بـالای حکومـت بودنـد، شـد. و ایـن کار باعـث رکـود اداره گردیـد و هماننـد موتـر کهنه و مخروبـه نـه از حرکـت بـاز ماند و نه درسـت حرکـت کرده میتوانسـت، بلکـه لنـگان لنـگان رو بـه پیـش بـا یـک عالم خطـر در حرکت اسـت.

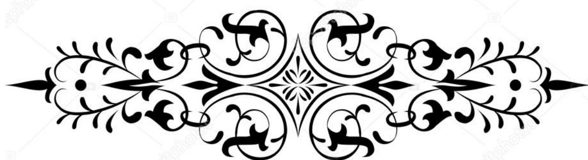
اختلافـات ناشـی از تشـکیل دو ادارۀ مـوازی در یـک حکومـت ضعیف باعـث آبرو رفتن ایشـچی شـد، موضوعی کـه روزهـا رسـانه های جهانـی بـالای ان تبصره مـی کردند. ایـن نه تنها ایشـچی بـود که آبـرو و عزتش پایمـال و طعمۀ شـهوت جوشـان دوسـتم شـد، بلکه دوسـتم هـم رسـوا تر از پیـش گردیـد و وظیفـه خود را از دسـت، وظیفۀ کـه قبلا هم در آن صلاحیـت نداشـت، و تنها اشـرف غنـی همانند کرزی از ایـن لوگـوی بـی معنا به خاطـر گرفتن رای اسـتفاده کرد، و همچـون دسـتمال یکبـار مصـرف پـس از گرفتـن آراء طرفدارانـش بـه زبالـه پرت شـد، آن هـم زبالۀ ع و غ، شـرم آور تـر اینکـه حبـس خانگـی و برطرفـی و سـلب صلاحیت ایـن جنـرال هفده سـتاره؟! توسـط خانـم اول کشـور بی بی گل اعلان شـد.

اختلافـات و جنجـال بـر سـر قضیـۀ ایشـچی بـر عطـاء نور سـایه افگنـد، و فشـارهای اشـرف غنـی بـر عطا نـور باعث شـد تـا وی بـه کابـل آمده و به اشـرف غنـی کرنـش نماید، و پـس از چانـه زنـی هـا (به زعـم خود عطـا نور) دوبـاره به حیث والـی بلـخ بـر گـردد، بر گشـتی کـه پتـک کار دبل عبـدالله را به همراه داشـت، پتک کاری های کـه دبل عبدالله آنـرا نادیـده گرفـت و زعم نمود کـه از این ضربـه های هیچ صدمـۀ ندیـده ام و هیـچ تاثیری بالایم نداشـته اسـت، زعمی کـه درد درونـی را بـه دنبـال داشـت، دردی که منجـر به بر کنـاری احمـد ضیـاء مسـعود گردیـد و ادویه هـای هندی و ایرانـی آن را مرهم نبخشـید.

ایـن ها چیزهای اسـت که عـام و خاص از آن اطـلاع دارند، ولـی زد و بنـد هـای ازیـن بزرگتـر میـان ایـن دو تیـم بـه قـوت خـود ادامه دارد و هـر دو تیم در تلاش حـذف فیزیکی یکدیگـر (اگـر ممکـن باشـد) هسـتند، چیزیکه امریـکا مانع واقع اسـت و هـر آن از اجرای چنین کارهـای جلوگیری می کنـد. زیرا امریـکا نتائج ایـن کار را در سیاسـت های روس در مقابـل مـزدوران خـود در زمان اشـغال شـوروی ملاحظه کـرده و مـی خواهد خطاهـای مرتکبۀ آنهـا را مرتکب نگردد. ولـی اگـر وقـت میسـر بـود ایـن غلامـان و بنـدگان دالر و یـورو هیچ رحمـی بـه یکدیگر نخواهنـد کرد.

ایـن همـه اختلافـات در درون رژیـم مـزدور زمانـی افزوده میشـود، کـه امریـکا تلویحـا و (خیلـی کـم) تصریحـا از شکسـت خـود در مقابـل طالبـان سـخن می گویـد، و تلاش دارد تـا با پوشـانیدن شکسـت خـود کاری کند کـه هم پای خود را از افغانسـتان (ظاهرا) بکشـد و هم یک نظام وابسـته و دسـت و پـای گیر ایجـاد گردد. امـا از آنجایکه دیده شـده تـا اکنـون طالبان هیچ چراغ سـبزی به خاطـر ایجاد حکومت وسـیع البنیـان و مطابـق خواسـت امریکا نشـان نـداده اند و دایمـا تصریحـات شـان (واضحـا و صریحا) این بـوده که ما خواهـان تشـکیل یـک دولـت اسـلامی هسـتیم، دولتـی که قـرآن و حدیث قانون آن باشـد و از تطبیـق قوانین و فرامین خـود سـاختۀ بشـر بیـزار بودیـم، هسـتیم و مـی باشـیم و تا بـر پایـی چنیـن نظامی به جهاد و مبـارزۀ خویـش ادامه می دهیـم، ولـو کـه تمام مـان دریـن راه کشـته شـده و از میان برویم.

ایـن تصریحـات طالبـان منجر بـه این شـده تا ملـت افغان بـه شـکل اکثریـت حمایـت خویـش را از آنهـا اعـلان کند، و گـروه گـروه بـه صـف آن بپیوندنـد و ضمنا مسـلمانان در سراسـر جهـان حمایـت خویـش را از آن اعـلان کننـد و بـه خاطـر کامیابـی و پیروزی آن دسـت بـه دعا شـوند. چیزیکه بیشـتر از همـه غربی هـا و مزدورانش را رنـج میدهد و لیکن چیـزی از دسـت شـان سـاخته نیسـت. **والله غالـب علی امـره و لکـن اکثر النـاس لا یعلمـون.**





اقتصاد و بانکداری اسلامی (۱۲)

دوکتور محمد یاسر

در بخش گذشته بحث ما در مورد وسایل مورد استفاده توسط اداره‌ء دارایی ها به پایان رسید و در این بخش سعی می کنیم تا درباره‌ء یک اداره‌ء مهم دیگر بانک که نقش کلیدی در اداره‌ء بانک، تولید منافع، و اداره و کنترول خزانه بانک دارد صحبت کنیم.

چنانچه در ابتدای بحث در مورد بانک های اسلامی یاد آوری شد، اداره‌ء خزانه و یا Treasury از مهمترین بخش های بانک می باشد. وظیفه‌ء اساسی این بخش بخصوص در بانک های اسلامی تنظیم و ترتیب خزانه است طوریکه پول های جمع آوری شده بر اساس مضاربه، مشارکه و یا وکاله چنانچه ذکر شد طوری اداره گردد که نه تنها نیازمندی های بانک را در بخش دارایی و تجارت بر آورده سازد بلکه نیازمندی های آن را در صورت تقاضای پرداخت کنندگان نیز در نظر گیرد که در صورت تقاضای اخراج پول توسط پرداخت کنندگان مضاربه و یا مشارکه بانک آنقدر نقد در خزانه داشته باشد که این چنین تقاضاها را که به شکل روزانه و بدون تخمین قبلی صورت میگیرد حل کند. در پهلوی آن وظیفه‌ء دیگر این بانک اینست که نگذارد خزانه با کمی و یا زیادی مواجه شود که در هر دو صورت بانک و پرداخت کنندگان متضرر خواهند شد. در صورت کمی خزانه تقاضا کنندگان در وقت مناسب آن پول بدست نخواهند آورد و در صورت افزایش پول در خزانه بدون اینکه سهمی در تجارت و امور بانکی داشته باشد بار دوش مضاربه و یا مشارکه خواهد بود که در نتیجه منافع پول های استفاده شده را نیز کاهش خواهد داد. بطور مثال اگر یک بانک ۱۰۰ هزار درهم در خزانه دارد و از آنجمله توانسته است ۷۰ هزار درهم آنرا در تجارت و سرمایه گزاری وغیره استفاده کند و در مقابل آن حد اوسط ۱۰فی صد منافع بدست بیاورد، این منافع در آخر ماه نسبت باقی ماندن ۳۰ هزار درهم بدون استفاده در خزانه به ۸ فی صد مثلا تنازل می کند، زیرا بانک مکلف است تا همه‌ء پرداخت کنندگان را نفع دهد و در اینصورت منافع پول استفاده شده بالای پول استفاده ناشده نیز توزیع می گردد. بخش خزانه برای رفع این مشکل همیشه پیش بین بوده و برنامه روی دست می داشته باشد. در صورت کمی و کاستی ضروریات و تقاضاهای بانک بطور عاجل با بانک های دیگر در تماس میشود و پول مورد ضرورت را بر اساس مضاربه و یا مشارکه برای مدت محدودی که پیشبینی گردیده است بدست می آورد. همچنان در صورت افزایش پول در خزانه با بانک های دیگر و یا ادارات مالی دیگر در تماس شده و پول زائد از ضرورت بانک را بر اساس مضاربه، مشارکه و یا وکاله برای بانک های دیگر می پردازد و به این شکل از اینکه پول زائد باعث کاهش منافع گردد جلوگیری می کند بلکه این پول خود در کار می افتد و مقداری نفع بدست می آورد.

علاوه بر این، وظیفه این بخش تهیه و آماده ساختن پول خارجی برای رفع نیازمندی های بانک است. مثلا اگر بانک میخواهد در بدل اموال وارداتی پول خارجی به بانک خارجی بپردازد این وظیفه و مسئولیت بخش خزانه است تا این پول را از بازار خریداری کرده و در دسترس بانک قرار دهد. ظاهرا این کار ساده به نظر می رسد اما بسا اوقات بانک ها نمیتوانند نسبت نیازمندی بزرگی که برای اسعار خارجی می داشته باشند آنرا در مدت مورد نیاز بدست بیاورند، زیرا ادارهء خزانه باید برنامه یی برای حل این چنین رویدادها روی دست داشته باشد. در پهلوی آن بخش خزانه پول های زائد در خزانه را در خرید و فروش اسعار خارجی نیز مصروف می سازد. در این صورت بانک ضرورت به اسعار خارجی نمیداشته باشد بلکه بخش خزانه بخاطر جلوگیری از باقیماندن پول اضافه در خزانه آنرا در خرید و فروش اسعار خارجی و بدست آوردن نفع از آن طریق مورد استفاده قرار می دهد. در بعضی کشورها، بخش خزانه پول های استفاده ناشده را در مرابحه اجناس که آنرا commodity Murabaha می نامند نیز استفاده می کند به شکلی که بانک اسلامی، بانک و یا ادارهء مالی دیگری را و در اغلب حالات بانک سودی دیگری را وکیل خود تعیین می کند تا اجناس معینی را از بازار خریداری کند، سپس بعد از آنکه آن اداره جنس را بدست می آورد، آنرا بر اساس مرابحه از بانک اسلامی خریداری می کند و خود آنرا در بازار به نرخ بالاتر به فروش می رساند. در این چنین معاملات ملیون ها دالر در خلال چند ساعت محدود در خرید و فروش این اجناس مورد استفاده قرار می گیرد و در اغلب اوقات نه بانک جنس را بدست می آورد و نه وکیل از جنس با خبر می باشد، بلکه این همه در روی اوراق صورت می گیرد و بانک ها منافع زیادی بدست می آورند. این نوع مرابحه توسط بیشترین علما مورد انتقاد شدید و حتی تحریم قرار گرفته است، زیرا از یکسو پول جمع آوری شده بر اساس مضاربه و یا مشارکه و یا وسایل دیگر شرعی به بانک های غیر اسلامی سپرده میشود و از سوی دیگر خرید و فروش اموال بزرگ و به نرخ ملیون ها دالر در خلال ساعاتی چند صورت می گیرد که به دور از حقیقت می باشد و تنها این همه خرید و فروش و داد و ستد در روی کاغذ ثبت می گردد و بس. بسا اوقات در این چنین مرابحه ها، اجناس مورد خرید و فروش اصلا وجود نمی داشته باشد، نه فروشنده آنرا در دست می داشته باشد و نه ملکیت و قبض آن برای خریدار تحویل می گردد، اینهمه خرید و فروش و ملکیت و قبض همه برای مدت دو سه ساعتی در روی اوراق صورت میگیرد که در نتیجه ملیون ها دالر از یک بانک به بانک و یا ادارهء مالی دیگر انتقال می یابد و در بدل آن بانک خریدار به صدها دالر در روز منافع بدست می آورد. به عنوان یکی از مسئولیت های مهم دیگر این بخش میتوان به وعده خرید و فروش اسعار خارجی نیز اشاره کرد. عموما بانک ها برای اینکه با خطر خسارهء اسعار خارجی که باید از جانب آنان پرداخته شود و یا توقع می رود که بدست بیاید مواجه نشوند خرید و فروش مستقبلی که آن را Forward sale and purchase می نامند انجام می دهند طوریکه بانک مثلا بر اساس یک قرارداد وارداتی باید یکماه بعد مبلغ یک ملیون دالر پرداخت کند. امروز نرخ یک دالر مساوی با ۵ ریال است، بانک از اینکه مبادا فردا این نرخ افزایش یافته و باعث خساره بانک گردد، با بانک دیگر و یا ادارهء مالی دیگر عقد می کند که امروز یک ملیون دالر را در بدل ۵ ریال خریداری می کند اما تبادلهء حقیقی پول یکماه بعد صورت می گیرد. چون این روش از نگاه شرع صحیح نیست و در آن خرید و فروش اشیایی صورت می گیرد که در وقت فروش وجود ندارند و یا تبادلهء آنان صورت نمیگیرد لهذا بانک های اسلامی برای حل این مشکل بسوی وعده خرید و فروش رو می آورند، طوریکه بانک اسلامی در مثال بالا بجای اینکه با ادارهء مالی و یا بانک دیگر و یا حتی مشتریان خود خرید و فروش پول را برای مستقبل انجام دهد که تبادلهء حقیقی آن در تاریخ آینده صورت می گیرد، به جانب مقابل وعده می سپارد که در تاریخ آینده مبلغ یک ملیون دالر را به نرخ ۵ دالر از آن خریداری خواهد کرد. هرگاه تاریخ مذکور برسد، بانک بر اساس وعده خود این پول را از آن جهت خریداری می کند و تغییر نرخ اگرچه پائین و یا بالا رفته باشد بر نرخ وعده شده اثری نمی گذارد. این عملیه را در بانک های اسلامی بنام Forward FX promise یا وعدهء خریداری اسعار خارجی در آینده می نامند.

از صکوک نیز میتوان به عنوان یکی از ابزار کاری ادارهء خزانه بانک های اسلامی یاددهانی کرد. صکوک عبارت



از سهم هـای ثبت کرده شـده اسـت که به شـکل یک سـند و یـا گواهـی نامـه کـه نمایانگـر این میباشـد کـه حامل این سـند مالـک چندیـن سـهم و یـا صکـوک در اموالـی کـه در عقـب توزیـع صکـوک قـرار دارد ظاهـر مـی گـردد. بطـور مثـال: یک شـرکت هوایی کـه دارای ۲۵ فرونـد هواپیماهای مختلـف النـوع اسـت، آنـان را قیمـت گـزاری کرده سـپس آنـرا به سـهم هـا توزیع مـی کنـد. مثـلا قیمـت هواپیماها به ۱۰۰ ملیـون درهـم می رسـد. شـرکت میخواهد بطـور مثال ۱۰۰۰ صـک و یـا سـند توزیـع کنـد. پـس در ایـن صورت قیمـت هـر صـک صـد هـزار درهـم میشـود. وقتی شـرکت آنـرا بـه صکـوک توزیـع مـی کنـد در حقیقـت هـر سـند نمایانگـر یـک سـهم در شـرکت میباشـد که قیمـت آن صد هـزار درهـم اسـت. اکنـون ایـن اداره میتواند که سـهم های خـودرا بـه شـکل این سـندها به فروش برسـاند. هر شـخصی کـه یـک سـند را بدسـت مـی آورد در حقیقت یک سـهم از مجمـوع ۱۰۰۰ سـهم در شـرکت را تصاحـب کرده اسـت و اگـر شـرکت در آخـر سـال نفـع و یـا نقصانـی بدسـت مـی آورد ایـن شـخص بـه مقـدار سـهم خویـش در منافـع و یـا نقصان آن شـریک اسـت.

صکـوک را میتـوان بر اسـاس اجاره، مرابحه، مشـارکه وغیره وسـایلی کـه در بخش های گذشـته مورد بحث قـرار گرفت شـکل داد. مثـلا میتـوان صکـوک را بـر اسـاس مشـارکه توزیـع کـرد، بـه ایـن معنـا کـه خریـدار سـهمی از صکوک در شـرکت، به تناسـب آن سـهم شـریک شـرکت می باشد و در نفـع و نقصـان آن شـریک اسـت. و اگـر بخواهیـم آنرا بر اسـاس اجاره شـکل دهیم میشـود کـه بعد از اصـدار صکوک فـرد خریـدار این سـهم خودرا به شـرکت و یا جهـت دیگری بـه کرایه دهـد و ماهانـه کرایهء معینی را بدسـت بیـاورد. به همیـن شـکل آنرا میتـوان بر اسـاس مرابحـه صادر کـرد که در آن صـورت خریـدار میتوانـد آنـرا بـر اسـاس مرابحـه با تأجیـل پـول با نـرخ بالاتر بـه فروش برسـاند.

مگـر بایـد در نظـر داشـت کـه در صورتـی که صکـوک بر اسـاس مرابحـه و یـا سـلم توزیـع گـردد مالـک آن نمیتواند آنـرا در بـازار بـه نـرخ بیشـتر و یـا کمتـر از نـرخ اصلی آن بـه فـروش رسـاند. به ایـن معنـا کـه وی نمیتوانـد صکوک هـزار درهمـی را در بـازار به یکهـزار و صد درهـم و یا کمتر از هـزار درهـم بـه فروش برسـاند، زیـرا اکنـون وی ملکیت خـودرا بـر اسـاس مرابحـه به فـروش رسـانیده اسـت و پول وی بـالای خریـدار قرض اسـت و قـرض را نمیتـوان به نرخ بالاتـر و یـا کمتـر از آن خریـد و فـروش کـرد، بـر خـلاف مشـارکه و اجـاره کـه سـند و یـا صکـوک آنـرا میتـوان بـه نرخـی که میـان طرفین اتفاق صـورت گیرد خریـد و فروش کرد.

بخـش خزانـهء بانـک هـای اسـلامی در صـورت موجودیت پـول اضافـی در خزانه، صکوک مشـارکه و یا اجـاره را برای مـدت کوتاهـی خریـداری کـرده سـپس وقـت نیاز بـه پول آنـرا دوبـاره بـه فروش مـی رسـانند و فایده خـودرا از طریق منافـع در مشـارکه و یـا کرایهء اجاره بدسـت مـی آورد.

صکـوک یکـی از ابزار مورد اسـتفاده بـرای سـرمایه گزاری توسـط بخـش دارایـی نیز می باشـد.

ادامه دارد ....





زندگان جاوید (۲)

تهیه کننده: حبیبی سمنگانی

اشاره: لله الحمد ، برای آشنای با شخصیت شهداء گمنام امارت اسلامی افغانستان اینک بخش دوم « زندگان جاوید » در خدمت خوانندگان مجلهء حقیقت قرار می گیرد ، (ضمن ذکر سوانح چند شهید از سمنگان) این بار با سوانح چند تن شهداء گلگون کفن ولایت تاریخی « بلخ » که در راستای مبارزه و مقاومت بر ضد صلیبیان متجاوز و نیروهای مزدور آنان جان های شیرین خود را نثار نمودند آشنا می شویم ، از محترم ابو اسامه منصور صاحب « والی اسبق ولایت جوزجان و سمنگان و مسئول کنونی قطعهء نظامی ولایت بلخ » سپاسگذاریم که جزئیات سوانح شهداء را با کمال شفقت مهیا ساختند ، خدا کند این معرفتِ سیرتِ مردان راه خدا معنویات ما را فزون تر بسازد .

شهید داملاغیاث الدین (رحمه الله):

شهید داملا غیاث الدین مشهور به بابه ملنگ فرزند محمد عوض باشندهء نیگک ولسوالی درهء صوف در یک خانوادهء دیندار دیده به جهان رنگ و بو گشود ، شهید داملا غیاث الدین روند تعلیمات دینی اش را تقریبا به تکمیل رسانیده بود که احساسات پاک ایمانی اش وی را وادار ساخت تا برای رهای خاک و مردم میهن از چنگال سفاکان عصر وارد کارزار نبرد شود ، شهید نامبرده آرزو داشت تا نیروهای اشغالگر صلیبی و مزدوران آنان را از پا درآورده قوانین قرآنی را در سراسر کشور حاکم بسازد ، شهید داملا غیاث الدین تقبله الله در سال ۱۳۸۸ ه ش برای رسیدن به این هدف والای خود در ولسوالی چهاردرهء ولایت قندوز با مجاهدین یکجا شد و قهرمانی های زیادی را در کم ترین مدت به نمایش گذاشت ، سپس شهید نامبرده بناء بر خواست مسئولین جهادی آن ولایت برای مدت ۸ ماه به عنوان دلگی مشر وظیفه انجام داد و بالاخره این شیر مرد اسلام به تاریخ ۴ رمضان سال ۱۳۸۹ ه ش در یک بمباران بزدلانه طیارات ناتو در ولایت قندوز به نعمت پر افتخار شهادت نائل گردید .

شهید مولوی محمد ابراهیم حنفی (تقبله الله)

شهید داملا محمد ابراهیم حنفی فرزند خلیفه محمد ظاهر پیش از پیوستن به صف مقدس جهاد برای مدت تقریباً ده سال در مدارس مختلف دینی مصروف آموزش های علوم و فنون دینی بود و سپس مصدر خدمات دینی برای



جامعـه گردیـد ، امـا شـهید داملا محمـد ابراهیـم حنفـی به زودی درک نمـود کـه تنها از طریق محراب مسجد و مسند تدریـس نمی تـوان دردهـای ملت مسـلمان کشـور را مداوا نمـود و بایـد بـه مبـارزات مسـلحانه بر ضـد اشـغال ، الحاد و فسـاد پرداخـت ، لهذا شـهید نامبـرده از سـال ۱۳۸۸ ه ش در خدمـت مجاهدیـن قـرار گرفـت و تـا مـدت یکسـال به طـور پنهـان خدمـات چشـمگیری را انجام داد ، شـهید حنفی در سـال ۱۳۸۹ ه ش علنـاً سـلاح را کـه عـزت مسـلمان ها دران نهفتـه اسـت به دسـت گرفـت و دوشـا دوش مجاهدین امـارت اسـلامی افغانسـتان در ولسـوالی دره‌ء صـوف آغـاز بـه فعالیـت های جهـادی نمود ، شـهید داملا محمـد ابراهیم حنفـی (رحمـه الله) بـه تاریخ ۱۹ حوت همان سـال در سـن ۳۵ سـالگی در بمبـاران نیروهـای اشـغالگر به تاج درخشـان شـهادت سـرفراز گردید .

شهید ملاگل محمد حنفی (تقبله الله)

شـهید مـلا گل محمـد حنفـی فرزنـد نـور محمـد در قریـه مسـعود ولسـوالی دره صـوف ولایت سـمنگان دیـده به گیتی گشـود ، شـهید حنفی برای مدت ۷ سـال مصروف اکتسـاب علـوم دینـی در مـدارس مختلف کشـور بود ، سـپس شـهید نامبـرده بـرای مبارزه بـا صلیبـی هـای متجـاوز و نوکـران آنـان دسـت بـه جهـاد مسـلحانه زد و در ولایـت مردخیـز قنـدوز بـه دلگـی مولـوی صاحب سـیلاب پیوسـت ، شـهید مـلا گل محمـد حنفـی در ولایت قنـدوز در جنگهـای متعدد سـهم گرفـت و با شـهامت و مردانگـی زیادی نقـش بارز در پیـروزی هـای مجاهدیـن داشـت ، شـهید حنفـی (رحمـه الله) بالاخـره در اواخـر سـال ۱۳۸۸ ه ش در جریـان چاپـه شـب هنگام دشـمن به مقام سـعادت بخش شـهادت نائـل گردید .

شـهید ابوالمسـلم قـاری محمـد ناصـر (تقبلـه الله)

شـهید ابوالمسـلم قاری محمـد ناصر فرزنـد شـکرالله < باشـنده‌ء قریـه بیانـان ولسـوالی دره صـوف قبـل از ظهـور تحریـک اسـلامی طالبـان در دهـه‌ء نـود میـلادی مشـغول حفـظ قـرآن عظیـم الشـان در ولایـت سـمنگان بـود ، امـا شـهید نامبـرده نسـبت مشـکلات کـه پیـش رو آمد نتوانسـت حفـظ قـرآن را بـه پایـان برسـاند ، هـرگاه تحریـک اسـلامی طالبان وارد شـمال کشـور شـد شـهید قـاری صاحب شـهید نیـز شـامل کاروان مقـدس طالبـان شـد ، همسـنگران وی بارهـا شـجاعت و دلاوری فـوق العاده‌ء وی را در پیکارهـا مشـاهده نمودند ، شـهید قـاری صاحب در سـال ۱۳۹۴ ه ش مجدداً بـا مجاهدین امارت اسـلامی افغانسـتان در ولسـوالی دره‌ء صـوف یکجـا شـد تا بـرای رهـای خاک و مـردم وطن از پنجـه هـای خونیـن اسـتبداد و اسـتعمار مبارزه بکنـد و با اسـتفاده از تجربـه های نظامـی خود در مدت کوتاه توانسـت دشـمن مـزدور را بـا تلفـات سـنگین و شکسـت هـای پیهم دچـار سـازد ، شـهید قـاری محمـد ناصـر در ماه اسـد سـال ۱۳۹۵ ه ش در جریـان عملیـات بر یک پاسـگاه مهم دشـمن در حالـی کـه در یک نقطه حساس و اسـتراتیژیک مشـغول نبـرد بـود هـدف گلولـه قـرار گرفـت و به سـن ۴۰ سـالگی جـام شـهادت را نوش جـان نمود ، آن پاسـگاه از برکت خون شـهید قاری صاحـب (رحمه الله) در همـان روز فتح گردید و غنائـم زیـادی در اختیـار مجاهدیـن قـرار گرفـت .

شهید عبدالحمید نوری (تقبله الله)

شـهید عبدالحمیـد نـوری (رحمـه الله) فرزنـد عبدالمجیـد در قریـه زیدوری ولسـوالی دره‌ء صوف ولایت سـمنگان چشـم بـه جهـان گشـود ، ایـن شـیر مـرد تـا چند مـدت بـه صفت انصـار و همکار برای مجاهدین ولسـوالی دره صوف صمیمانه و صادقانـه خدمـت مـی کـرد ، شـهید نـوری دارای غیرت و شـهامت فوق العـاده بـود و از تجربه های زیـادی در جبهات پیشـین جهـادی نیز برخـوردار بـود ، هرگاه در سـال ۱۳۹۴ ه ش نیروهـای عملیاتـی رژیـم مـزدور و اربکی هـای کثیف بـر مجاهدیـن ولسـوالی دره صـوف هجـوم آوردنـد جذبات خروشـان ایمانـی شـهید نـوری دیگـر اجـازه نداد تـا وی در خانـه بنشـیند ، لهـذا خانـه را تـرک گفـت و برای مبـارزه با

سـفاکان عصر و مـزدوران شـیطان صفت آنـان وارد کارزار شـد ، شـهید عبدالحمیـد نوری (رحمـه الله) در جریـان همان نبـرد بـه تاریـخ ۱۲/۸/۱۳۹۴ ه ش بـه مقـام عالی شـهادت فایـز گردید .

شهید داملاامیرخان متقی (تقبله الله)

شـهید مـلا امیرخـان متقـی فرزنـد محمـد اسـماعیل در قریه بلوچ ولسـوالی درهء صـوف ولایت سـمنگان در یک دودمان متدین چشـم بـه جهان گشـود ، شـهید متقی تعلیمـات دینی خـود را در مـدارس مختلـف در داخـل و خـارج از کشـور فـرا گرفـت ، شـهید نامبـرده از آوان دورهء تعلـم شـوق فـراوان بـا جهاد داشـت و در کنار درسـهای خـود در ولایات مختلف شـمال کشـور دوشـادوش مجاهدین امارت اسـلامی افغانسـتان مصروف مبارزه بـا نیروهای اشـغالگر و مزدوران زر خریـد آنان بود ، شـهید متقـی خدمات زیـادی جهادی در ولایـت هـای فاریـاب ، بغلان ، قنـدوز و سـمنگان انجام داد ، وی دو بـار از سـوی مسـئولین ولایتـی سـمنگان بـه عنوان معاون مسـئول ولسـوالی درهء صوف انتخاب گردید ، شـهید متقـی رحمـه الله هـر دو بار همـه توانایی خود را در راسـتای پیشـرفت امـور نظامـی مجاهدیـن صـرف نمـود و سـاحات زیـادی ولسـوالی درهء صـوف را از لوث دشـمن پاکسـازی نمـود ، ایـن پیکـر صداقـت و شـجاعت بالاخـره در سـال ۱۳۹۴ه ش در جریـان گزمـه از سـوی یکـی از پهـره داران مجاهدیـن اشـتباهاً هدف قـرار گرفت و به شـهادت رسـید .

شهید قاری فضل حق مشهور به قاری سیف الله (تقبله الله)

شـهید قـاری فضـل حق مشـهور بـه قـاری سـیف الله (رحمه الله) پسـر مـلا عبدالحلیـم باشـندهء قریـه ای قوشـوم سـای ولسـوالی کشـنده ولایـت بلـخ در سـال ۱۳۶۳ ه ش دیده به عالـم هسـت و بـود گشـود ، وی از سـال ۱۳۷۹ ه ش در مـدارَس دینـی ولسـوالی هـای کشـنده و زاری ولایـت بلـخ بـرای حفـظ قـرآن عظیـم الشـان پرداخت ، سـپس در سـال ۱۳۸۳ ه ش بـرای تکمیـل حفـظ کلام الله و خوانـدن علـم تجوید عازم کشـور پاکسـتان شـد و در همان سـال در یکی از مـدارس دینـی شـهر کراچی سـند فراغت را بدسـت آورد ، شـهید قاری سـیف الله (رحمه الله) سـپس تا سـال ۱۳۸۵ ه ش در مـدارس مختلف شـهر کویتـه مشـغول فراگیری علوم و فنـون دینـی بـود ، وی در سـال ۱۳۸۶ ه ش بـرای اداء فریضـهء جهـاد بـه ولایت صلیـب شـکن هلمنـد سـفر نمود ، سـپس در ولایـات فاریـاب ، سـرپل و بلـخ نیـز در مقابـل صلیبـی هـای متجاوز و مـزدوران زر خرید آنان دوشـا دوش مجاهدیـن در جنگهـای مختلـف سـهم فعـال و بارز داشـت ، شـهید قـاری صاحـب (رحمـه الله) به عنـوان معاون مسـئول ولسـوالی کشـنده وظیفـه انجـام داد ، وی بالاخـره بتاریـخ ۲۸ جـوزا سـال ۱۳۹۰ ه ش در یـک عملیـات شـب هنـگام نیروهـای اشـغالگر بـه مقـام والای شـهادت نائـل گردید .

شهید ملانورالله مشهور به عباس (تقبله الله)

شـهید نـورالله مشـهور بـه عبـاس اکـه (رحمـه الله) فرزنـد عبدالعزیـز در سـال ۱۳۶۸ ه ش در قریـه ای شـوربلاق ولسـوالی چهارکنـت ولایـت بلـخ در یـک دودمـان متدیـن متولـد گردیـد ، وی آموزشـهای ابتـدای و شـماری از کتـب فنـون را در زادگاه اش نـزد علمـاء جیـد فرا گرفت ، سـپس چـون عشـق فراوان بـا علوم دینی داشـت سـفرعلمی خود را تـا بـا تحمل مشـقت های زیـادی در قریـه های هـم جوار و ولایت های بغلان و قندوز ادامه داد و به دورهء صغری رسـید ، سـپس وجیبـه ای جهادی وی را وادار سـاخت تا درسـها را تعطیـل نمـوده با صفـوف مجاهدیـن یکجا گـردد ، وی کمتر از یـک سـال در ولایـت قنـدوز مشـغول مبـارزه و مقاومت بـود و سـپس بـه ولایت بلـخ رفـت و دوشـا دوش مجاهدین آن ولایـت خدمـات جهادی انجام داد ، شـهید نـورالله (رحمه الله) جـوان صابـر ، صـادق ، دلیـر و دارای اخـلاق حمیده بود ، خوشـنودی پـروردگار والا تریـن هـدف و آرمـان وی بـود ، وی بالاخـره بتاریـخ ۲۸ جـوزا سـال ۱۳۹۰ ه ش یکجـا بـا هفـت تـن از همسـنگرانش در قریـه ای قزل کنت ولسـوالی شـولگره ولایت بلخ درعملیات شـبانه عسـاکر اشـغالگر جام شـهادت را نـوش جـان نمود .

شهید ملامحمد بلال مشهور به عزیر (تقبله الله)

شـهید محمـد بلال مشـهور بـه عزیر اکـه (رحمـه الله) فرزند حاجـی محمـد شـاکر در سـال ۱۳۷۰ ه ش در قریـه ای دهن درهء علیـا در ولسـوالی زاری ولایـت بلـخ در یـک خانوادهء دیـن دوسـت چشـم بـه جهان رنـگ و بو گشـود ، وی سـفر علمـی خـود را در زادگاه اش نـزد عالمـان جیـد آغـاز نمـود و سـپس بـرای ادامـهء تحصیـلات بـه شـهر مـزار شـریف و ولایـت سـرپل و جوزجـان سـفر نمود ، نیـز بـرای فراگیری علـوم قرآنـی و نبوی (صلی الله علیه و سـلم) عازم پاکسـتان گردیـد و در شـهر کویتـه در مدرسـهء ابوهریـره (رضـی الله عنـه) درسـهای خـود را تـا دورهء خـورد ادامـه داد ، سـپس وجیبـه ای دینـی و ملـی وی را وادار سـاخت تـا بـرای اداء جهـاد بـا صفـوف مجاهدین یکجا شـود ، شـهید محمـد بلال

(رحمه الله) زندگی جهادی خود را در ولسوالی کشنده ولایت بلخ آغاز نمود ، وی در ولسوالی های شولگره ، زاری و البرز ولایت بلخ و نیز ولایت های سرپل و جوزجان به مبارزه و مقاومت پرداخت ، شهید محمد بلال (رحمه الله) بالاخره بتاریخ ۱۲ جدی سال ۱۳۹۰ ه ش در قریه ای مرزا در ولسوالی زاری ولایت بلخ همراه با یکتن از همراهانش در یک عملیات شب هنگام صلیبی های وحشی به مقام افتخار آفرین شهادت نائل گردید .

شهید قاری عبدالکریم مشهور به قاری حبیب الله (تقبله الله)

شهید قاری عبدالکریم مشهور به قاری حبیب الله (رحمه الله) در سال ۱۳۵۸ ه ش در قریه ای چیلتو در ولسوالی کشنده ولایت بلخ دیده به جهان رنگ و بو گشود ، وی در سن ۱۸ سالگی حفظ قرآن عظیم الشان را در زادگاه اش نزد قاری صاحب محمد ظریف به پایان رسانید ، سپس برای تحصیل علوم دینی به زاهدان (ایران) رخت سفر بست و دران جا مدت ۲ سال مشغول فراگیری علوم نبوی (صلی الله علیه و سلم) بود ، سپس به کشور خود برگشت و مدت هفت سال در مدارس مختلف ولایت بلخ به تحصیلات خود ادامه داد و در سال هشتم دوره‌ء صغری را نزد شیخ الحدیث مولوی محمد ایوب صاحب به تکمیل رسانید ، متعاقباً حیات جهادی وی آغاز گردید ، وی پس از زحمات و تکالیف فراوان در راه پاسداری از دین و میهن بالاخره بتاریخ ۲۸ جوزا سال ۱۳۹۰ ه ش در قریه ای قیزیل کنت ولسوالی شولگره به شهادت رسید .

شهید ملا حفیظ الله مشهور به عمری (تقبله الله)

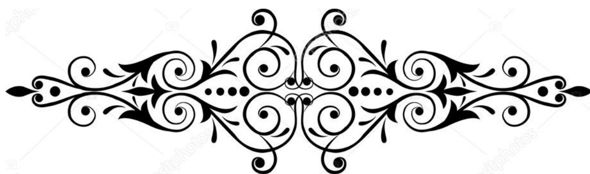
شهید حفیظ الله مشهور به عمری (رحمه الله) پسر صوفی امیر محمد در سال ۱۳۶۶ ه ش در قریه ای جنیتوی ولسوالی شولگره ولایت بلخ در یک فامیل دین پرور تولد یافت ، وی آموزشهای ابتدای خود را در زادگاه اش نزد علماء منطقه فرا گرفت ، سپس در قریه های نزدیکی و ولایت های مختلف سفر علمی خود را ادامه داد ، نیز برای کسب علم و دانش به پاکستان سفر نمود و مدتی دران جا مشغول تحصیلات دینی بود ، وی پس از تکمیل دوره‌ء صغری ناگزیر دانست تا برای پاسداری از لواء مقدس اسلام و آزادی کشور از پنجه های خون آشام استبداد وارد کارزار شود ، شهید حفیظ الله (رحمه الله) در ولسوالی کشنده ولایت بلخ به صف مجاهدین امارت اسلامی افغانستان پیوست و سپس در ولسوالی های شولگره و چهارکنت این ولایت نیز با سپاهان راه حق مشغول مقاومت بود ، وی بالاخره بتاریخ ۲۸ جوزا سال ۱۳۹۰ ه ش با هفت تن از همسنگران پاک طینت اش در یک عملیات بزدلانه متجاوزین جام سعادت بخش شهادت را نوش جان نمود .

شهید محمد اعظم مشهور به عبدالله (تقبله الله)

شهید محمد اعظم مشهور به عبدالله اکه (رحمه الله) فرزند عبدالاحد در سال ۱۳۶۳ ه ش در قریه ای آق کبروک ولسوالی کشنده ولایت بلخ چشم به جهان گشود ، وی از عنفوان شباب علاقه ای بیکران با جهاد و مقاومت اسلامی داشت ، شوق و ذوق جهادی وی را وادار ساخت تا خانه را ترک بگوید و به سنگرهای داغ جهاد برود ، وی در زادگاه اش ولسوالی کشنده و ولسوالی های شولگره ، زاری و چهارکنت دوشا دوش مجاهدین مشغول خدمات صادقانه ای جهادی بود ، شهید محمد اعظم (رحمه الله) بالاخره بتاریخ ۱۲ جدی سال ۱۳۹۲ ه ش یکجا با شهید محمد بلال (رحمه الله) در قریه ای مرزا در ولسوالی زاری ولایت بلخ یکجا با شهید محمد بلال (رحمه الله) در یک عملیات شب هنگام نیروهای صلیبی به مقام والای شهادت نائل گردید .

شهید ملامحمد یعقوب مشهور به سلمان (تقبله الله)

شهید محمد یعقوب مشهور به سلمان اکه (تقبله الله) فرزند حبیب الله در سال ۱۳۵۵ ه ش در قریه ای قوشوم سای ولسوالی کشنده ولایت بلخ در یک خانواده‌ء متدین متولد گردید ، وی آموزشهای ابتدای خود را در آوان خورد سالی در زادگاه اش نزد علماء جید فرا گرفت ، سپس برای تحصیلات بیشتر به ولایت های مختلف همچون بغلان و قندوز و دیار هجرت پاکستان سفر نمود ، وی پس ازینکه درسهای خود را به دوره‌ء صغری رسانید شامل کاروان تابان مجاهدین شد ، وی سفر جهادی خود را از ولایت قندوز آغاز نمود و سپس کم و بیش یک سال در ولایت بلخ نیز خدمات جهادی انجام داد ، وی بالاخره بتاریخ ۲۸ جوزا سال ۱۳۹۰ ه ش یکجا با هفت تن از همسنگرانش در قریه ای قزل کنت ولسوالی شولگره ولایت بلخ درعملیات شبانه‌ء عساکر اشغالگر به آرمان مقدس خود که شهادت است رسید .





پیام های رسمی امارت اسلامی افغانستان راجع به موضوعات مختلفه

اعلامیه امارت اسلامی افغانستان در مورد آغاز عملیات بهاری " منصوری "

بسم الله الرحمن الرحم

قال الله تبارک و تعالی : إنهم لهم المنصورون،وإن جندنا لهم الغالبون) الصافات(۱۷۱ - ۱۷۲)

ترجمه: خداوند متعالی می فرماید: به یقین با آنها (مسلمانان) کمک خواهد شد، و همین لشکر ما (برکافران) پیروز خواهد شدند.

در طول پانزده سال جهاد جاری اگرچه به اشغالگران کفری زیان های سنگین وارد گردیده است و بسیاری از همراهان ائتلافی شان مجبور به خارج ساختن عساکر شان از کشور ما شده اند، اما تعدادی از کشور های اشغالگر به سرکردگی امریکا، تا کنون به اشغال ظالمانۀ شان تداوم بخشیده و اصرار به جنگ دارند. آنان شمار نظامیان خویش را بیشتر نموده، از بمب های سنگین استفاده می کنند و تلاش دارند تا با طرح استراتیژی های گوناگون، ملت مؤمن و آزاد ما را برای همیشه محکوم و به زنجیر اشغال بسته داشته باشند.

امارت اسلامی و تمام ملت مجاهد مصمم است که به نصرت الله تعالی و بامساعد شدن شرایط جوی و موسمی، بار دیگر علیه متجاوزین خارجی و معاونین داخلی شان، عملیات جهادی " منصوری " را اعلام نمایند.

از آنجاییکه در تحت قیادت شهید امیرالمؤمنین ملا اختر محمد منصور رحمه الله تعالی، فتوحات بسیار بزرگی به دست مجاهدین انجام شد، اختطافگران و مفسدین نابود شدند، دروازۀ فتنه های زیادی مسدود گشت، در بخش سیاسی و اجتماعی پیشرفت های قابل توجهی صورت گرفت، لشکر متجاوز تعدادی از کشور های اشغالگر به وسیلۀ جهاد شکست خورده و مجبور به فرار شدند و کارنامه های پر افتخار زیاد دیگری نیز انجام گرفت، از الله تعالی امید داریم که با تفاؤل از نام مبارک شهید امیرالمؤمنین رحمه الله، در جریان عملیات " منصوری " کشور ما از شر کفار، بقایای شان، اختطافگران، باغی

ها و دیگر مفسدین پاک شود.
اینکه به نصرت الله تعالی و به برکت قربانی های بیدریغ ملت مجاهد افغانستان، دشمن در میدان نظامی شکست خورده است و به اعتراف دشمن، بیشتر از نیمی از مساحت کشور، در کنترل مجاهدین قرار دارد.
لهذا عملیات "منصوری" امسال، به نسبت سال های گذشته اشغال، با تبدیل نوعیت و تکتیک در دو بخش ملکی و نظامی بطور همزمان اعلام و اجرا می گردد.

در بخش ملکی:
الف – مناطقی که از وجود دشمن تصفیه شده است و مجاهدین بر آن حاکمیت دارند، مطابق با امکانات موجود امارت اسلامی، فعالیت های ملکی در آن بیشتر خواهد شد و با تمام کوشش در آرامش و فایده رساندن به مردم در بخش های مختلف عملیات دقیق آغاز خواهد شد.
ب – در مناطق و ولسوالی های تصفیه شده تمام واحد های اداری نظام فعال خواهد شد و برای حل و فصل موضوعات اداری، امنیتی و حقوقی مردم، تشکیلات اداری بطور منظم فعال خواهد گشت.
ج – علاوه بر تشکیلات رسمی هر ولسوالی، بخش دعوت و ارشاد و کمیسیون جلب و جذب بطور خاص و با اهتمام بیشتر فعال خواهد شد و ادارۀ مذکور بوسیلۀ افراد علمی و با تجربه، تلاش های جدی برای خارج ساختن هموطنان فریب خورده از صفوف دشمن و یکجا نمودن ملت خویش با مجاهدین صورت خواهد گرفت.

در بخش نظامی :
الف – مناطقی که از لوث دشمن بطور کامل تصفیه نشده است، طرح های نظامی برای ضربه زدن به دشمن، کشتن، زنده دستگیر کردن و راندن شان از آن منطقه عملی خواهد شد.
ب – ترکیز اساسی عملیات "منصوری" به از بین بردن اشغالگران خارجی، مراکز ثابت و سیار نظامی و استخباراتی شان و همکاران داخلی آنان خواهد بود.



ج – در عملیات مذکور، علاوه بر عملیات تهاجمی بر اهداف دشمن، از تکتیک جنگ های چریکی، عملیات دسته جمعی استشهادی و حملات هدفمند، نفوذی و عملیات انفجاری نیز استفاده شده و با نصرت الله تعالی به پیش برده خواهد شد.
د– در عملیات "منصوری" مجاهدین مکلف خواهند بود که حتی الامکان، چنان ترتیبی را انتخاب کنند که در ضمن عملیات، به حفاظت از جان و مال مردم ملکی توجه جدی صورت گیرد .
همچنین در مناطقیکه درطی عملیات فتح می شوند، به سرمایه های ملی، ملکیت های شخصی و فعال نمودن واحد های اداری، توجه خاص صورت خواهد گرفت و با اسرای جنگی دشمن، علاوه بر رفتار اسلامی و انسانی به حفاظت و رعایت حقوق انسانی و اسلامی آنان توجه خصوصی صورت خواهد گرفت.
از آنجاییکه هشتم ثور روز پر افتخار کامیابی جهاد مقدس ما در مقابل اتحاد شوروی و کمونیزم است، عملیات "منصوری" نیز ان شاء الله به تاریخ ۸ ثور سال جاری ۱۳۹۶ هجری شمسی که مطابق است با اولین روز ماه شعبان سال ۱۴۳۸هـ ق و مصادف است با ۲۸ ماه اپریل سال ۲۰۱۷ میلادی، در تمام ولایات کشور ساعت ۵ صبح با نعره های تکبیر بر تاسیسات نظامی اشغالگران و حامیان داخلی شان آغاز خواهد گشت. لهذا به منظور حفاظت از مال و جان مردم ملکی، از تمام هموطنان خواهشمندیم که در جریان عملیات، از همه مراکز و تاسیسات نظامی و تجمعات دشمن و از افراد مضر دور باشند و در هر بخش با برادران مجاهد خود بیش از پیش همکاری نمایند. والسلام

اعلامیه امارت اسلامی در مورد شهادت والی بغلان جناب مولوی لعل محمد محمدی رحمه الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم
شب گذشته اشغالگران خارجی بهمراه حلقه بگوشان اجیرشان ، در ولسوالی دندغوری ولایت بغلان، بر یک

مرکز مجاهدین دست به عملیات شبانه زدند. مجاهدین در واکنش به این عملیات، چند تن از دشمنان را بهلاکت رساندند سپس دشمنان منطقه را هدف بمباران قرار دادند که در اثر آن، والی امارت اسلامی برای ولایت بغلان جناب مولوی لعل محمد محمدی بهمراه ۴ تن از همرهان خود بمقام رفیع شهادت نایل گردید.اناالله وانااليه راجعون قربانی و فدا کردن سر در راه الله تعالی برای مجاهدین امارت اسلامی یک حقیقت عادی و دلخواه می باشد، ما همچنانکه بر ربوبیت الله تعالی جل جلاله و بر رسالت جناب رسول الله صلی الله علیه و سلم ایمان محکم داریم، بر این قول الله تعالی نیز عقیده راستین و راسخ داریم که می فرماید : ومن يقاتل فی سبيل الله فيُقتل أو يغلب فسوف نؤتيه أجراً عظيماً (۷۴ – النساء) ترجمه : آن کسی که در راه خدا پیکار کند، چه کشته شود یا پیروز گردد، به زودی پاداش بزرگی خواهیم داد.

قول مذکور الله تعالی به ما خاطرنشان می سازد که مجاهد فی سبیل الله در هیچ صورتی زیان نخواهد دید، بلکه در صورت شهادت و یا زنده ماندن ، در هر صورت کامیاب بوده و مستحق اجر می باشد، چنان اجری که رب متعال آن را " اجر عظیم " می فرماید .

شهادت برای جهاد ما، حیثیت غذای معنوی را دارد، اگر یک مجاهدی از ما شهید شده است، الله تعالی بجایش چنان مجاهدی را آورده است که از سابقش نیز بهتر راه جهاد را تعقیب نموده است و همین علت است که با وجود شهادت ها، جهاد ما بسوی کامیابی در حرکت است و با گذشت هر روز، فتوحات و نصرت های الله متعال شامل حال مجاهدین می شود . بناء دشمن بر این خوشحالی نکند که مسئولین ما را شهید کرده است، برعکس باید حالا به آنها ثابت شده باشد در انتقام شهادت همین مسئولین، صدها جوان سرباز و سرفروش به صفوف جهاد می پیوندند و در مقابل امریکایی ها و مزدوران قسم خوردۀ شان جنگ می کنند . ان شاء الله

ما در مورد شهادت شهید مولوی صاحب لعل محمد محمدی و دیگر همرهانش، به خانواده ، رفقاء، تمام مردم مجاهد بغلان و ملت مظلوم خویش مراتب تسلیت خویش را تقدیم می کنیم و برای شهیدان طبق وعدۀ الله تعالی در جنت مقام بلند می خواهیم و برای خانواده ، مجاهدین و متعلقین شان صبر جمیل و اجر جزیل را خواهانیم .

امارت اسلامی افغانستان

۲۲/۷/۱۴۳۸هـ ق
۳۰/۱/۱۳۹۶هـ ش ــ ۱۹/۴/۲۰۱۷م

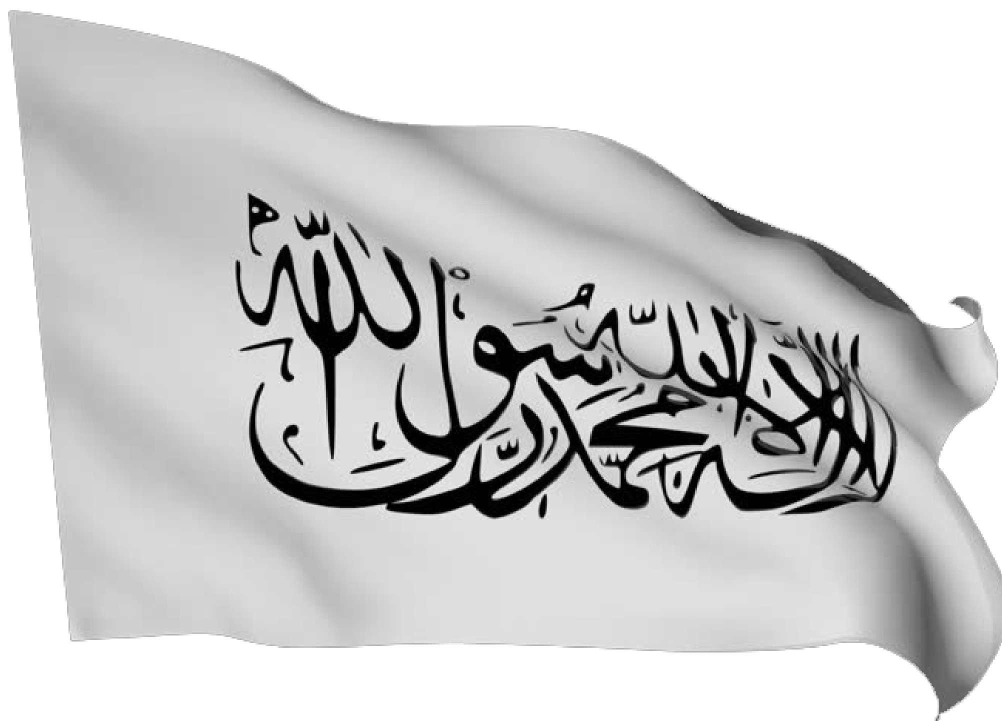
اظهارات سخنگوی امارت اسلامی در رابطه به وحشت اخیر امریکا در ننگرهار

شام پنجشنبه ساعت ۷نیم بجه، نیروهای اشغالگر امریکایی در منطقه ماموند دره ولسوالی اچین در ولایت ننگرهار، به گفتۀ خودشان بمب بزرگتر خود را که آن را " مادر بمب ها " می نامند استعمال کردند. انجام کردن چنین جنایت، سپس افتخار برآن و راه اندازی تبلیغات وسیع در این راستا، وحشت روبه افزایش اشغالگران امریکایی را به جهانیان آشکار میکند.

در هر کنج وکنار کشور مظلوم و اشغال شده ما، استعمال هرنوع اسلحه از جانب اشغالگران خارجی و اجنبی، خصوصا چنین انفجارات وحشیانه با هیچ منطقی قابل توجیه نیست.

امارت اسلامی این جنایت بزرگ امریکایی ها را با الفاظ شدید تقبیح می نماید وعاملین آن را جنایتکاران جهانی می پندارد، استعمال چنین اسلحهء ثقیل در کشور ما آسیب های دراز مدت روانی و اقتصادی را درقبال دارد. نابود کردن و جلوگیری از پدیدهء بنام داعش در افغانستان کار افغان ها است نه وظیفه اشغالگران اجنبی، امریکایی ها اگر از کسی تشویش دارند، سرحدات کشور خود را حفاظت کنند، اگر مردم ما را بنام داعش میکشند، مناطق ما را بمباردمان میکنند، اسلحهء ثقیلهء خود را برخاک ما تجربه میکنند و اینجا به بهانه های مختلف جنگ را تداوم می بخشند، هیچ مجوز ندارند؛ بلکه ظلم مطلق و تجاوز است. امریکا از این عمل خود استفادهء نمایشی و تبلیغاتی می کند، از یک جهت خود را به جهانیان سرکوب کنندهء داعش نشان میدهند و از سوی دیگر با چنین اقدامات، به داعش حیثیت و اهمیت می دهند و عملا آنان را تقویت میکنند، دلیل آن این است که در گذشته ها مجاهدین امارت اسلامی افغانستان جنگجویان داعش را سه مرتبه تا به حدی سرکوب کردند که قریب به سرکوبی نهایی می بودند، لیکن طیارات امریکایی مجاهدین ما را تا به آن حد بمباران می کردند که سبب نجات جنگجویان داعش می گردید.

این که امریکایی ها ادعا داشتند که ماموریت فعلی آنان در مشوره دادن و آموزش دادن به مزدوران داخلی



شـان محـدود اسـت، بعـدا در جریـان مشـوره، بمـب هـای ۱۰،۰۰۰ کیلوگـرام را بـر خـاک مـا تجربـه می کننـد، این عمـل آنها داعیـه جهـاد و آزادی خواهی افغان هـار تایید می کنـد و ایـن حقیقـت را واضـح می سـازد کـه بایـد در برابر اشـغالگران موقـف قاطـع اختیـار شـود و دیگـر بر شـعار و پروسـه هـای فریب دهنـده آنهـا اعتماد نشـود.

مـا یقیـن داریـم کـه اسـتعمال اسـلحهء ثقیلـه و بمبارهـای ویـران کننـده بـر خـاک ما، حل مسـئله نیسـت بلکـه چنین مظالـم هنـوز هم سـبب می شـود که حساسـیت هـای انتقام جویانـه ملـت مـا را بـر انگیختـه شـود و چهـره ظالمانـهء تجاوزگـران بیشـتر رسـوا و هویـدا شـود.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی
۱۷/۷/۱۴۳۸هـ ق
۲۶/۱/۱۳۹۶هـ ش ــ ۱۴/۴/۲۰۱۷م

ادعـای کمـک روسـیه بـا مجاهدیـن امارت اسـلامی عـاری از حقیقت اسـت

مدتـی میشـود بعضی حلقات از طریق رسـانه هـا ادعا میکنند کـه روسـیه بـا مجاهدین امـارت اسـلامی کمـک نظامی می کنـد. امارت اسـلامی چنیـن ادعاها را جـدا رد میکند، امارت اسـلامی هیـچ نوع کمـک نظامی یا لوجسـتیکی را از کشـور روسـیه بدست نه آورده است.

امـارت اسـلامی در ۱۶سـال گذشـته ثابت کـرده اسـت که مقاومـت پایـدار و کامیـاب در برابر اشـغالگران را با نصرت الله متعـال و بـا پشـتیبانی همه جانبـهء ملت مؤمـن خود می توانـد بخوبی انجـام دهد.

البتـه یـک حقیقـت بایـد هویـدا باشـد کـه امـارت اسـلامی بـه نمایندگـی از ملت افغانسـتان جهت منافع ملـی و آینده کشـور روابـط خوبـی را بـا کشـورهای همسـایه و ممالـک منطقـه میخواهـد و درین راسـتا تفاهم سیاسـی بـا جهت های ذی دخـل را یـک ضـرورت ملـی مـی پنـدارد، مگـر هرگز کاری را نخواهـد کـرد کـه متصادم بـا منافع اسـلامی و ملی باشد.

امـارت اسـلامی در دوران حاکمیـت کامل خود نیز مسـاعی روابـط و تفاهـم بـا ممالـک منطقـه و جهـان را نمـوده بود، چنیـن روابـط بـا ممالـک جهـان بـر ضـد هیـچ جهـت و بر ضـرر هیـچ طرف دیگـری نیسـت، بلکه مـردم افغانسـتان و ایـن کشـور جنـگ زده بـه توسـعه و تقویـت همچـو روابط سـالم نیـاز دارند، بعضی رسـانه های اسـتخباراتی به اشـارهء اشـغالگران طـوری تبلیغـات میکننـد کـه ذهنیـت عامـه را تخریـب و برای ادامهء اشـغال زمینه را مسـاعد سـازند، ولی ملـت مجاهد مـا هیچگاه شـکار تبلیغـات منفی آنهـا نخواهد شد .

امارت اسلامی افغانستان
۱۶/۷/۱۴۳۸ هـ ق
۲۴/۱/۱۳۹۶هـ ش ــــ ۱۳/۴/۲۰۱۷م





شعر و ادب

بهترین امت

بهترین جمله امت امتان مصطفاست
روز محشر عرش اعظم سایبان مصطفا ست
ای برادر گر تو با صورت پرستی مایلی
یوسفستان جهان در کاروان مصطفاست
از شب معراج رفتن های شان داری خبر
اززمین تاسدره جبریل همعنان مصطفااست
آنچه من میگویمت از صدق دل تصدیق کن
دفتر ودیوان مشکات از زبان مصطفاست
گرکتاب مثنوی را خوانده باشی ای عزیز
حضرت مولای رومی ترجمان مصطفاست
از طفیل او شده پیدا تمام کاینات
این جهان و آن جهان هر دو جهان مصطفاست
سر سری از کوچه باغ شاه گیلان نگذری
شیخ عبدالقادرهم از خاندان مصطفاست
در شب معراج بالا رفت باز آمد بخیر
بخشش و آمرزش ما ارمغان مصطفا است
آفتاب و ماهتاب از نور شان روشن شده
اینهمه سیاره ها از آسمان مصطفا است
عشقری دل شاد باشی حق نگهدارت بود
کاین غزل سر تاپادر وصف شان مصطفاست

صوفی عشقری

د سبا تکل

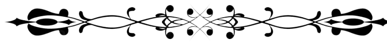
تکل يې د سبا کړی تيارو کې يې مزل دی
څه ستوري راڅول شوي دي بيعت يې تر اجل دی
ګلاب تر ښه شرمېږي او غاټول ورته حيران دی
څه حسن يې ځلا کوي په سپينه لار مزل دی
الهام يې دی اخيستی له کردار د ښکلي لمر نه
فرمان د اَعِدُّوْا يې د سر سترګو ته کجل دی
بدرنګو تهذيبونو ته يې هوډ د محوې کړی
د ستر امام په نقش يې همېش ايښی خپل پل دی
ستر راز يې د بري په تندي څومره تجلا کړي
اخلي انتقام؛ د هر مظلوم زړه ته تسل دی
زاهده د سنګر مراقبې ته به حيران شې
شرنګا د سپينو تورو ده دښمن باندې اور بل دی
(حمزه) د مجاهدو پرګنو مېړانې وياړي
(حمزه) ته مجاهد د زړګي سر د پګړۍ ول دی

حمزه حسینی

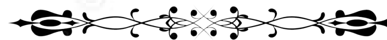


نغزها

هرگز نمازت
را ترک مکن "
میلیون ها
نفر زیر خاک بزرگترین آرزویشان بازگشت به دنیاست ؛
تا " سجده " کنند
فقط یک سجد



پادشاهی
درویشی را به زندان انداخت، نیمه شب خواب دید که بیگناه است، پس اورا آزاد کرد،
پادشاه گفت حاجتی بخواه !
درویش گفت :
وقتی خدایی دارم که نیمه شب تورابیدارمیکند تا مرا از بند رها کنی، نامردیست که ازدیگری حاجت بخواهم.



خواستند یوسف را بکشند
یوسف نمرد...
خواستند
آثارش را از بین ببرند،
ارزشش بالاتر رفت...
خواستند
او رابفروشند که برده
شود، پادشاه شد
خواستند
محبتش از دل پدرخارج
شود، محبتش بیشتر شد
پس . . .
از نقشه های بشر نباید دلهره داشت...
چرا که اراده ی خداوند بالاتراز هر اراده ای است...

یوسف
میدانست، تمام درها بسته هستند، اما به خاطر خدا ؛ حتی به سوی درهای بسته هم دوید...
و تمام درهای بسته برایش باز شد...
اگر
تمام درهای دنیا هم به رویت بسته شد،
به دنبال درهای بسته برو
چون
خدای "تو"و"یوسف" یکیست...

نسیم جان فزای رمضان

نقش قرآن تا در این عالم نشست　　　نقش های کاهن و پاپا شکست

رمضان مبارک ماه بهار ایمان و ارتباط با الله، گلزار اعمال و شکوفه های سنت محمدی است، صیامش «روزه» فرض، قیامش «تراویح» روش نبوی و زمزمه صدای قرآنی حافظ در محراب آب حیات برای تشنگان معرفت الله، واعتکاف در دهه آخر این ماه پر فیض و برکت در پاک ترین جا «مسجد» سبب شست و شوی قلب، پاکیزگی دل، روان و خوشنودی خدا و رسول او است، رمضان مبارک با قرآن کریم رابطه ی تنگاتنگی دارد، از باد صبا و نسیم جان فزای رمضان بوی دل انگیز قرآن کریم بیشتر و بهتر به مشام می رسد، و شبنم رحمت او تعالی در گلستان دل پاکان نشاط و تازگی می بخشد.

آدم هوشمند و آگاه از این فرصت طلایی از روزه ی با معنی، تلاوت و گوش کردن به کل قرآن کریم در تراویح، اعتکاف در عشر اخیر ماه مبارک و تشکیل در راه الله تعالی بهره کافی می برد.

از او تعالی مسألت داریم که رحمات، توفیقات و عنایات خاصش را شامل حال ما و شما بگرداند و از نعمت صحت، سلامت، عافیت و امنیت دنیا و آخرت بهرمند فرمایند، آمین.

عبدالواحد قلندرزهی

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine



مسجد جامع شهر شبرغان مرکز ولایت جوزجان